

وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیهٔ
معلم و مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف دهم



سال چاپ: ۱۳۹۰ هـ . ش

دری صنف دهم



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی، تربیهٔ معلم
و مرکز ساینس
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و
تالیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف دهم

سال چاپ: ۱۳۹۰ هـ. ش.



مؤلف : فرزانه شریف متخصص زبان و ادبیات دری

ایدیت علمی و مسلکی: پوهندوی عبدالرازق اسمر متخصص زبان و ادبیات دری

ایدیت زبانی: مؤلف الحاج سید محمود پایمناری

کمیتهٔ دینی، سیاسی و فرهنگی:

- داکتر عطاء الله واحدیار مشاور ارشد وزارت معارف و رئیس نشرات.
- داکتر عبدالصبور فخری
- مؤلف مولوی عبدالوکیل عضو علمی دیپارتمنت تعلیمات اسلامی .
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

کمیتهٔ نظارت:

- دکتور اسد الله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی، تربیهٔ معلم و مرکز ساینس
- دکتور شیر علی ظریفی مسؤول پروژهٔ انکشاف نصاب تعلیمی
- معاون سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزاین: میر محمد سهیل انصاری و عنایت الله غفاری



بسم الله الرحمن الرحيم



سرود ملی

دا وطن افغانستـــان دی ‌‌ دا عزت د هــر افــغان دی

کور د سولې کور د تورې ‌‌ هر بچی يې قهرمـــان دی

دا وطن د ټولو کور دی ‌‌ د بلوڅــو د ازبکـــو

د پښتـــون او هزاره وو ‌‌ د ترکمنـــو د تاجـــکو

ورسره عرب، گوجــر دي ‌‌ پاميــريان، نورستانيـــان

براهوي دي، قزلباش دي ‌‌ هــم ايمـــاق، هم پشه يان

دا هيــواد به تل ځليږي ‌‌ لکـــه لمـر پر شنه اسمان

په سينــه کې د اسيـــا به ‌‌ لکـــه زړه وي جـــاويدان

نوم د حق مو دی رهبـــر ‌‌ وايو الله اکبر وايو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام وزیر معارف

معلمان و شاگردان عزیز،

تعلیم و تربیه اساس انکشاف و توسعهٔ هر کشور را تشکیل می دهد، نصاب تعلیمی یکی از عناصر مهم تعلیم و تربیه می باشد که مطابق انکشافات علمی معاصر و نیازمندی‌های جامعه وضع می گردد، واضح است که انکشافات علمی و نیازمندی‌های جامعه همواره در حال تَطَوُّر می‌باشد؛ بناءً لازم است نصاب تعلیمی نیز به صورت علمی و دقیق انکشاف نماید. البته نباید نصاب تعلیمی تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتابی که امروز در دسترس شما قرار دارد بنابر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده است، موضوعات علمی مفید در آن اضافه شده، فعال نگه داشتن شاگردان در عملیهٔ تدریس جزء پلان تدریس گردیده است.

امیدوارم تدریس این کتاب با استفاده از روش های آموزش فعال مطابق رهنمود ها و پلان تعلیمی تعیین شده صورت گیرد و اولیای شاگردان نیز در تعلیم و تربیهٔ با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متداوم نمایند، تا اهداف و آرزوهای نظام معارف بر آورده گردیده، نتایج و دست آوردهای خوبی برای شاگردان و کشور ما داشته باشد.

باور دارم که معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی مسؤولیت خود را صادقانه ادا می‌نمایند.

وزارت معارف همواره تلاش می نماید تا نصاب تعلیمی معارف مطابق اساسات دین مبین اسلام، حس وطن دوستی و معیار های علمی با در نظرداشت نیازمندی های مُبرم جامعهٔ ما انکشاف نماید.

در این عرصه از تمام شخصیت های علمی و دانشمندان تعلیم و تربیهٔ کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائهٔ نظریات و پیشنهادات سالم و مفید خویش مؤلفان ما را در بهبود بیشتر تألیف کتب درسی یاری نمایند.

از همهٔ دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند و از مؤسسات محترم ملی و بین المللی و سایر کشور های دوست که در تهیه و تدوین نصاب تعلیمی جدید و طبع و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی می‌نمایم.

و من الله التوفیق

فاروق وردگ

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

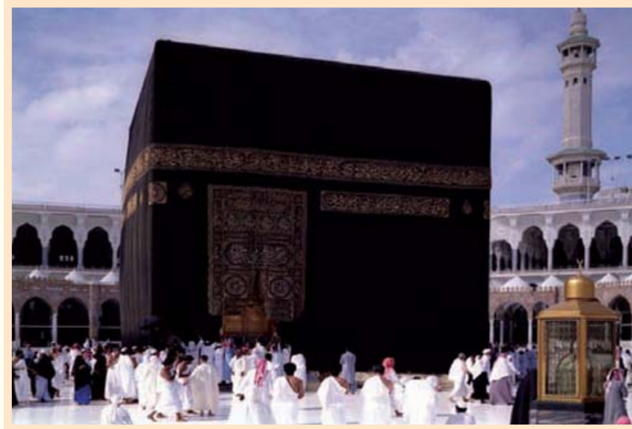


فهرست

درس اول

شاگردان عزیز،

شاعران و نویسنده گان از دیر باز سروده ها و نوشته های خود را با نام پروردگار جهان آغاز کرده و بزرگی و بخشاینده گی او را ستوده اند. آنان با این تمهید در های رحمت و مغفرت الهی را به روی خویش و خواننده گان میگشایند. بر پایهٔ این شیوهٔ پسندیده، بهترین سرآغاز هر نوشته فصلی است در ستایش خداوند (ج) جان و خرد، در هیچ گنجی گشوده نمی شود؛ مگر آن که وصف یگانه گی آفریدگار هستی کلید آن باشد. آفریده گاری که جهان را آفرید و جهانیان را، بی شک سزاوار ستایش و عبادت است.



ستایش خداوند(ج)

آفرین، جان آفرین پاک را	آن که جان بخشید و ایمان خاک را
عرش را بر آب بنیاد او نهاد	خاکیان را عمر بر باد او نهاد
آسمان را در زبر دستی بداشت	خاک را در غایت پستی بداشت
آن یکی را جنبش مادام داد	وین دگر را دایماً آرام داد
آسمان چون خیمه یی بر پای کرد	بی ستون کرد و زمینش جای کرد
بحر را بگداخت در تسلیم خویش	کوه را افسرده کرد از بیم خویش
بر را از تشنگی لب خشک کرد	سنگ را یاقوت و خون را مشک کرد
گاه گل بر روی آتش دسته کرد	گاه پل بر آب دریا بسته کرد

نیم پشه بر سر دشمن گماشت — در سر او چارصد سالش بداشت
عنکبوتی را به حکمت دام داد — صدر عالم را از او آرام داد
بست موری را کمر چون موی سر — کرد او را با سلیمان همکمر
سوزنی چون دید با عیسی به هم — بخیه یی بر رو فکندش لا جرم
تیغ کوه از لاله خون آلود کرد — گنبد نیلوفری از دود کرد
پاره پاره خاک را در خون گرفت — تا عقیق و لعل از او بیرون گرفت
در سجودش روز و شب خورشیدو ماه — سوده پیشانی خود بر خاک راه
هست آن سیمای ایشان از سجود — کی بود بی سجده سیما را وجود
طوطیی را طوق از زر ساخته — هدهدی را پیک رهبر ساخته
چون دَمی در گِل دمد آدم کند — وزکف و دودی همه عالم کند
یاسمین را چار ترکی بر نهد — لاله را از خون کُلَه بر سر نهد
گه نهد بر فرق نرگس تاج زر — گه کند در تاجش از شبنم گهر
هرچه هست از پشت ماهی تا به ماه — جمله یی ذرات بر ذاتش گواه
پستی خاک و بلندی فلک — دو گواهش بس بود هر یک به یک
خاک را گِل کرد در چل بامداد — بعد از آن جان را در او آرام داد
جان چو در تن رفت تن زو زنده شد — عقل دادش تا بدو بیننده شد
عقل را چون دید بینایی گرفت — علم دادش تا شناسایی گرفت
چون شناسا شد به عجز اقرار کرد — غرق حیرت گشت و تن در کار کرد

عطار نیشاپوری



* شیخ فریدالدین محمد عطار در نیشاپور در سال ۵۱۳ هـ . ق. تولد یافت، وی دارو فروش بود، بنابرین او را عطار گویند. عطار اشعار عرفانی و تصوفی میسرود؛ اما مدح نگفته است. اشعارش را در حدود صد هزار بیت دانسته اند. معروفترین آثارش دیوان قصاید و غزلیات عرفانی میباشد. سایر آثار او مصیبت نامه، الهی نامه، خسرو نامه، پند نامه، اسرار نامه، جواهر نامه... اند.

عطار در نثر نویسی هم ماهر بود، مشهورترین اثر نثر او **تذکرة الاولیاست** در شرح احوال عارفان و مکارم اخلاق شان.

* هدهد مرغی است، که در دربار حضرت سلیمان بود. داستان این مرغ و پیام آوری او از سلیمان به بلقیس ملکهٔ سبا در سورهٔ نمل آمده است.

بیاموزیم

۱. سپاس خدای را که انسان را از مشت خاک آفرید و ایمان داد.
۲. تمام ذرات از قعر دریا تا به مهتاب به ذات یکتای خداوند(ج) گواه اند.
۳. خداوند(ج) با قدرتی که دارد، از گل آدم را آفرید، از کف و دود تمام عالم را پیدا کرد.
۴. خداوند(ج) پیکر آدم(ع) را ساخت، بعداً در آن روح دمید و آن را زنده گردانید.
۵. انسان را خداوند(ج) عقل داد و او را دانا ساخت، و برایش علم داد تا به وسیلهٔ آن خود و پرودگار خود را بشناسد.
۶. وقتیکه انسان خدای خود را شناخت به عجز خود اقرار کرد و به عبادت او مشغول شد.



شاگردان عزیز، در صنوف پایینتر در هر درس بخشی جداگانهٔ تحت عنوان قواعد دستوری را فرا گرفتید. در این صنف برای این که از عهدهٔ نگارش یک مطلب به آسانی بدر آیید، بخشی را تحت عنوان آیین انشا و نگارش می آموزید.

هر چند بحث نگارش بسیار وسیع و گسترده است، نیاز به وقت و زمان زیاد دارد و هم از این نقطه نظر که برای شما شاگردان عزیز رهنمایی ساده شده باشد، دروس انشا به گونهٔ مختصر ترتیب گردیده است.

هدف از آموزش انشا آن است تا شما بتوانید آن چه را که در ذهن دارید، بنویسید به تعبیر دیگر، همان طوری که میتوانید سخن بگویید، مطالب را بنویسید.

بحث نگارش بحثی کاملاً جدید نیست؛ بلکه شما از صنوف ابتدایی تا حال ده ها مقاله و موضوعات گوناگونی نوشته اید. تعدادی از شاگردان با وجودی که در ذهن خود ذخیرهٔ لغات و معلومات زیاد دارند؛ اما جرأت نوشتن یک مطلب را ندارند. برای این که بتوانید بدون دلهره و نگرانی بنویسید درس های انشا را تعقیب نمایید.

آیین یعنی اسلوب، شیوه و روش، انشا به معنای آغازکردن، آفریدن، پدیدآوردن و نگارش به معنای تحریر، نوشتن و شیوهٔ انشا است.

انشا و نگارش عامل اصلی خلاقیت هاست و زیر بنای خلاقیت اعتماد به نفس است. در درس انشا و نگارش، از ساده ترین تجربه های تلخ و شیرین تا عمیق ترین اندیشه های فلسفی فرصت بیان پیدا مینماید. انشا با ارزشترین درس است، که بیان علوم را سهل نموده و از طرف دیگر انسان را متفکر و صاحب اندیشه میسازد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد درس خوانده شده در گروه ها با هم مباحثه نمایند و نمایندۀ هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان کند.
۲. چند شاگرد به نوبت مفهوم اساسی درس را به زبان ساده بیان کنند.
۳. چند شاگرد به نوبت روی فواید نگارش در زنده گی سخنرانی نمایند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





خود آزمایی

۱. شعری را که خواندید از کی و محتوای شعر در بر گیرندۀ کدام موضوع است؟
۲. شیخ فریدالدین عطار کی بود؟
۳. هدف از آموزش انشا و نگارش چیست و نگارش در زنده گی انسان چه اهمیت دارد؟
۴. بیت زیر اشاره به کدام قصه است توضیح دهید:

عنکبوتی را به حکمت دام داد　　　صدر عالم را از او آرام داد



کارخانه گی

۱. بیت زیر را اساس قرار داده، متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد:

هر چه هست از پشت ماهی تا به ماه　　　جمله یی ذرات بر ذاتش گواه

۲. ابیات زیر را حفظ کنید:

لب من لایق ثنای تو نیست　　　فعل من درخور رضای تونیست
پرده پوش من و پنا ه منی　　　تو مرا شادکن که شاه منی

خلیل الله خلیلی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس دوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. شعر این درس از کیست و در مورد کی سروده شده است؟
۲. پیام اصلی درس را به طور مختصر بیان کنید.
۳. نظامی کی بود؟

در پایان معرفی همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.



خاتم پیغمبران

شمسهٔ نُه مسند هفت اختران	ختم رسل خاتم پیغمبران
احمد مرسل که خرد خاک اوست	هردو جهان بستهٔ فتراک اوست
تازه ترین سنبل صحرای ناز	خاصه ترین گوهر دریای راز
سنبل تو سنبلهٔ روز تاب	گوهر تو لعل گر آفتاب
ای تن تو پاکتر از جان پاک	روح تو پروردهٔ روحی فداک
نقطه گه خانهٔ رحمت توای	خانه بر نقطهٔ زحمت توای
ای شب گیسوی تو روز نجات	آتش سودای تو آب حیات
عقل شده شیفتهٔ روی تو	سلسلهٔ شیفتگان موی تو
از اثر خاک تو مشکین غبار	پیکر آن بوم شده مشک بار
تاج تو و تخت تو دارد جهان	تخت زمین آمد و تاج آسمان
خاک ذلیلان شده گلشن به تو	چشم غریبان شده روشن به تو

تا قدمـــت در شـــب گیسو فشان / بر سر گـــردون شده دامن کشان
در صـدف صبـح بـدست صفـا / غالیـهٔ بـوی تـو سایـد صبـا
لاجرم آنـجا کـه صبا تـاختـه / لشکر عنبر عـلـم انـداختـه
بـوی کز آن عنبـر لـرزان دهـی / گر بـدو عـالـم دهی ارزان دهـی
سدره ز آرایش صـدرت زهیست / عرش در ایوان تو کرسی نهیست
روزن جـانت چو بود صبح تـاب / ذره بـود عـرش درآن آفتاب
گر نه زصبح آیـنـه بیـرون فتـاد / نور تو بر خـاک زمیـن چون فتاد
ای دو جـهان زیـر زمین از چه ای / گنج نه ای خاک نشیـن ازچه ای
تا تـو بخاک اندری ای گنج پاک / شرط بود گنج سپردن بـه خـاک
گنـج تـرا فقـر تـو ویـرانه بـس / شمع تـرا ظل تـو پـروانـه بس
عقل شفا جـوی و طبیبش تـو ای / ماه سفر ساز و غـریبش تـو ای
خیـز و شب منتظـران روز کـن / طبع نظامی طرب افـروز کـن

نظامی گنجوی



* حکیم جمال الدین بن یوسف نظامی گنجوی یکی از نام آوران ادبیات و شعر زبان دری در قرن ششم هجری قمری به شمار میرود. زادگاه وی شهر گنجه یکی از شهر های آباد آن دوره بود که در کشور آذربایجان موقعیت دارد.

نظامی از آغاز جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت و در تمام رشته های علوم متداول؛ مانند: علوم طبیعی، طب و نجوم مهارت یافت، همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به دست آورد. گذشته از این نظامی هنر معماری، موسیقی و رسامی را فرا گرفت و با زبانهای عربی و پهلوی نیز آشنا شد.

بزرگترین اثر نظامی خمسه بوده، که در قالب مثنوی سروده شده و حاوی بیست و هشت هزار بیت میباشد. خمسه شامل پنج کتاب است: مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر یا بهرام نامه و اسکندر نامه.

نظامی در شیوهٔ داستان سرایی استاد و پیشرو دیگران بود. وی در ضمن داستان پردازی از مطالب اخلاقی و حکمی، پند و اندرز غفلت نکرده و همواره در اشعارش انسان را به آزاده گی و بریدن از طمع و آز دعوت کرده و به آموختن دانش فرا میخواند.

بیاموزیم

۱. اشعاری که در وصف حضرت محمد (ص) سروده شده است؛ نعت نامیده میشود.

۲. حضرت محمد (ص) آفتاب نه فلك و آخرین پیامبران است.

۳. سرور و سردار مسلمانان حضرت محمد (ص) است.

۴. حقا که سرور مؤمنان رسول اکرم برگزیدۀ خداست، که معراج را خداوند (ج) بروی ارزانی داشت.



۱- نگارش و علوم انسانی: در نگارش آشنایی با علوم صرف، نحو، فصاحت و بلاغت بسیار مهم پنداشته میشود. از این که لفظ وسیلۀ بیان معنا است و برای ارائۀ یك معنی شاید از چند جمله یا چند کلمۀ مترادف که یکی دو تای آن مناسب باشد انتخاب گردد؛ بنابرین لازم است که نویسنده به صورت کافی ذخیرۀ لغات داشته باشد تا در بیان موضوعات گوناگون توانایی خود را به کار اندازد.

نقش کلمه ها در نگارش بسیار مهم است؛ زیرا سر و کار ما در نگارش با کلمه ها میباشد. پس ما باید صرف و نحو را بدانیم، با قواعد آن آشنا باشیم، تا در نوشتن یك مطلب به مشکل دچار نشویم و از عهدۀ نگارش یك موضوع براییم.

نکتۀ مهم در نگارش انتخاب کلمه ها میباشد. در انتخاب کلمه بیشتر به علم صرف توجه صورت میگیرد. شخصی که مینویسد، بعضی اوقات تأکید بیشتر روی کلمه ها میکند. کلمه های متعدد را انتخاب نموده با پیوند آنها جمله های مناسب ترتیب مینماید. بعضی هم بیشتر به نحو توجه داشته جمله های ساده و مرکب متعدد را میسازند. برعلاوۀ این موضوعات باید توجه روی ترتیب کلمه ها و ترکیب واژه ها صورت گیرد، این موضوع هم به دستور زبان (صرف و نحو) رابطه دارد. هر گاه کلمات به طور درست و منطقی آن ترتیب گردد، پیام ما را خواننده بهتر درك میکند. بعضی اشخاص در نگارش عادت دارند که با ترکیب کلمه های متعدد جمله ها را مبهم و پیچیده میسازند، که این کار خواننده را به مشکل مواجه ساخته و حتی باعث میشود، که خواننده را از خواندن منصرف سازد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد شخصیت حضرت محمد(ص) در گروه ها با هم مباحثه نمایند و نمایندۀ هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان نماید.

۲. چند شاگرد به نوبت در بارۀ ارتباط علوم انسانی با نگارش سخنرانی نمایند.

۳. یک شاگرد خلاصۀ نعت خوانده شده را به زبان ساده بیان نماید.

۴. بیت زیر را اساس قرار داده در رابطه بحث گروهی کنید.

تاج تـو و تـخت تو دارد جهـان　　　　تخت، زمیـن آمد و تاج آسمان

املا و نگارش



۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود، املا بنویسید.

۲. در مورد این تصویر متنی بنویسید، که از هفت سطر کم نباشد.



۱. شعری که در صفات پیامبر(ص) سروده میشود، به نام چی یاد میگردد؟

۲. شیخ فرید الدین عطار کی بود؟ آثار او را نام بگیرید.

۳. در نگارش دانستن کدام علوم ضروری پنداشته میشود؟

۴. برای اینکه در نگارش مطلبی به مشکل مواجه نشویم، کدام نکات را باید در نظر بگیریم؟

۵. بیت زیر را تشریح و توضیح نمایید:

عقل شفا جوی و طبیبش تو ای　　　　مـاه سفر سـاز و غریبش تو ای



۱. در مورد اخلاق نیکوی حضرت پیامبر اسلام چند سطر بنویسید.

۲. بیت زیر را به حافظه بسپارید:

ای پـــادشه مسنـــد اقـلیم تجـلا　　　　قصر تو فلک تکیه گهت عرش معلا

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده، آماده گی بگیرید.

درس سوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. چرا ضرور است، که افراد عادت به مطالعه و تحقیق داشته باشند؟
۲. در کشور های پیشرفته، مردم چگونه عادت به مطالعه دارند؟
۳. کدام طریقه های آموزش وجود دارد؟
٤. برای بهره گیری از مطالعه نخست باید چه را فرا گیریم؟
۵. مطالعه چند نوع است و مطالعهٔ جدی کدام مطالعه را گویند؟

در پایان معرفی، پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

فرهنگ مطالعه



آموزش از دو طریق صورت میگیرد، یکی از طریق آموزش رسمی در مکاتب و سایر موسسات تحصیلی و دیگر از طریق آموزش غیر رسمی، که شاگردان و سایر اشخاص در خانه و اجتماع از طریق فعالیت های روزمره، ارتباطات اجتماعی، تجارب عملی و مطالعه می آموزند. اشخاصی که بیشتر مطالعه میکنند، سطح آگاهی شان بلند رفته، مشکل های خود و خانوادهٔ خود را مرفوع می سازند و در اجتماع مفید واقع میگردند.

عادت به مطالعه مصروفیت سالم است، که همیشه برای شخص فعالیت متنوع ایجاد نموده، از مصروفیت های نا سالم و بیکاری جلوگیری میکند و باعث انکشاف، رفاه و سعادت اجتماعی میگردد؛ همچنان برای دنبال کردن وقایع و حصول آگاهی از جریانات اجتماعی، اقتصادی، علمی و هنری در جهان لازم و ضروری است،که فرهنگ مطالعه در جامعه انکشاف داده شود؛ از این رو انکشاف فرهنگ مطالعه، یکی از نیازهای اجتماعی و انکشاف فرهنگی دانسته میشود، که شاگردان باید توسط معلمان در مکاتب و والدین شان در خانه و هم از طریق فعالیت های

مراکز فرهنگی به مطالعه و مراجعه به منابع اطلاعاتی، علمی و آموزشی تشویق شوند و عادت مطالعه در آنها تقویت گردد تا شاگردان، خود بتوانند، به انکشاف دانش و معلومات شان بپردازند و به آسانی از منابع مختلف استفاده نموده تحقیق نمایند.

در زنده گی امروز، به خصوص در جوامع پیشرفته افراد، صبح وقتی از خواب بر میخیزند، به مطالعه میپردازند با خواندن روزنامه و جراید روز را آغاز میکنند و در ساعات بیکاری و تفریح در پارکها نیز اخبار یا مجله و یا کتاب همراه میداشته باشند. شب وقتی به بستر میروند با مطالعه چشم به خواب میبندند.

مطالعه باعث رشد شخصیت افراد گردیده به آنها توان تحلیل و تعبیر از پدیده ها ورویدادها را داده خلاقیت و توانایی افراد را در اجتماع انکشاف میدهد.

برای اینکه بتوانیم به مطالعه خود را عادت دهیم باید نخست فن مطالعه را فراگیریم.

فن مطالعه

بهره گیری شایسته از مطالعه زمانی میسر میگردد، که فن آن را فرا گیریم و به کار بندیم. مطالعه را میتوان دو گونه دانست: یکی جدی و ناظر به مقصود کمابیش معین و معلوم و دیگر تفریحی و برای سرگرمی. وقتی کتاب درسی خود را میخوانید مطالعهٔ شما جدی است و زمانیکه قصه یا روزنامه یی میخوانید مطالعه شما تفریحی است. این حکم عام است، هرچند گاهی خلاف این روی میدهد: چه بسا قصه یی را به قصد نقد آن بخوانید یا مطالب مورد علاقهٔ خود را از روزنامه نقل کنید یا کتاب درسی را به تفنن ورق بزنید. مقصد اصلی ما مطالعهٔ جدی است، برای آموختن، استخراج مواد و معانی، نقد و بررسی، نقل شواهد در مطالعهٔ جدی، نباید تنها به حافظهٔ خود متکی باشیم. حین مطالعه، کتابچهٔ یادداشت داشته باشیم تا در آن نکات مهم و دلچسپ، سخنان نغز، تعبیرات و واژه گان را بنویسیم. در جریان مطالعه، بسیاری اوقات به کتاب های مرجع؛ مانند: واژه نامه، فرهنگ ها و دایرة المعارف نیاز پیدا میکنیم. بهتر است این نوع کتا بها را در دسترس داشته باشیم، تا بتوانیم معنای کلمه ها و اصطلاحاتی را که نمیدانیم دریابیم و حتی تلفظ دقیق کلمه ها را بدانیم. ضمن مطالعه، اندیشه هایی به ما الهام میشود، یا با تداعی، معانی تازه یی در ذهن ما می آید، یا در تأیید یا رد قول نویسنده نکته هایی میبابیم، باید فکر و احساس خود را در آن یاد داشت کنیم. با این کار میتوان بهترین بهره را برد و بیشترین ذخیره را گرد آورد. روزانه در پهلوی دیگر کار ها باید چند ساعتی را به مطالعه اختصاص دهیم. اگر تمام کار های روزمرهٔ خود را طبق تقسیم اوقات تنظیم کنیم بدون خسته گی به همه کار های خود میرسیم و هم، سطح دانش خود را بلند میبریم؛ زیرا جامعهٔ ما به افراد تحصیل کرده و آگاه نیاز دارد.

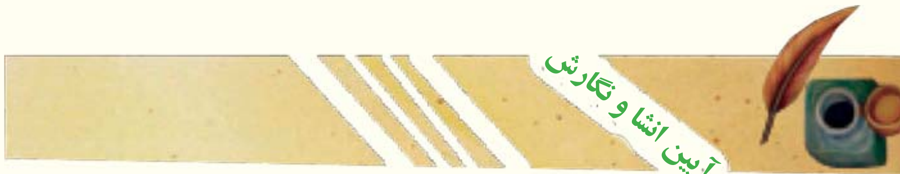
بیاموزیم

۱. اشخاصی که بیشتر مطالعه میکنند، سطح دانش شان بلند رفته و مشکلات خود و خانوادهٔ خود را مرفوع ساخته، در اجتماع مفید واقع میگردند.

۲. مطالعه برای دنبال کردن وقایع و آگاه شدن از جریانات اجتماعی، اقتصادی، علمی و هنری در جهان لازم و ضروری است.

۳. مطالعه باعث رشد شخصیت افراد گردیده به آنها توان تحلیل و تعبیر از پدیده ها و رویدادها را داده خلاقیت و توانایی افراد را در اجتماع انکشاف میدهد.

۴. ما باید فرهنگ مطالعه را در جامعه انکشاف دهیم؛ زیرا جامعهٔ ما به افراد تحصیل کرده و آگاه نیاز دارد.



۲. معلومات عمومی در نگارش

برای یک نویسنده حتمی است که در موارد مختلف مطالعات دقیق داشته باشد؛ یعنی آگاهی از اوضاع محیطی، اجتماعی و جهانی داشته، نوشته ها وآثار روز را همیشه بخواند و قضاوت همه جانبه نموده، جریانات مثبت زنده گی و ایجابات عصر را درک کند. برای اینکه یک نویسندهٔ خوب باشیم، همواره با مطالعهٔ آثار عالی، پر محتوا و مفید، که نیاز زمان باشد بپردازیم و بدین صورت معلومات گستردهٔ حیاتی به دست آوریم و در پرتو این گونه دست آوردهای عمومی به ایجاد اثر سودمند، پرارزش و مورد نیاز مردم موفق گردیم. در این راستا سعی و تلاش خسته گی ناپذیر و مطالعهٔ دقیق و منظم ما را بیشتر کمک مینماید.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان دو دو نفر در بارهٔ مطالعه و فواید آن صحبت نمایند.

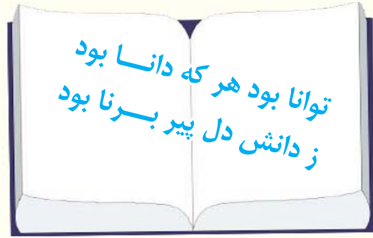
۲. چند شاگرد به نوبت در مورد این که آیا عادت به مطالعه دارند و در ۲۴ ساعت چه مدتی را مطالعه میکنند و چه کتاب هایی را میخوانند سخنرانی کنند.

۳. شاگردان در مورد این که چگونه فرهنگ مطالعه را در جامعه گسترش بدهیم تبادل نظر کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر، متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.





۱. آموزش از کدام طریقه ها صورت میگیرد؟
۲. چرا مطالعه برای هر فرد لازم و ضروری شمرده میشود؟
۳. در تشویق شاگردان به مطالعه کی ها نقش مهم را ایفا مینمایند؟
۴. فن مطالعه چیست؟
۵. مطالعه چند نوع است؟
۶. مطالعه جدی در آموزش چه نقشی را میتواند داشته باشد؟
۷. داشتن معلومات عمومی در نگارش چرا مهم پنداشته میشود؟
۸. چگونه میتوانید خود را به مطالعه عادت دهید؟



۱. در مورد اهمیت مطالعه در زنده گی مقاله یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد و همچنان کوتاه ترین راه را برای مطالعهٔ دقیق پیشنهاد کنید.
۲. ابیات زیر را حفظ نمایید:

چندگویی که بد اندیش و حسود — عیب گـویان من مسکین اند
گه به خــــون ریختنم برخیزند — گه بــه بد خواستنم بنشینند
نیک بـــاشی و بدت گوید خلق — به که بد باشی و نیکت بینند

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس چهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. بدیع در لغت و اصطلاح به معنای چیست؟

۲. نخستین کسی که در کلام عرب متوجه زیبایی های لفظی و معنوی آن شد چه نام داشت و در کدام سال کتاب البدیع را نوشت؟

۳. صنایع لفظی و معنوی کدام صنعت ها را در بر میگیرد؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

علم بدیع

بدیع در لغت به معنای نوآورده شده، تازه، زیبا و آراسته است و در اصطلاح عبارت از آرایش سخن فصیح و بلیغ، خواه نظم باشد یا نثر. مرادف آنرا سخن آرایی، نادره گویی و نغز گفتاری میتوان گفت.



نخستین کسی که به زیبایی های لفظی و معنوی در کلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتز بود، که درسال ۲۷۴هـ .ق. کتاب البدیع را نوشت؛ همچنان در زبان دری نیز در بخش علوم بلاغی به ویژه علم بدیع توجه صورت گرفت، که در این زمینه کتاب های«ترجمان البلاغه» محمد بن عمر رادویانی، «حدائق السحرفی دقائق الشعر» رشیدالدین محمد وطواط و «المعجم فی المعاییراشعارالعجم» نوشتهٔ شمس قیس رازی بسیار شهرت دارند. باید بدانیم که علم بدیع یکی از علوم ادبی است، که از صنایع کلام و زیبایی های لفظی و معنوی بحث میکند.

اموری را که موجب زیبایی و آرایش سخن ادبی میگردد، محسنات و صنایع بدیعی میگویند و آن را به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم میکنند:

الف) صنایع لفظی: آن است که زینت و زیبایی سخن وابسته به الفاظ باشد، چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر بدهیم، زیبایی آن زایل گردد؛ مانند: صنعت سجع در جملهٔ «هنر، چشمهٔ زاینده است و دولت پاینده» اگر کلمه پاینده را به جاویدان تبدیل کنیم همان معنی را میرساند؛ اما زیبایی نثر مسجع را زایل میکند.

۱. سجـع: سجع در لغت آواز فاخته وکبوتر را میگویند و در اصطلاح علم بدیع آوردن دو کلمهٔ هماهنگ است در پایان فقره ها، که با هم متوافق باشند. سجع بر سه قسم است:
سجع متوازی: از نظر وزن و حرف آخر (روی) یک سان باشند. این گونه سجع را سجع متوازی میگویند؛ به طورمثال:
«منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»
«هرکس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال»
سعدی-گلستان
سجع مُطرَّف: آن نوعی از سجع است که در الفاظ آن حروف روی متفق است؛ ولی وزن مختلف؛ مانند: خال و خیال. در این شعر سلمان ساوجی :
ما به خدا تا خیال خال تو داریم   حال پریشان تر از خیال تو داریم

سجع متوازن: آن است که کلمات در وزن یکی باشند نه در حرف آخر؛ مانند:
« بحری است مواج و شخصی است نقـــاد» که بحری و شخصی و مواج و نقـــاد تنها در وزن باهم یکی اند، نه درحروف روی.
۲. جنـاس یا تجنیس: آن است که درآن دوکلمه از نظر شکل نگارش و حرکت یک سان بوده؛ ولی از دیدگاه معنی تفاوت داشته باشند:
کار پاکان را قیاس از خود مگیر   گرچه باشد در نوشتن شیر شیر
که یکی (شیر که از گاو و دیگر حیوانات به دست می آید) ودیگری(شیر پادشاه جنگل میباشد) که جناس تام است.
جناس ناقص: آن است که کلمه های همجنس در حرکت مختلف باشند؛ مانند:
مُلک هم بر مَلک قرار گرفت   روزگار آخر اعتبار گرفت
جناس زاید: آن است که یکی از متجانسین را حرفی زیاده باشد، در اول یا در وسط یا درآخر، مانند:
از حسرت رخسار تو ای زیبا روی   از ناله چو نال گشتم و از مویه چو موی
جناس خطی: دو کلمه در صورت یکی؛ ولی فرق آنها در نقطه است، مانند: بیمار و تیمار

ب) صنایع معنوی: آن است که زیبایی سخن مربوط به معنی باشد نه به لفظ، چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم باز هم آن زیبایی باقی بماند.

تناسب: آوردن دو یا چند کلمه است، که باهم مناسبت داشته باشند.

مزرع سبز فلک دیدم و داس مهٔ نو   یادم ازکشتهٔ خویش آمد و هنگام درو

(حافظ)

در این بیت کلمه های مزرع/ سبز/داس/کشته / درو و کلمه های سبز/مزرع/مه نو باهم تناسب دارند.

تضاد: آوردن کلماتی است که باهم ضدیت داشته باشند؛ مانند:

پیر از و گردد جوان، غمخوار از و یابد طرب   زو قوی گردد ضعیف و زو غنی گردد فقیر

(رودکی)

ایهام: آن است که شاعر یک کلمه را که دارای دو معناست به کار بگیرد؛ درحالی که دیگران به معنای نزدیک کلمه التفات میکنند؛ منظور شاعرمعنای دور کلمه باشد؛ مانند:

به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو   ترا که گفت که این زال ترک دستان کرد

(سعدی)

در این جا ایهام درکلمه های (زال) که نام پدر رستم است و معنای پیر زن را نیز میدهد و (دستان) نیز از یک سو لقب زال پدر رستم است و از سوی دیگر به معنای حیله و نیرنگ نیز آمده، منظور شاعر این است که پیر فلک دست ازحیله و نیرنگ بر نگرفته است.

ارسال المثل: شاعر در شعر خود از ضرب المثل استفاده میکند:

کارم از اشک و آه پیش نرفت   که زمین سخت و آسمان دور است

یا:

ندارم اختیار گریه امشب   به در میگویم ای دیوار بشنو!

صنعت تلمیح : که شاعر درآن به داستان ها و روایات قدیمی اشاره میکند:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور   کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

(حافظ)

غیر از این ها دیگر صنایع لفظی و معنوی نیز وجود دارد، که در این جا آنها را یاد نکردیم؛ ولی راه طلب برای شاگردان علاقه مند باز است.



* رشیدالدین وطواط از شاعران و دانشمندان معروف قرن ششم در بلخ متولد شد. وی تحصیلاتش را در مدرسهٔ نظامیهٔ آنجا به پایان رسانید و در زبان دری و عربی مهارت یافت. پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان درآمد و صاحب دیوان رسایل دربار گردید. بر علاوه اثری که در متن از آن تذکر به عمل آمد اثری منثور دارد (سخنان حضرت علی(رض) را به دری) درآورده است، منظومه یی در عروض فارسی و همچنین چند رساله به زبان عربی در مسایل ادبی دارد.

* شمس قیس رازی از دانشمندان قرن هفتم هجری اهل ری بود؛ ولی مدت درازی در خراسان، ماوراءالنهر و خوارزم اقامت کرد.

بیاموزیم

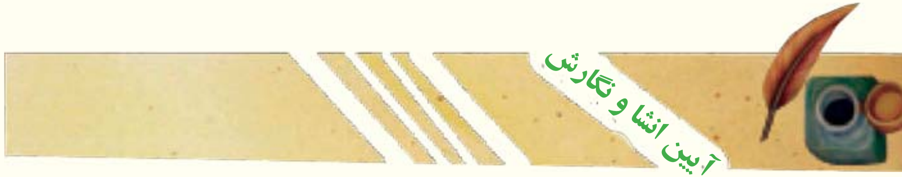
۱. علم بدیع یکی ازعلوم ادبی است که از صنایع کلام و زیبایی های لفظی و معنوی بحث میکند.

۲. نخستین کسی که به زیبایی های لفظی و معنوی درکلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتزبود،که درسال ۲۷۴هـ . ق. کتاب «البدیع» را نوشت.

۳. صنایع لفظی آن است که زینت و زیبایی سخن وابسته به الفاظ باشد؛ چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر بدهیم زیبایی آن زایل گردد؛ مانند: صنعت سجع،جناس و....

۴. صنایع معنوی آن است که زیبایی سخن مربوط به معنی باشد نه به لفظ؛ چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم باز هم آن زیبایی باقی بماند،مانند: صنعت ایهام، تناسب، تلمیح، ارسال المثل و ....





۳.استعداد و ممارست در نگارش

انسان دارای طبع عالی، تعقل، صاحب مخیله و قریحه یی سرشار و قوی در زمینه های گوناگون میباشد؛ البته این نیرو و صفات برای کسب مهارت در نگارش نیکوترین مددگار یک نویسنده است.

انسانها همه دارای استعداد اند و این استعداد فطری (ذاتی) و کسبی میباشد. بعضی انسانها در زمینه های مختلف دارای استعداد فطری اند، بعضی از محیط و اجتماع خود کسب مینمایند. دانشمندان بدین نظر استند که هر دو استعداد به تمرین و ممارست ضرورت دارد. اگر همان استعداد فطری هم به کار انداخته نشود رشد نکرده از بین میرود؛ زیرا نگارش فنی است عملی و بدون مداومت و ممارست به جایی نخواهد رسید؛ پس برای رشد استعداد در نگارش نیازمند تمرین، ممارست و تلاش متداوم استیم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد صنایع معنوی و لفظی در گروه ها با هم مباحثه نمایند و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را پیش روی صنف بیان نماید.

۲. چند شاگرد به نوبت روی فواید تمرین و ممارست در نگارش سخنرانی نمایند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود املا بنویسید.

۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





۱. علم بدیع را تعریف نمایید.

۲. نخستین کسی که درکلام عرب متوجه زیبایی های لفظی و معنوی آن شد چه نام داشت و در کدام سال کتاب البدیع را نوشت؟

۳. کی ها در زبان دری به علوم بلاغی و از جمله علم بدیع توجه کردند وکدام کتاب ها را نوشتند؟

۴. استعداد و ممارست در نگارش چه نقشی دارد؟

۵. صنایع لفظی و معنوی قطعات نثر و شعر های پایین را نشان بدهید و درکتابچه های خود بنویسید:

«توانگری به هنراست نه به مال و بزرگی به خرد است نه به سال.»

این رقص موج خون نگر، صحرا پر از مجنون نگر
وین عشرت بی چون نــــگر، ایمن زشمشیر اجـــل
(مولانا جلال الدین محمد بلخی)

قـصهٔ لـیلـی مـخـــوان و غـصهٔ مـجـــنـــون
عـهــد تـو مـنسـوخ کـــــرد ذ کـــــر اوایـــل
(سعدی)



۱. شاگردان نظر به توان خود چند صنعت بدیعی خارج از درس را در کتابچه هایشان بنویسند و روز آینده معرفی نمایند.

۲. بیت زیر را به حافظه بسپارند:

مغرور مشو به مـــال چون بیخبران   زیرا که بود مـــال چو ابر گذران
ابـر گذران اگر چـــه گوهـر بـــارد   خـا طر ننهد مـرد خردمنـد بر آن

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس پنجم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. دقیقی بلخی کی بود؟
۲. دقیقی در کدام عصر میزیست؟
۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٤. او چه کار هایی را انجام داد؟
۵. آثار او را چگونه ارزیابی میکنید؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

دقیقی بلخی



ابو منصور محمد بن احمد دقیقی بلخی از بزرگترین شاعران قرن چهارم هجری به شمارمیرود، تاریخ تولدش دقیق معلوم نیست. او در عصر فرمانروایی خانوادۀ بلخی الاصل سامانیان میزیست.

دورۀ سامانی یکی از دوره های تابناک و درخشان فرهنگ سرزمین ما به شمار میرود. در این عصر شاعران بزرگ، نویسنده گان چیره دست، فلاسفۀ نامدار، طبیبان، ستاره شناسان و ریاضی دانان مشهور زنده گی میکردند. دورۀ سامانیان عصر خلق شهکارها و احیای فرهنگ ملی ماست و با ارزشترین اثری که در این دوره نگاشته شده است؛ شهنامۀ دقیقی بلخی میباشد، بخشی از آن به گشتاسپ نامه معروف است ،که در مورد جنگ گشتاسپ و ارجاسپ و ظهور زردشت سروده شده است.

دقیقی اولین سرایندۀ شهنامه میباشد، که هزار بیت آن را به نظم در آورد. وی نتوانست کارش را به پایان برساند؛ زیرا توسط غلامش در سال ۳۶۵ هجری کشته شد و کار ناتمامش را فردوسی به پایۀ اکمال رسانید.

از دقیقی جز گشتاسپ نامه قصاید معدود و غزلها و ابیات پراکنده در تذکره ها و کتابهای

تاریخی باقی مانده است. این شاعر، بی تردید یکی از بزرگترین گوینده گان قرن چهارم است. ورود او در انواع مختلف شعر و قدرتی که در همهٔ آن ها نشان داده دلیل بارزیست بر فصاحت کلام و روانی طبع و قوت بیان او، تغزلات بدیع، غزلهای لطیف، مدایح عالی و اوصاف رایع دقیقی با معانی باریک و مضامین تازه و دلِ انگیزی که در همهٔ آنها به کار برده به شعر او رونق و جلای خاص می بخشد. وی خصوصاً قصاید مدحی را کمال بخشیده و در شعر حماسی نیز راهبر فردوسی شده است.

دقیقی در سرودن شعرحماسی بهترین وزن را برگزید و این کار او سر مشقی شد برای تمام حماسه سرایان سرزمین ما. از زمان او تا روزگار ما هر منظومهٔ حماسی که در زبان دری پدید آمده از حماسه های ملی تا حماسه های دینی و تاریخی همه به همین وزن سروده شده اند.

نمونهٔ سخن(۱)

بـــر افگنـــد ای صنـــم ابـــر بهشتـــی — زمـین را خـــلعت اردیبـــهشتی
زمین بـــر ســـان خـــون آلـــوده دیبا — هوا بـــر ســان نیل انـدوده مشتی
بـــه طعم نـــوش گشتـــه چشمهٔ آب — بـه رنگ دیـدهٔ آهـــوی دشتـــی
بهشت عـــدن را مـــانـــد همی بـــاغ — درخت، آراستـــه حـــور بهشتـــی
چنان گردد جهان هزمان کـــه در دشت — پلنگ آهـو نگیـرد جز بـه کشتی
بتی بـایـــدکنـــون خـورشیـــد چـهره — مهی گـــر دارد از خـورشید پشتی
بتی رخســـار او همرنگ یـــاقـــوت — میی بـــر گـونـهٔ جـامـهٔ کنشتی
جهـــان طاووس گـــونه گشت گویی — بـــه جای نرمی و جـای درشتـی
بدان مـــاند که گـــویی از می و مشک — مـثـــال دوستِ بـــرصحـرا نبشتی
ز گل بـــوی گلاب آیـد بـــدان ســان — کـــه پنداری گل انـدر گل سرشتـی

نمونهٔ سخن(۲)

بـــدو چیز گیـرنـد مرمملکت را — یکـی پـــرنیـانـی یکی زعفـرانـی
یـــکـی زر نـــام ملک بـــر نبشته — دگـــر آهـن آب دادهٔ یمـــانـــی
کـرا بـــویـــه وصلت مـلک خیـزد — یکی جنبشی بـایـدش آسمـــانـی
زبـــانی سخنگوی و دستی گشاده — دلی همش کینـه همش مهربـــانی
که ملکت شکاریست کاو را نگیرد — عقـاب پـرنـــده نـــه شیـر ژیـانـی
دوچیزست کاو را به بنـد انـدر آرد — یکـی تیغ هنـــدی دگـر زر کـانی
بـه شمشیر بـــاید گرفتن مر او را — بـدینـار بستنش پـــای ار تـــوانی
کـرا بخت و شمشیر و دینار باشد — نبایـــد تـن تیـر و پشت کیـانی
خرد باید آنجا و جـود و شجاعت — فلـک مملکت کی دهـد رایگانی



* گشتاسپ: پسر لهراسپ(شاه آریایی از خاندان اسپه)که از پدر تاج و تخت خواست پدر وی موافقت نکرد به روم رفت و با کتایون دختر قیصر روم ازدواج کرد. وی دو پسر داشت به نام های اسفندیار و پشوتن.

* ارجاسب: شاه توران (مناطق اوزبکستان، ترکمنستان، قرغزستان، قزاقستان امروز را در بر میگرفت.)

* سامانیان : منسوب به سامان خدا، خاندان خراسانی که در خراسان و ماوراء النهرحکومت داشته و بخشی از ایران امروزی را نیز تحت تصرف داشتند.

سامانیان اصلاً از بلخ بودند. جد این خاندان در روستای «سامان» بلخ حکمروایی داشت و به سامان خدای معروف بود. مؤرخان ظهور سامانیان را در نیمهٔ دوم قرن سوم هجری تعیین میکنند، این خانواده از ۲۶۱–۳۸۹ هـ. ق. سر اقتدار بودند. عصر سامانیان یکی از دوره های پربار سرزمین ما به شمار میرود، که در این زمان شاعران چیره دست و دانشمندان مشهور میزیستند.

بیاموزیم

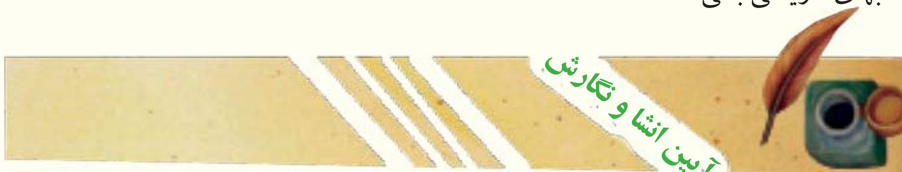
۱. ابو منصور محمد بن احمد دقیقی بلخی از بزرگترین شاعران قرن چهارم هجری به شمار میرود، که درعصر سامانیان می زیست.

۲. دوره سامانی یکی از دوره های تابناك و درخشان فرهنگ سرزمین ما به شمار میرود .

۳. دقیقی اولین سرایندهٔ شهنامه میباشد که هزار بیت آن را به نظم در آورد.

۴. دقیقی نتوانست کارش را به پایان برساند، توسط غلامش در سال ۳۶۵ هجری کشته شد.

۵. از دقیقی جزء گشتاسپ نامه، قصاید معدود و غزلها و ابیات پراکنده در تذکره ها و کتابهای تاریخی باقی مانده است.



٤. زمان و مکان در نگارش

از جملهٔ مقتضیات و شرایط نگارش یکی هم موقع و محل مناسب است؛ زیرا بدون آن نویسنده موفق به ایجاد یک اثر عالی نخواهد شد؛ بلکه معنی مبتذل و عبارت سست خواهد آمد. بهترین وقت برای نگارش بعد از استراحت است چون که در آن وقت ذهن با نشاط و طبع آمادهٔ کار میباشد؛ همچنین محل مناسب با شرایط درست آراسته بوده از اسباب تشویش چون اصوات گوش خراش و حرکات اذیت کننده بر کنار و فارغ باشد.

توجه به دستور زبان یعنی صرف و نحو، رعایت نشانه گذاری و سایر موضوعاتیکه در

نگارش مهم است، ما را کمک می کند، تا نوشتهٔ ما عاری از نواقص باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در رابطه به شخصیت و کارنامه های دقیقی بلخی یک گروه از گروه دیگر پرسشهایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر درمورد اینکه چگونه راه بزرگان و شخصیت های علمی و فرهنگی کشور را تعقیب نماییم سخنرانی کنند.
۳. چند شاگرد در مورد نقش زمان و مکان در نگارش سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم به خوانش می گیرد شاگردان املا بنویسند.
۲. در بارهٔ تصویر زیردر کتابچه های تان یک متن ادبی بنویسید.





۱. اولین کسی که به سرودن شهنامه آغاز کرد کی بود؟
۲. دقیقی بلخی کی بود و درکدام عصر میزیست؟
۳. دورهٔ سامانیان را چگونه ارزیابی میکنید؟
۴. ابیات زیرین را معنی نموده، صنایع بدیعی آنرا نشان دهید:

زمین بـر سان خـون آلوده دیبا   هوا بر سان نیل اندوده مشتی
به طعم نوش گشته چشمهٔ آب   به رنگ دیـدهٔ آهوی د شتی

۵. زمان و مکان مناسب در نگارش چه نقشی دارد بیان کنید؟
۶. با در نظر گرفتن کدام موضوعات میتوان اساسات نگارش را آموخت؟



۱. مفهوم شعر نخست را که از دقیقی خواندید، در چند سطر بنویسید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

کی رود فکر مضرت از مزاج اهل کین
مـار نتواند جـدا از زهر دیدن کام را
(بیدل)

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده گی بگیرید.

درس ششم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. عدالت به معنای چیست و عدالت اجتماعی کدام عدالت را گویند؟
۲. عدالت اجتماعی چه نقشی در زنده گی انسانها میتواند داشته باشد؟
۳. عدالت اجتماعی در کدام شرایط میتواند عملی گردد؟
٤. درعدم موجودیت عدالت اجتماعی، چه خطراتی جامعه را تهدید میکند؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

عدالت اجتماعی

عدالت به معنای برابری و انصاف است. عدالت اجتماعی عدالتی است، که تمام افراد اجتماع از آن بر خوردار باشند. بدون موجودیت عدالت در تمام زمینه ها نمیتوان از یک جامعۀ انسانی و اسلامی سخن زد. حقی که خداوند(ج) برای هر انسان داده است، بدون هیچگونه تردیدی باید به افراد جامعه داده شود.

عدالت به عنوان یک فضیلت و مبدأ انسانی، یکی از اهداف عمدۀ بعثت پیامبران را تشکیل داده است. مفهوم عدالت در تعالیم اسلام چه قرآن و چه احادیث نبوی باز تاب گسترده یافته است. حتی واژۀ «عدل» در قالب های مختلف بیش از سی بار در قرآن مجید وارده شده است؛ مثلاً خداوند متعال در آیت ۸ سورۀ مائده به عدالت دستور داده است حتی با دشمنان و بدبینان. و در آیت ۳ سورۀ نساء به عدالت در میان همسران فراخوانده است.

عدالت اجتماعی، شامل تمام حقوقی است، که یک فرد در جامعه دارد. همانطور وجایبی نیز وجود دارند، که افراد مکلف اند آنها را در برابر جامعه عملی نمایند. بدون حقوق، صحبت از وجایب نادرست است. این هردو(حقوق و وجایب) لازم و ملزوم یکدیگر میباشند.

عدالت اجتماعی عبارت از رفاه اجتماعی و زنده گی انسانی (دسترسی انسان به تمام نعمات مادی و معنوی بوده، که خداوند(ج) برای بنده گان خود آفریده است.) بدون عدالت اجتماعی، پیشرفت، دموکراسی و استقلال هیچکدام کامل و دوامدار نخواهد ماند نظم جامعه برهم خورده، جامعه را خطر بی نظمی و بی قانونی تهدید میکند. عدالت اجتماعی سبب میگردد، که جامعه از افراط و تفریط بر حذر مانده هر انسانی حق داشته باشد؛ تا هم برای پیشرفت وطن و جامعۀ خود سهم بگیرد و هم بتواند در تمام عرصه ها از داشته ها و ثروت اجتماع استفادۀ سالم نماید.

در جامعه یی که یک عده انسان ها همه چیز داشته و به اسراف رو آورده باشند و عدۀ

دیگر در کمال فقر و فاقه زنده گی را به پیش ببرند، نمیتوان از وجود عدالت اجتماعی سخن زد. به چنین جامعه یی، جامعهٔ انسانی نمیتوان گفت.

نمونه های درخشان در صدر اسلام روشن میسازد، که بزرگان دین در گام اول به فکر مبارزه با این افراط و تفریط بوده و به انسان ها کمک میکردند، تا زنده گی خود را با عدالت اجتماعی همراه نموده از تمام موانعی که بر تأمین عدالت در بین انسانها ضرر میرساند، بپرهیزند.

در شرایط کنونی، زمانی میتوان از برقراری و تأمین عدالت اجتماعی در جامعه سخن به میان آورد، که شرط دیگر و لازمهٔ آن یعنی نظام مردمی و حاکمیت ملی بر آورده شده باشد. بدون برقراری نظام دموکراسی واقعی و بدون تأمین حاکمیت ملی در کشور نمیتوان در مسیر عدالت اجتماعی گام گذاشت. از این جهت مسجل شدن این سه اصل، با هم در پرتو دین مقدس اسلام، ممکن و لازمی است. فقط همپیوندی این سه اصل است که سبب پیشرفت جامعه شده برای ترقی و تمدن، زمینهٔ گسترش و استحکام را آماده می سازد.

برای اینکه افراد یک جامعه بتوانند به حقوق خود دست یابند لازم است، که هر عضو جامعه با روحیه تساند و تعاون اجتماعی، آگاهی و فهم خود را در این زمینه بیشتر ساخته حد و اندازهٔ حقوق و وجایب خود را بشناسد و با توجه به تقویت نظم اجتماعی در این رابطه در چارچوب قوانین گام بگذارد. قوانینی که در یک جامعه تدوین میگردد باید زمینه یی باشد، تا این حقوق را در راه تطبیق مساعدت نموده و به افراد جامعه کمک نماید تا فقط از راه قانون و حفظ نظم اجتماعی و عقاید و عنعنه های پسندیده به این هدف دست یافته و از هر گونه آشوب و اغتشاش که جامعه را به سقوط میکشاند، خود داری نمایند؛ پس میتوان گفت که حفظ نظم اجتماعی و وجود قوانین و مراعات و اجرای آن اگر از یکطرف لازمهٔ تأمین عدالت اجتماعی در جامعه است، از طرف دیگر عدالت اجتماعی خود ضامن قوی و نیرومندی برای حفظ نظم اجتماعی و استحکام یک جامعهٔ مبتنی بر قانون میباشد. عدالت اجتماعی فقط در شرایطی ممکن است عملی و اجرا گردد، که آن جامعه دارای یک دولت با ثبات و مبتنی بر قانون باشد و از مشروعیت مردمی بر خوردار بوده و برای صلح اجتماعی و منطقوی بیندیشد.



* **جامعهٔ انسانی:** جامعهٔ انسانها، جامعه یی که در آن اصول و حقوق انسانی تأمین شده باشد.
* **دموکراسی:** نظام و سیستمی که بر اساس ارادهٔ مردم و از طریق انتخابات آزاد به وجود آید و در برابر ملت مسؤول باشد.
* **استقلال:** آزادی ملی، حقی که بر اساس آن هر کشور و ملتی سرنوشت، اختیار و آزادی خود را در همه امور داشته و از هیچ کشور و ملت دیگری فرمان نبرد.

بیاموزیم

۱. عدالت اجتماعی، شامل تمام حقوقی است که یک فرد در جامعه دارد.
۲. حفظ نظم اجتماعی و وجود قوانین و مراعات و اجرای آن اگر از یکطرف لازمهٔ تأمین عدالت اجتماعی در جامعه است از طرف دیگر عدالت اجتماعی خود ضامن قوی و نیرومندی برای حفظ نظم اجتماعی و استحکام یک جامعه مبتنی بر قانون میباشد.



مراحل نگارش: برای نگارش، موضوعات گوناگون و متعدد وجود دارد. ما در زنده گی به صد ها مسأله و حادثه بر میخوریم و هر روز در هر قدم ده ها رویداد و منظره مقابل دیده گان ما قرار میگیرد که هر کدام آن را میتوان موضوع نگارش قرار داد؛ اما به هر کدام نظر به مؤثریت در حال و احوال اجتماعی نمیتوان یک نوع اهمیت و ارزش قایل شد؛ زیرا هر قدر موضوع نگارش کم ارزش و سطحی باشد جالب نبوده مورد توجه خواننده قرار نمیگیرد؛ پس موضوع ابتکاری و برجسته است که نگارش را عالی ساخته موجب تأثیر در اذهان میگردد و مورد قبول همهٔ مردم قرار میگیرد؛ از همین جاست که گفته اند در نگارش آنچه مهم است ماهیت موضوع میباشد.

نگارش هر مطلب از آغاز تا پایان سه مرحلهٔ متمایز و باهم مرتبط را در بر میگیرد که عبارت اند از:

۱. مرحلهٔ ایجاد فکر
۲. مرحلهٔ تنظیم فکر
۳. مرحلهٔ بیان فکر

هر کدام این سه مرحله را به طور جداگانه در درس های آینده میخوانیم.

کار گروهی و سخنرانی

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس در موارد زیر درگروه ها گفتگو نموده، نمایندهٔ هرگروه نتیجهٔ بحث شان را به دیگران بیان نماید.

گروه الف: برای اینکه افراد یک جامعه به عدالت اجتماعی و استقلال دست یابند در گام اول به چه چیز نیاز دارند؟

گروه ب: در کدام جوامع نمیتوان از وجود عدالت اجتماعی سخن به میان آورد؟

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود املا بنویسید.

۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





۱. چرا عدالت اجتماعی در یک جامعه ضروری است؟

۲. درعدم موجودیت عدالت اجتماعی چه خطراتی جامعه را تهدید میکند؟

۳. آیا ممکن است بدون عدالت اجتماعی و استقلال به پیشرفت و ترقی دست یافت؟

۴. آیا بدون روحیهٔ تعاون و راه های قانونی میتوان به عدالت اجتماعی دست یافت؟

۵. آشوب و اغتشاش در یک جامعه چه وقت ظهور میکند؟

۶. نگارش دارای کدام مراحل است نام ببرید؟



۱. محتوای کلی درس را در چند سطر بنگارید.

۲. بیت زیر را به حافظه بسپارید:

دور دستان را به احسان یاد کردن همت است

ورنه هر نخـلی به پای خود ثمر میافـگند

صایب تبریزی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. شعر زیرین در مورد چه سروده شده است؟
۲. شعر از کیست؟ شاعر آنرا مختصراً معرفی کنید.
۳. شعر «پایگاه انسان» در بر گیرندهٔ کدام مفاهیم میباشد.
٤. در شعر زیرین کدام صنایع بدیعی به کار رفته است؟

در پایان معرفی، پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

پایگاه انسان

پایه بسیار سوی بام بلند — تو به یک پایه چون شوی خرسند؟
از پی کارت آفرید ستند — جامهٔ خلعتت برید ستند
تو به خلقان چرا شوی قانع — چون نگردی بدان حلل طامع؟
ملک و مُلک از کجا به دست آری — چون مهی شصت روز بیکاری
غَافلی سال و ماه و مغروری — دد و دیوی وز آدمی دوری
آدمی کی بود گزنده چو تو؟ — دیو و دد کی بود درنده چو تو؟
سال و مه کینه جوی همچو پلنگ — خلق عالم ز طبع تو دلتنگ
آن جوانی که گرد غفلت گشت — آن نه عمر، آن فضول بود گذشت
مرد عاقل ز لهو پرهیزد — زین چنین عمر عقل بگریزد
هر شبی کان زمانه بر تو شمرد — روزی از زندگانی تو ببرد
در رخ ماه نو کسی خندد — که از او سود و مزد بر بندد
پس تو باری چرا نگریی خون؟ — کت از او جان کمست و وام فزون
مردچون رنج برد گنج بَرَد — مرغ راحت به باغ رنج پرد
هر که با جهل وکاهلی پیوست — پایش از جای رفت و کار از دست
خُرد همت همیشه خوار بود — عقل باشد که شاد خوار بود
اندرین راه گر چه آن نه کنی — دست و پایی بزن، زیان نکنی
رنج کش را نتیجه چه بود؟ گنج — بستر خواب راحت آمد رنج
به تمنا تو مرد ره نشوی — پاس خود دار تا تبه نشوی

به طلب یابی از بزرگان جاه
کز طلب خوب روی گردد ماه

سنایی غزنوی



* **سنایی:** حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی از شاعران بزرگ قرن ششم ابتدا به دربار غزنویان راه یافت. و شاهان غزنه را مدح میکرد؛ سپس حال او دگرگون گشت، از دربار شاهان دوری گزید و گوشه نشینی اختیار نمود. او سفری به مکه کرد بعد ازآن چندی در بلخ، سرخس، مرو و نیشاپور زیست و سپس به غزنه برگشت و در سال ۵۴۵ هـ . ق. وفات یافت. آثار او شامل **حدیقة** الحقیقه، سیرالعباد الی المعاد، کار نامۀ بلخ، مثنویهایی به نام عقل نامه، عشقنامه و غیره میباشد.

بیاموزیم

۱. انسان راه طولانی در پیش دارد، که به اثر سعی و تلاش میتواند به مقام والای انسانی برسد.
۲. هر گاه کسی تنبلی نماید و غافل از همه امور باشد، هیچگاه نمیتواند به مقام و منزلتی دست یابد.
۳. حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم از شاعران بزرگ قرن ششم ابتدا در دربار غزنویان راه یافت و شاهان غزنه را مدح میکرد.
۴. تا انسان رنج نبرد، گنج نمی یابد، و به راحتی نمیرسد.
۵. آثار سنایی شامل حدیقة الحقیقه، سیرالعباد الی المعاد، کار نامۀ بلخ، مثنویهایی به نام عقل نامه، عشقنامه و ... میباشد.



۱. مرحلۀ ایجاد فکر

پیش ازآغاز نگارش باید فکرکنیم؛ چه میخواهیم بنویسیم باید اندیشه و دقت خود را به کار بیندازیم؛ زیرا بدون اندیشه و دقت کافی، بیان درست و مطلب دقیق امکان پذیر نیست.
دقت و اندیشه دربارۀ موضوع، باعث میشود که طرح نوشته در ذهن پدید آید و شکل گیرد.
برای نویسنده لازم است که مدتها به تفکر بپردازد و تعمق نماید تا موضوع دلچسپ مفید و طرف نیاز مردم را انتخاب کند و آنرا زمینۀ نگارش قرار دهد و در همین مرحله دقت زیاد به خرج دهد و بکوشد تا موضوع بکر را برگزیند. افکار از دو منبع کلی سرچشمه میگیرد:

الف) مطالعه، مشاهدات و تجربه های شخصی و یا دیدن فلم ها و برنامه های تلویزیونی.
ب) مشاهدات و تجربه های دیگران که از آنها شنیده ایم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در بارهٔ شعرخوانده شده باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران انتقال دهند.
۲. یک تن از شاگردان در رابطه به این که راز موفقیت انسان در چیست؟ سخنرانی نماید.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به مرحلهٔ ایجاد فکر در نگارش اظهار نظر نمایند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود در کتابچه های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیرین با در نظر داشت قواعدی که خواندید متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.





۱. مفهوم اساسی شعری را که خواندید به زبان ساده بیان کنید.
۲. در بارهٔ شخصیت ادبی سنایی غزنوی چه میدانید؟
۳. پیش از نگارش یک مطلب کدام مرحله را ضروری میدانید؟
۴. افکار انسان از کدام منابع سرچشمه میگیرد؟ واضح سازید.
۵. صنعت ادبی بیت زیر را مشخص نمایید:

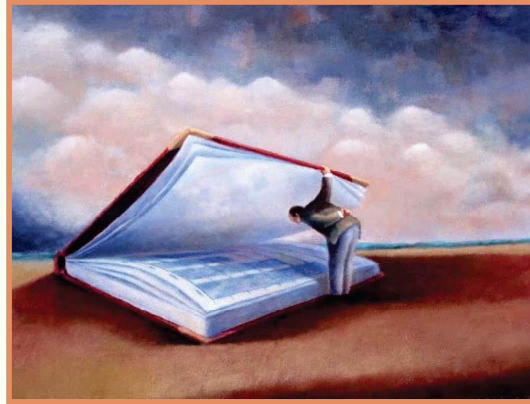
مِلک و مُلک از کجا به دست آری — چون مهی شصت روز بیـکاری



۱. شعری را که خواندید به نثر تبدیل کنید.
۲. ضرب المثل زیر را به حافظه بسپارید:

آموزش خزانه یی است که صاحب خود را هر کجا دنبال میکند.
(ضرب المثل چینایی)

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.



درس هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. مطالعهٔ تاریخ ادبیات یک کشور از کدام دیدگاه ها اهمیت دارد؟

۲. مطالعهٔ تاریخ ادبیات چگونه به ماکمک میکند که از تغییرات و تحولات ادبیات خود آگاه شویم؟

۳. آیا میدانید که مطالعهٔ تاریخ ادبیات در شناخت ژرفتر زبان، فرهنگ، فولکلور، اعتقادات دینی، افکار سیاسی، ادبی و هنری هر عصر با ما کمک میکند؟

در پایان معرفی، پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ادبیات در قرن نهم و دهم هجری

مطالعهٔ ادبیات در قرن نهم و دهم ایجاب میکند، که ما تاریخ صفویان ایران، تیموریان هرات و امپراتوری مغولان هندوستان هرسه را از نظر بگذرانیم.

امیرتیمور کورگان سه بار برخراسان و فارس هجوم آورد و امرای موجود محلی را به طور کامل منقرض ساخت. در نتیجه ملوک کُرت هرات، سربداران سبزوار وآل مظفر فارس از صحنه بدر رفتند.

پس از مرگ امیرتیمور قلمرو وسیع او درمیان فرزندانش تجزیه شد و بالآخره فرزند چهارم او شاهرخ میرزا توانست که بخش بزرگی از قلمرو پدرش را تحت تسلط خود بیاورد. پایتخت او شهر باستانی هرات بود. او که میخواست ویرانی های پدر خود را جبران کند؛ دست به اصلاحات وسیع زد، امنیت را تأمین کرد و راه های تجارتی را از شر دزدان نجات داد. در اثر اقدامات او تجارت رونق گرفت و تراکم ثروت سبب رفاه وآرامی شهرها گردید.

زوجهٔ شاهرخ، ملکه گوهرشاد بیگم دختر غیاث الدین ترخان بود. گوهرشاد که در خانهٔ پدر نیز با شوکت و اقتدارآشنایی داشت، پس از ازدواج با شاهرخ میرزا میدانست که چه گونه از اقتدار خود در راه شکوه و رونق، عمران و آبادانی کار بگیرد. به دستور گوهرشاد بیگم بود، که مسجد جامع هرات، خانقاه هرات، مدرسهٔ هرات و مسجد جامع مشهد آباد گردید.

پسر شاهرخ و گوهر شاد بیگم شهزاده بایسنقر میرزا کتابخانهٔ بزرگی را بنیاد نهاد و در آن خطاطان معروف، منشیان و صحافان را فراخواند و از جمله متن جامع شاهنامهٔ فردوسی را تهیه نمود. شهزاده بایسنقر میرزا خود خطاطی چیره دست بود.

اوج افتخار تیموریان هرات روزگار فرمانروایی سلطان حسین بایقرا و وزیر با تدبیرش امیرعلی شیرنوایی بود. سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیرنوایی هر دو بر زبان های دری و ترکی مسلط بودند و به هر دو زبان شعر میگفتند. امیرعلی شیرنوایی، نورالدین عبدالرحمان جامی، عارفی هروی، هلالی چغتایی، ملاحسین واعظ کاشفی و دیگران از شعرای معروف این دوره استند.

یکی از شعرای عارف این دوره سیدعلی بن هارون بن ابوالقاسم معروف به قاسم انوار است، که در عهد شاهرخ به هرات آمد، سپس رهسپار بلخ گردید. بعد از آن به هرات بازگشت و درسال ۸۳۸ هـ . ق. در همان جا دیده از جهان پوشید. دیوان اشعار و مثنوی های انیس العارفین و مقامات العارفین از او به یادگار مانده است. شعرهای قاسم انوار شور عارفانه دارد. نمونۀ کلامش چنین است:

سرم سبزست و لب خندان و عیش جـاودان دارم
مـکانم را چـه میپـرسی؟ مـکان درلامـکان دارم
نـه آن مشتاق در شـورم، که پنـــداری ازو دورم
جمالش را چو می بینم همه عین عیـــان دارم
بیا ای صوفی خود بین، به خود منگر به من دربین
که من از لـــذت عشقش حیات جـاودان دارم
بگو ای قاسم مسکین چها داری؟ چـــرا داری؟
که من این عشق پنـهانی ازآن جان جهان دارم

از شاعران قابل یادآوری این عصربابا فغانی شیرازی است، که در شیراز شغل چاقوسازی داشت و درآغاز سکاکی تخلص میکرد. او به دربار اوزون حسن تقرب جست. در اواخر عمر عزلت گزید و به عرفان پناه برد. بابا فغانی را از پیشگامان سبکی دانسته اند،که بعدها به سبک هندی معروف شد. صایب از استمداد و اقتدای خود به اوصحبت کرده است:

ازآتشین دمان به« فغانی» کن اقتدا　　«صایب» اگر تتبع دیوان کس کنی

سلطان حسین بایقرا، که درسال ۸۷۲ هـ . ق. برسریر سلطنت هرات تکیه زده بود. بعد از سی و نه سال سلطنت درسال ۹۱۱هـ . ق. چشم از جهان پوشید. پس از او سلطنت تیموریان هرات رو به انقراض رفت و قدرت به صفویان ایران انتقال یافت. شاهان صفوی که میخواستند تشیع را مذهب مسلط ایران بسازند، درگیر مبارزه با خلافت عثمانی گردیدند و بدین ترتیب بازار علم و دانش، شعر و هنر در ایران کساد گردید و دانشمندان و شاعرانی

که در دربار شاهان صفوی اقبالی ندیدند روی به سوی هند نهادند و درآنجا با استقبال گرم سلاطین مغولی، که مؤسس آن سلسله، ظهیرالدین محمد بابر بود، روبرو شدند و به خصوص در دربار نورالدین محمد جهانگیر و شهاب الدین محمدشاه جهان گرد آمدند. در قرن دهم هجری شاعرانی چون فیضی دکنی، عرفی شیرازی، کلیم کاشانی، ناصرعلی سرهندی و دیگران که در دربار جهانگیر، اکبر و شاه جهان شاعری کرده اند.

یکی از شاعران مشهور قرن دهم هجری عرفی شیرازی است، که در قصیده، مثنوی و غزل شاعری توانا بود؛ او مثنویهای مخزن الاسرار و خسرو و شیرین نظامی را استقبال نموده است. عرفی در سال ۹۳۶هـ ق. در شیراز به دنیا آمد و در سال ۹۹۹هـ . ق. در لاهور دیده از جهان فرو بست.

بررسی های ادبی در این سده ها:

دوران سلالهٔ تیموری به خصوص در سده های ۹ و۱۰ دورا ن اعتلای سرزمین ما است. این خانواده با آن که خود ترک زبان بودند، در پرورش و شکوهمندی ادب دری بسیار تلاش ورزیدند. زوال و قهقرایی که در دوران فرمانروایی چنگیزیان، زبان، فرهنگ و ادب دری را تهدید میکرد، نه تنها متوقف گردید؛ بلکه بار دیگر این زبان به مثابهٔ زبان علمی و ادبی در بسیاری از کشور ها مانند: ترکیه، هند، آذربایجان، نواحی گرجستان و توابع آنها به مثابه زبان ادبی رونق تازه یافت.

سدهٔ ۹ و ۱۰ از سده های احیای فرهنگ شکوهمند خراسان، زبان و ادب دری است؛ با آن هم در مقایسه با دوره های گذشته جنبه های ضعیفی در خود داشته است.

کلمه های مغولی و ترکی از راه کار برد اصطلاحات اداری، سیاسی و نظامی یکی از خصوصیت هایی است که زبان و ادب دری در این دوران به آن دچار گردیده است؛ همچنان کاربرد اصطلاحات و کلمات نا مانوس عربی در ادبیات دری زیاد شد. اطناب و تعقید به ویژه در نثر از خصوصیت برجستهٔ آثار این دوره است.

شعر و نثر این دوره تقلیدی از سبکها و مکتبهای گذشته است. مکتب خاصی در این دوره پدید نیامد. شعرای این دوره در غزل به پیروی از حافظ، سعدی و مولانا، در قصیده به روش رودکی، فرخی، ظهیر فاریابی و انوری و در مثنوی به شیوهٔ فردوسی، نظامی، امیر خسرو دهلوی و مولانا جلال الدین بلخی طبع آزمایی کرده اند.



* تیمور در سال ۱۳۲۳م (۷۰۲ هـ . ش.) در شهر سبز سمرقند چشم به جهان کشود؛ وی پسر توراغای یکی از اشراف قبیلۀ برلاس از نژاد ترک بود. او از وضع آشفتۀ سیاسی و نظامی ماوراءالنهر، خراسان و فارس استفاده کرد و دولت نیرومندی بوجود آورد.

تیمور تا سال۱۳۸۳م (۷۶۲ هـ . ش.) خوارزم، دشت قپچاق، ماوراءالنهر و کاشغر را به دست آورد. پس از آن به خراسان، فارس، عراق، ترکیه و مصر لشکر کشی کرد و امپراتوری گسترده یی بنا نهاد.

* امیر علی شیر نوایی در شهر باستانی هرات دیده به جهان گشود؛ پدرش نظام الدین کچکینه بهادر در دستگاه سلطنت تیموری رتبه و مقام خوبی داشت. نوایی یکی از وزیران بزرگ و ادب پرور سرزمین ما در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا بود. وی در ایجاد و پرورش فرهنگ دورۀ درخشان تیموریان سهم ارزنده داشت و بیشتر از سی اثر منظوم و منثور به زبانهای دری، ترکی و ازبکی نوشت.

* ترخان در دربار تیموریان کسی رامیگفتند، که بدون اجازۀ قبلی میتوانست به پیش سلطان برود و از دارایی های خود هیچ گونه مالیه و محصول به دولت نمی پرداخت.

* آل کُرت یکی از سلسله های محلی افغانستان بوده که در عصر مغول ها بریک قسمت افغانستان(هرات) حکمروایی داشتند. در مورد اصل و نسبت کرت ها اختلاف نظر وجود دارد تعدادی آنها را از وابسته گان غوری ها میدانند و بعضی ایشان را هم به سلجوقی ها و ترکمن ها منسوب می سازند. شخصیت های مهم این دودمان ملک رکن الدین، ملک شمس الدین، ملک حسین کرتی میباشند. امرای این خانواده با مغولان روابط نیک و حسنه داشتند که سر انجام درسال ۱۳۸۳م(۷۶۲هـ . ش.) توسط تیمور کورگانی آل کرت به سقوط مواجه شد.

بیاموزیم

۱. امیرعلی شیرنوایی، نورالدین عبدالرحمان جامی، عارفی هروی، هلالی چغتایی، ملاحسین واعظ کاشفی و دیگران از شعرای معروف این دوره (قرن نهم و دهم) بودند.

۲. اوج افتخار تیموریان هرات روزگار فرمانروایی سلطان حسین بایقرا و وزیر با تدبیرش

امیرعلی شیرنوایی بود.

۳. در قرن نهم و دهم کلمه های مغولی و ترکی از راه کار برد اصطلاحات اداری، سیاسی و نظامی یکی از خصوصیاتی است که زبان و ادب دری در این دوران به آن دچار گردیده است.

۴. در قرن نهم و دهم کار برد اصطلاحات و کلمات نا مانوس عربی در ادبیات دری زیاد شد. اطناب و تعقید به ویژه در نثر از خصوصیت برجستهٔ آثار این دوره است.

۵. شعر و نثر این دوره تقلیدی از سبکها و مکتبهای گذشته است. مکتب خاصی در این دوره پدید نیامد. شعرای این دوره در غزل به پیروی از حافظ، سعدی و مولانا، در قصیده به روش رودکی، فرخی، ظهیر فاریابی و انوری و در مثنوی به شیوهٔ فردوسی، نظامی، امیر خسرو دهلوی و مولانا جلال الدین محمد بلخی طبع آزمایی کرده اند.



۲. مرحلهٔ تنظیم فکر

بعد از ایجاد فکر در نگارش مرحلهٔ تنظیم فکر آغاز میشود؛ در همین مرحله نویسنده با در نظر داشت ارکان نگارش، موضوع را به فصول تقسیم میکند، که عبارت از مقدمه، شروع مطلب، شرح و بسط و نتیجه میباشد؛ هر کدام این فصول دارای عناصر اصلی و فرعی متعدد بوده، باید هر کدام آن جدا جدا در نظر گرفته شود؛ تا موضوعات باهم آمیخته نگردد؛ زیرا این کار برای نگارنده و خواننده هر دو مشکل ایجاد میکند؛ در حالیکه تنظیم فکر به صورت درست هم برای خواننده و هم برای نویسنده سهولت فراهم نموده مفید واقع میگردد.

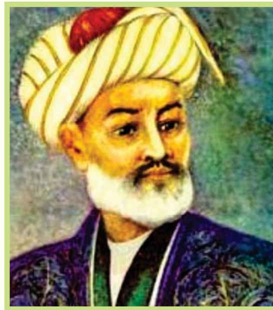
نویسنده باید پایهٔ تفکر خود را کاملاً و به صورت یک نواخت روی چیز های غیر محسوس قرار ندهد؛ بلکه پایهٔ تفکر او تا اندازه یی بر مدرکات و حسیات هم گذاشته شده باشد. در حقیقت فکر کردن از نوشتن جدا نیست؛ بلکه عامل اساسی در نگارش، فکر درست و ذوق سلیم است .

نگارش زیبا و رسا آنست که موضوع آن قبلاً با درستی و مهارت در ذهن پرورش و تنظیم شده، صورت دلپسند، منطقی و یکدست به خود گرفته باشد؛ آنگاه اقدام به بیان آن گردد.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ درسی که خواندند باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران بگویند.
۲. یک تن از شاگردان در رابطه به وضع ادبی در قرن نهم و دهم سخنرانی نماید.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به مرحلهٔ تنظیم فکر در نگارش اظهار نظر نمایند.

املا و نگارش


امیر علی شیر نوایی

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده می شود، در کتابچه های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر با در نظر داشت قواعدی که خواندید، متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.



۱. اوج افتخار تیموریان هرات دورهٔ کدام سلطان است؟
۲. بنیان گذار سبک هندی کی را میدانند و صایب در بارهٔ او چه گفته است؟
۳. گوهرشاد بیگم کی بود؟
۴. در بارهٔ شهزاده بایسنقر چی میدانید؟
۵. امپراتوری مغول به وسیلهٔ چه کسی در هند تأسیس شد؟
۶. مرحلهٔ تنظیم فکر در نگارش چه اهمیت دارد؟
۷. عامل اساسی در نگارش چیست؟



۱. شرح حال یکی از شاعرانی چون صایب تبریزی، کلیم کاشانی، فیضی دکنی، ناصرعلی سرهندی، هلالی چغتایی و عرفی شیرازی را تهیه و برای همصنفان خود تقدیم نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

بلند و پست جهان هر چه هست در کار است — ز حکمت است که انگشت ها برابر نیست

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

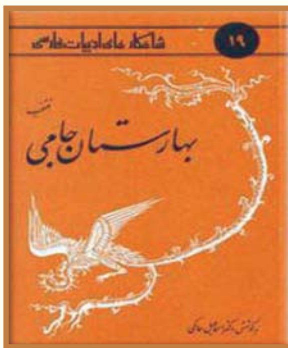
درس امروز توسط یکی از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. بهارستان اثر کیست؟ در کدام قرن و در کجا نوشته شده است؟

۲. این اثر درچه مورد نگاشته شده و چگونه یک اثراست؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بهارستـان



بهارستان اثریست از مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی فرزند نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد. وی در سال ۸۱۷ هجری قمری در شهر جام هرات باستان چشم به جهان کشود. جامی معاصر سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علی شیر نوایی بود. جامی در شعر به سعدی و حافظ توجه خاص داشت و در مثنوی های خود از نظامی پیروی کرده است.

بهارستان اثریست که به پیروی از گلستان سعدی در سال ۸۹۲ هجری نگاشته شده است. منظور نویسنده در این کتاب بیان نکته های تربیتی و اخلاقی میباشد. این اثر شامل نثر و نظم بوده، نثرش با صنایع لفظی آراسته است. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب گردیده است. روضهٔ نخستین حکایاتی دارد در ذکر مشایخ صوفیه و بعضی از اسرار و احوال آنان؛ و روضهٔ دوم متضمن حکم و مواعظ و مشتمل بر چند حکایت؛ روضهٔ سوم در بارهٔ اسرار حکومت و ذکر حکایاتی از شاهان؛ روضهٔ چهارم در بارهٔ بخشش؛ روضهٔ پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان؛ روضه ششم حاوی مطایبات و لطایف؛ روضه هفتم در شعر و احوال شاعران و روضه هشتم در حکایتی چند از زبان جانواران. جامی در آغاز کتاب گفته است، که چون فرزندش ضیاءالدین یوسف به آموختن فنون ادب اشتغال داشت. این کتاب را برای وی فراهم آورد و به نام سلطان حسین بایقرا نمود.

عبارات کتاب بهارستان بسیار ساده و شیرین است و در میان آثار منثور دری مقام شامخ دارد. همان گونه که تذکر یافت. این کتاب مشتمل بر مطالب اخلاقی عالی و دستور های سودمند برای زنده گانی است. قطعه های تاریخی آن نیز مطالبی مفید دارد، که در روشن شدن احوال شعرا و عرفا کمک میکند. بهارستان سخن منظوم بیشتر دارد، نظر به گلستان سعدی. سجع و تکلف به وفور در آن دیده میشود. در روضهٔ ششم آن پاره یی از مطایبات وجود دارد که خواننده را از سلیقهٔ تربیتی مولانا جامی به شگفتی می آورد.

نحوهٔ قصه پردازی و تمثیل در بهارستان

همانطوری که گفته شد، در کتاب بهارستان برای ذهن نشین شدن مطالب و بیان درست و واضح آن، حکایت ها و تمثیل های زیاد ارائه شده است. این تمثیلها و قصه پردازیها با

زیور منطق و حلیهٔ عقل آراسته شده است. موضوعات با بیان تشبیهات، کنایه ها و استعارات ادبی به صورت دلنشین تمثیل و صحنه آرایی گردیده است. این همه خوبی ها و ویژه گی ها ارزش تربیتی وآموزشی این اثر گرانبها را بالا برده و بیانگر شهکاری های جامیست.

حکایتی از بهارستان

طاووسی و زاغی در صحن باغی فراهم رسیدند و عیب و هنر یکدیگر را دیدند. طاووس به زاغ گفت : این موزهٔ سرخ که به پای تست لایق اطلس زرکش و دیبای منقش منست، همانا آن وقت که از شب تاریک عدم ، به روز روشن وجود می آمده ایم، در پوشیدن موزه غلط کرده ایم. من موزهٔ کیمخت سیاه ترا پوشیدم و تو موزهٔ ادیم سرخ مرا.

زاغ گفت : حال بر خلاف اینست. اگر خطایی رفته است، در پو شش های دیگر رفته است، باقی خلعت های تو مناسب موزهٔ منست. غالباً در آن خواب آلوده گی، تو سر از گریبان من بر زده ای و من از گریبان تو. در آن نزدیکی کشفی سر به جیب مراقبت فرو برده بود و آن مجادله و مقاله را میشنود، سر بر آورد که ای یاران عزیز و دوستان صاحب تمیز این مجادله های بی حاصل را بگذارید و از این مقاولهٔ بلا طایل دست بدارید، خدای تعالی همه چیز را به یک کس نداده و زمام همهٔ مرادات در کف یک کس ننهاده. هیچ کس نیست که وی را خاصه داده که دیگران را نداده است و در وی خاصیتی نهاده که در دیگران ننهاده، هر کس را به دادهٔ خود خرسند باید بود و به یافته خشنود.

قطعه

بردن حسد از حال کسان طور خرد نیست
زنهـــار کـــه از طور خـــرد دور نبـــاشـی
از خلق طمع، همچو حسد مایهٔ رنـج است
بگسل طمع ازخلـــق که رنـــجورنبـــاشی

حکایت دوم

گژدمی زهر مضرت در نیش و تیر خباثت در کیش، عزیمت سفر کرد؛ به لب آب پهناور رسید؛ خشک فرو ماند. نه پای گذشتن و نه یاری باز گشتن. سنگ پشتی آن معنی را از وی مشاهده کرد. بروی ترحم نمود. بر پشت خودش سوار ساخت و خود را در آب انداخت و شنا کنان رو به جانب دیگر نهاد. در آن اثنا به گوشش رسید که گژدم چیزی بر پشت وی میزند. سؤال کرد که این چه آواز است؟ جواب داد: که این آواز نیش است که بر پشت تو میزنم. هر چند میدانم که بر آنجا کارگر نمی آید؛ اما خاصیت خود را نمیتوان گذاشت. سنگ پشت با خود گفت: هیچ به از آن نیست که این بد سرشت را از این خوی بد برهانم و نیکوسرشتان را از آسیب وی ایمن گردانم به آب فرو رفت، وی را موج در ربود و به جایی برد که گویا هرگز نبود.



* جامی در نظم و نثر آثار گرانبهایی از خود به جا گذاشته است. در اشعارش افکار صوفیانه، داستان ها، حکمت، اندرز و تصورات غنایی، بسیار فراوان دیده میشود. آثار منظومش شامل دیوان اشعار، هفت اورنگ بوده به پیروی نظامی گنجوی سروده شده است، که در برگیرندهٔ **سلسلة** الذهب، سلامان و ابسال، **تحفة** الاحرار، **سبحة** الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامهٔ سکندری میباشد.

آثار منثورجامی عبارت اند از: نقدالنصوص، نفحات الانس، لوایح ولوامح، شواهدالنبوه، **اشعة** اللمعات و بهارستان، رساله یی در اخلاق صوفیان، رساله یی در علم قوافی، رسالهٔ موسیقی، مناسک حج، رساله تهلیلیه در علم دین، فواید الضیائیه معروف به شرح جامی میباشد.

بیاموزیم

۱. بهارستان اثریست از مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی.
۲. این اثر به پیروی از گلستان سعدی در سال ۸۹۲ هـ.ق. نگاشته شده است.
۳. بهارستان شامل نثر و نظم بوده، نثرش با صنایع لفظی آراسته است.
۴. بهارستان یک اثر تعلیمی بوده، جنبه های تربیتی و اخلاقی در آن به گونهٔ زیبایی در نظر گرفته شده است.
۵. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب گردیده و با زبان بسیار ساده و شیرین نگاشته شده است و در میان آثار منثور فارسی مقام شامخ دارد.
۶. جامی در نظم و نثر آثار گرانبهایی از خود به جا گذاشته است، در اشعارش افکار صوفیانه، داستان ها، حکمت، اندرز و تصورات غنایی بسیار فراوان دیده میشود.



مرحلهٔ بیان فکر

پس از تنظیم فکر نوبت میرسد به بیان فکر یعنی نویسنده هر گاه به ایجاد و تنظیم فکر نایل آید میتواند به آسانی آنرا بیان دارد؛ به شرط این که به مشق و ممارست پرداخته باشد.

در مرحله بیان فکر دو راه وجود دارد، یکی گفتار و دیگر نگارش.

نویسنده گان به صورت اغلب راه دومی را انتخاب میکنند؛ در حالیکه بعضی ادبا به خصوص مبلغان از راه نخستین استفاده کرده، فکر ایجاد و تنظیم شده را توسط گفتار ارائه مینمایند .

گفتار میان تفکر و نگارش به منزلهٔ حلقه یی است در بین این دو؛ چنانکه یکی اثر پذیر دیگر

است؛ مثلاً: نویسنده وقتی معانی را به تصویر می آورد و آنرا ترتیب میکند، آنگاه در صورت نگارش نخست عبارتی برای آن در ذهن خود تهیه کرده سپس آنرا مینویسد و در این صورت هر قدر گفتار واضح و روشن باشد نگارش به همان اندازه روان و رسا می آید.

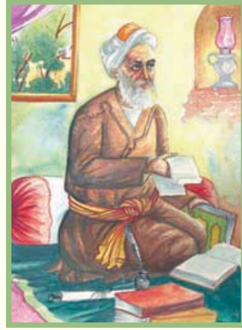
کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو دسته تقسیم شوند و در بارۀ قطعۀ خوانده شده تفکر نمایند، بعد از آن یک دسته از دستۀ دیگر در آن مورد، سؤالاتی طرح نمایند .
۲. شاگردان دو دو نفر با هم در مورد حکایتی که خواندند، مباحثه نمایند.
۳. یک تن از شاگردان در مورد شخصیت مولانا جامی سخنرانی نماید.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر با استفاده از قواعد نگارش که خواندید، متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



جامی



خود آزمایی

۱. بهارستان اثر کیست ؟
۲. نورالدین عبدالرحمان جامی را مختصر معرفی نمایید.
۳. بهارستان چگونه اثر است؟
۴. از حکایت چه نتیجه گرفتید؟
۵. چگونه میتوانید که به داشته های خود قناعت نموده و از حسادت دوری نمایید؟
۶. چگونه میتوانیم فکر خود را بیان کنیم؟

کارخانه گی

۱. در رابطه به نتایج منفی حسادت مطلبی بنویسید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

بعذر و توبه توان رستن از عذاب خدای — ولیک می نتوان از زبان مردم رست

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس دهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. زن کیست؟

۲. زن در جامعه دارای کدام حقوق میباشد؟

۳. حقوق زن را از دیدگاه اسلام چگونه ارزیابی میکنید؟

٤. دین مبین اسلام چه تأثیری در زنده گی زنان داشته است؟

۵. زن چه نقشی را در اجتماع میتواند ایفا نماید؟

در پایان معرفی، پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

حقوق زن در جامعه



مقام و موقعیت زن در جامعهٔ بشری، ارج نهادن به او به عنوان رکن مهم خانوادهٔ انسانی، فرصت دادن به او برای اعمال اراده و نظر در مسایل شخصی و اجتماعی و رفع تبعیض های گوناگون در حقوق و امتیازات بین زن و مرد، مسأ له یی است، که در طول تاریخ بشری همواره مطرح بوده است. زنان همیشه این احساس را داشته اند، که برخی از مردان، حقوق آنان را محترم نشمرده به منزلت انسانی شان که همپایهٔ مردان است، توجه نکرده به خصوص در ادارهٔ امور جامعه به آنها فرصت مشارکت و ابراز نظر و اعمال اراده را نداده اند؛ از دور ترین دوره های تاریخ تا عصر حاضر، هر وقت زنان فرصتی به دست آورده اند به وضع موجود و رواج های جاری حاکم برخود اعتراض کرده، خواستار رفع تبعیض بین خود و مردان شده اند. داستانهای پراکنده یی که از مراجعهٔ برخی زنان به پیامبر اسلام(ص) در تواریخ نقل شده، حاکی از احساس عدم رضایت زنان از این وضع و اقدام آنان برای اصلاح این وضع است. در آن دوران که روزنه یی به روی زنان گشوده شده و تعلیمات و روش عملی پیامبر اکرم(ص) زمینه را برای تغییر طرز تفکر رایج و رفتار معمول با زنان ایجاد کرده بود، می بینیم برخی زنان به طرقٍ مختلف در مقام اعتراض به وضع حاکم بر آنها و گرفتن حقوق و اختیارات بر می آمدند؛ مثلاً: در حدیثی آمده است: که دختری خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: پدرم برای بدست آوردن اعتبار و حیثیت برای خود میخواهد مرا به عقد ازدواج پسر برادرش درآورد؛ بدون اینکه نظر مرا بخواهد. وقتی پیامبر(ص)

به او فرمود که اختیار ازدواج با خود توست و میتوانی این ازدواج را قبول نکنی، دختر گفت: عمل پدرم را تنفیذ میکنم و آن را میپذیرم؛ ولی خواستم بدین وسیله زنان بدانند، که اختیار شان در دست پدران شان نیست.(1)

قرآن کریم، مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی میداند. در هیچ یک از آیات مربوط به خلقت انسان اشاره یی به کامل تر بودن مرد و نقص و کمبود در خلقت زن دیده نمی شود؛ چنانکه در آیت مبارک آمده است، ترجمه:« ای مردم، بپرهیزید و بترسید از خدایی که شما را از نفس واحد آفرید و همسرش را نیز از او خلق کرد و از آن دو، زنان و مردان زیادی را منتشر نمود...» (2)

از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزشهای والای انسانی و مقام معنوی و توانایی کسب صفات عالیه، در تعبیرات قرآن کریم تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی شود. در قرآن مجید از مرد به عنوان پدر و از زن به عنوان مادر نام برده شده است و فرزند مکلف گردیده که به آنها احترام بگذارد و نیکی کند.

انسان موجود اجتماعی است که هرگز نمیتواند در تنهایی مطلق زنده گی نماید و یک رابطۀ عاطفی بین انسانها بر قرار است. در واقع همین رابطۀ عاطفی انسان است که از نسلی به نسل دیگر انتقال مییابد و نوع انسان را با مفاهیمی از قبیل حق فرزندان بر پدر و مادر، حق پدر و مادر برفرزندان، حق زنان برشوهران، حق شوهران بر زنان، حق افراد برجامعه، حق جامعه برافراد و غیره آشنا میسازد و مفهوم حق و وظیفه را در ذهن انسان ها حک میکند.

نخستین حق دختران بر پدران و مادران شان اینست، که هرگز در میان دختر و پسر طوری فرق نگذارند، که دختر احساس تبعیض وخود فروتر بینی کند و این تصور نادرست در ذهنش شکل بگیرد، که اگر پسر می بود از بسا امتیازها برخوردار می شد، که اکنون به دلیل دختر بودن خود از آنها برخوردار نیست.

امام غزالی درکیمیای سعادت حدیثی از حضرت پیامبر اسلام (ص) نقل میکند: «هرکه از بازار نو بری خرد و به خانه برد همچون صدقه باشد و باید که ابتدا به دخترکند، آن گاه به پسر، هرکه دختری را شادکند؛ همچنان بـــود، که از بیم خدای بگریسته بود و هرکه از بیم خدای تعالی بگرید تن وی برآتش حرام شود.»(3) متأسفانه برخلاف این دستور حضرت پیامبر(ص) در

۱- به نقل از روایت منقوله در سنن ابن ماجه، کتاب النکاح، جلد۱، ص۶۰۲

۲- سوره نساء، آیه ۱.

۳- کیمیای سعادت ج ۱باب سوم در آداب زنده گی با زنان ص ۳۰۴)

برخی خانواده ها زنان و دختران از جهات مختلف معروض به تبعیض و تفاوت استند. هنوز تعداد کسانی هستند که میخواهند دروازه های مکاتب و مؤسسات علمی را برروی زنان ببندند و جامعه را از فیض استعداد زنان محروم نمایند. تجربه های فراوان علمی نشان میدهد،که زنان در هیچ رشته کمبودی و بی استعدادی نشان نداده اند و اساساً استعداد و ذکاوت ربطی به جنسیت زن و مرد ندارد. خوشبختانه قانون اساسی کشور حق تعلیم و تربیهٔ مساوی، حق مزد مساوی را در برابر کار مساوی و بالاخره حق رای دهی، رای گیری و اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری و شورا ها را برای زنان تثبیت نموده است. زنان میتوانند با استفاده از حقوق قانونی خود لیاقت، استعداد وکفایت خود را در خدمت وطن و مردم خویش بگمارند و در پرتو مبارزات قانونی راه را به سوی جامعه یی باز کنند که در آن هرگونه تبعیض نسبت به زنان از میان رفته باشد.

در جهان امروز حقوق زنان بخش انفکاک ناپذیر حقوق بشراست و اگر زنان به حقوق مشروع و قانونی خود نرسند صحبتی از تأمین حقوق بشر نیز نمیتواند درمیان بیاید.

برخی از دستاورد های امروز زنان محصول تلاش های درازمدت جنبش های زنان میتواند باشد. این جنبش ها مایهٔ آن گردید که روز هشتم مارچ به عنوان روز بین المللی زن شناخته شود.

روز هشتم مارچ روزی است، که زنان در گوشه، گوشهٔ جهان با حقوق خود آشنا میشوند و با قاطعیت برضد ازدواج های اجباری و دیگر عنعنه های ناپسند و غیر اسلامی دست و پاگیر مبارزه مینمایند. حق تعلیم و تربیهٔ مساوی و فارغ از تبعیض، حق رقابت آزاد در کسب مشاغل اجتماعی مناسب، حقوقی است که زنان باید در راه حصول آن مبارزه نمایند.

زن به مثابهٔ مادر در پرورش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است، که دین مبین اسلام و قوانین نافذ کشور برایشان داده است و تمامی افراد جامعه مکلف اند تا رعایت آنرا وظیفهٔ اساسی و مهم دانسته، در پیروی از آن غفلت ننمایند. زنان نباید از تحصیل و سایر حقوق شان محروم شوند؛ زیرا همین زنان استند که با تقدیم فرزندان شایسته، چون علما، دانشمندان، مخترعان و مکتشفان در رفاه و آبادانی جوامع، نقش سازنده یی را ایفا میکنند.

ملت افغانستان، ملت آزاده و مسلمان است باید که با پیروی از ارشادات الهی که میفرماید: «وَ عا شرُوهُنّ بالمعروف» یعنی با زنان رفتار نیک کنید و با پیروی از پیامبر خدا که احترام و اکرام کننده گان زنان را کریم و بخشنده و اهانت کننده گان زنان را نکوهش نموده اند؛ زنان

را احترام کنند و حقوق شان را در عرصه های مختلف مراعات نمایند؛ همچنین افغانستان که عضو جامعۀ جهانی و سازمان ملل متحد بوده و کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان را از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به تصویب رسیده است امضا نموده؛ بنابرین دولت افغانستان با در نظر داشت ملحوظات فوق حقوق زن را باید در کشور تأمین کند.

آیا میدانید پیوستن و ایمان آوردن به دین مبین اسلام که امروز بیش از هزار ملیون در جهان هوا خواه دارد، آغازش از کدام فرد بود؟

پذیرفتن دین مبین اسلام از یک زن شروع شد. مادر مؤمنان «بی بی خدیجه (رض)» نخستین کسی است که قبل از هرکس شایسته گی دریافت تبلیغ پیامبر بزرگ اسلام را داشت و از اینرو نخستین فرد مسلمان در جهان به شمار میرود و آیا میدانید که نخستین شهید در اسلام کی بود؟ باز هم او یک زن بود. یعنی« سمّیه» مادر عمار بن یاسر (رض).

اسلام به زنان خدمات شایانی کرده است. اسلام در آغاز طلوع خود، یکی از برنامه های اساسیش را بر مبنای بازستاندن حقوق از دست رفتۀ زنان قرار داد. پیامبر (ص) به یاران خود پیوسته در مورد زنان سفارش میکرد، زنان را امانت خدا میخواند و میفرمود: زنان در نزد شما امانت خدایند، احترام آنان را نگه دارید. آری! زنان تحت حمایت پیامبر خدا، این چنین پر و بال گشوده بودند، آن هم در روزگاری که غالباً میدانیم تا چه اندازه زن در جزیرۀ العرب خوار و بی مقدار انگاشته میشد، دختران را زنده به گور میکردند و شبانه به این کار دست میزدند تا مبادا ، همسایه از وجود دختری در خانۀ همسایۀ دیگر آگاه شود. آخر وجود دختر در آن محیط، ننگی بزرگ به شمار می آمد. در چنین شرایطی بود، که ناگهان زن از جای برخاست و پیشتاز و پیشگام در تحول سرنوشت ملتی عظیم شد. آیا این امر، جز نتیجۀ برکات تعالیم اسلام در خدا پرستی و ایمان و توکل به خدا بود؟ پس بر دولت افغانستان و در مجموع ملت مسلمان افغانستان است تا به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و نبوی حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه های مختلف نقش سازندۀ شان را ایفا نمایند و جامعه را به سوی رفاه و ترقی رهنمون شوند.



* کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامهٔ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد. مسألهٔ تساوی زن و مرد از جهات مختلف و رفع هر گونه تبعیض بین آنان در برخورداری از مواهب زنده گی و حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشر سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مطرح شده و مورد تاکید قرار گرفته است.

بر اساس آخرین آمار منتشره از سوی سازمان ملل تا سال ۱۹۹۵ در حدود ۱۳۹ دولت به این کنوانسیون پیوستند و تعداد ۷ دولت آن را امضا کرده اند، که شامل امریکا، افریقای جنوبی، سویس، لستو، افغانستان، بولیوی و ساحل عاج میباشند.

بیاموزیم

۱. قرآن کریم، مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی میداند.

۲. از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزشهای والای انسانی و مقام معنوی و توانایی کسب صفات عالیه، در تعبیرات قرآن تفاوتی بین زن و مرد دیده نمیشود.

۳. تجربه های فراوان علمی نشان میدهد،که زنان در هیچ رشته کمبودی و کم استعدادی نشان نداده اند و اساساً استعداد و ذکاوت ربطی به جنسیت زن و مرد ندارد.

۴. قانون اساسی حق تعلیم و تربیهٔ مساوی، حق مزد مساوی را در برابر کار مساوی و بالاخره حق رای دهی و رای گیری واشتراک در انتخابات ریاست جمهوری و شورا را برای زنان تثبیت نموده است.

۵. زن به مثابهٔ یک مادر در پرورش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است، که برای شان محفوظ بوده و تمامی افراد جامعه مکلف اند؛ تا آنرا رعایت نمایند.

۶ . دین مقدس اسلام به زنان امتیازات زیادی قایل شده است و در آغاز طلوع خود، یکی از

برنامه های اساسیش را بر مبنای بازستادن حقوق از دست رفتهٔ زنان قرار داد.

۷. دولت افغانستان و در مجموع مردم افغانستان باید به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و نبوی حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه های مختلف نقش سازندهٔ شان را ایفا نمایند.



ارکان نگارش

فن نگارش بر ارکانی استوار است، که اگر یکی از آن از نظر انداخته شود، باعث نا به سامانی در نگارش میگردد. همان گونه که پایه ها در استواری بنایی مهم شمرده میشود، در صورت متزلزل شدن یکی همهٔ آن بنا معروض به خطر انهدام و فروریختن میگردد، همانگونه بنای نگارش هم بر پایه های متن متکی است و هر رکنی از آن در جای خود حایز اهمیت بوده در استواری، رونق و روبنای کلی نگارش نقش ارزنده دارد.

ارکان نگارش در راه درک و فهم درست موضوع بسیار با ارزش است همان گونه یی که هر حصهٔ یک عمارت برای هدف خاص جهت استحکام تزیین و نمای خارجی آن مورد نظر بوده، قبلاً طرح و پیریزی میشود، در نگارش نیز ارکان آن پیش از آغاز نگارش به طور واضح پیریزی گردد؛ پس برای هر نویسنده لازم است که نوشته اش را به فصول چند تقسیم نماید، همین فصول که ارکان نگارش را تشکیل میدهد چهار است:

۱. مقدمه
۲. آغاز مطلب
۳. شرح وبسط
۴. نتیجه

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در رابطه به حقوق زن در جامعه، یک گروه از گروه دیگر پرسشهایی طرح نمایند.

۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد نقش زن در خانواده سخنرانی کنند.

۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ ارکان نگارش با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.

 املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.

۲. دربارهٔ تصویر زیر در کتابچه های تان متنی بنویسید.





۱. زن در جامعه دارای کدام حقوق میباشد؟
۲. امام غزالی در کیمیای سعادت کدام حدیث حضرت محمد(ص) را آورده است؟
۳. حقوق زن را از نظر اسلام توضیح نمایید.
۴. قانون اساسی کشور کدام حقوق را برای زنان تثبیت کرده است؟
۵. زن در تربیت افراد جامعه چه نقشی دارد؟
۶. کنوانسیون هر نوع تبعیض علیه زنان در کدام سال به تصویب رسید؟
۷. کدام کشور ها به کنوانسیون هر نوع تبعیض علیه زنان پیوستند؟
۸. فن نگارش بر کدام ارکان استوار است؟
۹. در نظر گرفتن کدام نکات مهم ما را کمک میکند، که در نگارش دارای سبک شویم؟



۱. در مورد هشتم مارچ روز بین المللی زن معلومات تان را بنگارید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

شیرین نشد چو زحمت مادر وظیفه یی   فرخنده تر ندیدم از این هیچ دفتری

پروین اعتصامی

۳ . متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس یازدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:
۱. شعر کوشش و کامیابی از کیست؟
۲. این شعر در بر گیرندهٔ کدام موضوع است؟
۳. پیام اصلی این درس چیست؟
در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

کوشش و کامیابی

گفت پیغمبر که: بر رزق ای فتی — در فروبسته است و بر در قفلها
جنبش و آمد شد ما اکتساب — هست مفتاحی برین قفل و حجاب
بی کلید این در کشادن راه نیست — بی طلب نان سنت الله نیست
مرغ را پر میبرد تا آشیان — پر مردم همتست، ای مردمان
باز اگر باشد سپید و بی نظیر — چونکه صیدش موش باشد، شد حقیر
ور بود جغدی و میل او به شاه — او سر باز است منگر در کلاه
در طلب زن دایما تو هردو دست — که طلب در راه نیکو رهبر است
منگر اندر نقش زشت و خوب خویش — بنگر اندر عشق و بر مطلوب خویش
منگر این را که حقیری یا ضعیف — بنگر اندر همت خود، ای شریف
هر که رنجی برد، گنجی شد پدید — هر که جدی کرد، در جدی رسید
دست داده ستت خدا، کاری بکن — مکسبی کن، یاری یاری بکن
هر که او در مکسبی پا می نهد — یاری یاران دگر میدهد
چون به انبازیست عالم بر قرار — هر کسی کاری گزیند زافتقار
طبل خواری در میانه شرط نیست — راه سنت کار و مکسب کرد نیست
میدود حمال زی بار گران — می رباید بار را از دیگران
جنگ حمالان برای بار بین — اینچنین است اجتهاد کار بین
چون گرانی ها اساس راحتست — تلخها هم پیشوای نعمت است
هر که در قصری قرین دولتی است — آن جزای کارزار و محنتی است

هر که را دیدی به زر و سیم فرد
دان که اندر کسب کردن صبر کرد

مثنوی – مولانا



* مثنوی معنوی : یکی از بزرگترین آثار ادبی جهان و متضمن بیست و هفت هزار بیت و دارای شش دفتر است. مثنوی معنوی نه تنها بزرگترین محصول اشعار و بهترین آیینهٔ افکار جلال الدین محمد بلخی می باشد؛ بلکه کاملترین دیوان تصوف زبان دری به شمار میرود؛ همچنان یکی از عالیترین شاهکار های نبوغ و الهام بشر بوده روح عمیق، حرارت و شور، زیبایی، تعلیمات اخلاقی و آهنگ روحنواز، آن را از با ارزشترین کتابها ساخته است.

مثنوی حکایت های مسلسل منظومی دارد که مولانا با ذکر آنها نتایج دینی عرفانی را به زبان ساده و از راه تمثیل و حوادث روز بیان میکند و به این ترتیب بسیاری از آیات قرانکریم، احادیث نبوی و اخبار را به سبک عرفانی شرح و بیان مینماید.

* مولانا جلال الدین محمد بلخی: فرزند سلطان العلما بهاء الدین محمد بن حسین خطیبی بکری، بزرگترین شاعر متصوف زبان دری است. وی در سال۶۰۴ هجری در بلخ تولد یافت. در سال ۶۱۷ هـ . ق. با خانواده اش از بلخ مهاجر شد، نخست به هرات سپس به نیشاپور و از آنجا به مکه و بالآخره به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد دوازدهمین پادشاه سلجوقی به قونیه مرکز حکومت او رفت.

جلال الدین تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد. پس از وفات پدرش از مجالس درس سید برهان الدین محقق ترمذی که از شاگردان پدرش بود کسب فیض نمود. نه سال از وی ارشاد گرفت. آنگاه به حلب و دمشق و سایر شهر های سوریه سفر کرد و در آنجا اقامت گزید و اخذ معرفت و درک مجلس اصحاب طریقت نمود؛ سپس به قونیه برگشت و به تدریس مشغول شد.

مولانا روزی بر حسب اتفاق با شمس الدین علی بن ملک داد تبریزی بر خورد و این ملاقات در زنده گی وی تأثیر بزرگی داشت. حال مولانا دگرگون شده، ترک مدرسه کرد و پس از ریاضت ها در عالم عرفان به مقام بلندی رسید. وی در سال ۶۷۲ هجری در قونیه وفات نمود.

* شمس تبریزی صوفی شوریده حالی بود که سجیهٔ متبارز، جاذبهٔ بزرگ و بیان مؤثر داشت و با اهل ریاضت و درویشان و عارفان الفت مینمود. در حدود ۶۴۲ هـ . ق. به سراغ مولانا آمد و او را شیفتهٔ خود ساخت.

بیاموزیم

۱. انسان در اثر سعی و کوشش میتواند به قله های موفقیت و کامیابی برسد.
۲. همانگونه که پرنده توسط بالهایش به بلندی ها میرسد؛ انسان هم بوسیلهٔ همت خود میتواند به مقام بلند دست یابد.
۳. تا کسی رنج نبرد و زحمت نکشد به آسوده گی و راحت نمیرسد.
۴. انسان باید همواره برای رسیدن به هدف در جستجو و تلاش باشد.
۵. در حقیقت مشکلات اساس راحت بوده و همین مشکلات به ذات خود نعمت است که انسان را در مقابله با مشکلات کمک میکند.
۶. کسی که به مقام و منزلت بالایی رسیده است؛ حتماً حاصل کار و زحمتکشی او بوده است.



۱.مقـدمـه: مقدمه باید مختصر و مربوط به موضوع مورد نظر بوده، با سایر مطالب نگارش پیوند داشته باشد. از اینکه خواننده نخست به مقدمه برمیخورد، پس همین مقدمه است که یا او را از خواندن منصرف میسازد، یا به خواندن وا میدارد که نوشته را تا آخر بخواند، پس نوشتهٔ ما باید طوری باشد که خواننده را به درون متن بکشاند و این وابسته گی به چگونگی استعمال و کاربرد کلمات دارد. همین مقدمهٔ رسا و جامع است که به نوشته وزن خاص میدهد.

ما باید مقدمه را کوتاه بنویسیم و چنین بنویسیم که با مطلب پیوند منطقی داشته باشد. در حقیقت فشردهٔ مطلب را در مقدمه ذکر کنیم؛ ولی نباید مطالب کلی را در مقدمه بیاوریم، که از جزالت و زیبایی نوشتهٔ ما بکاهد.

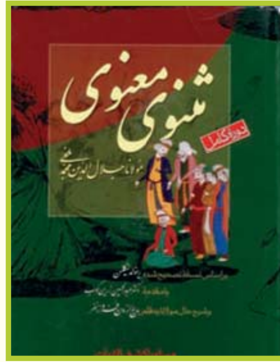
کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، سپس هر گروه در بارهٔ کوشش و کامیابی با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت در بارهٔ این که از کدام راه ها میتوان به کامیابی دست یافت؟ در مقابل صنف سخنرانی نمایند.
۳. در دسته های پنج نفری در بارهٔ نوشتن مقدمهٔ متن با هم گفتگو نموده، نمایندهٔ هردسته خلاصهٔ مطالب را برای دیگران بیان نماید.
۴. شاگردان نظر به شوق و علاقهٔ شان به طور داوطلبانه در بارهٔ مولانا معلومات بدهند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر معلوماتی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





خود آزمایی

۱. انسان چگونه میتواند در زنده گی کامیاب و موفق باشد؟
۲. سعی و تلاش پیام آور چیست؟
۳. مفهوم اساسی شعر خوانده شده را بیان نمایید.
۴. مولانا جلال الدین محمد بلخی کی بود؟
۵. مثنوی اثر کیست؟
۶. در نوشتن مقدمهٔ یک مطلب کدام نکات را باید در نظر داشت؟
۷. این بیت را تحلیل نمایید:

هر کـه رنجی بُرد، گنجی شد پدیـد
هر که جِدی کرد، در جَدی رسیـــد



کارخانه گی

۱. شعرکوشش و کامیابی را که خواندید به نثر تبدیل نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

چـون گـرانی هـا اساس راحتست   تلخهـا هـم پیشـوای نعمـت است

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

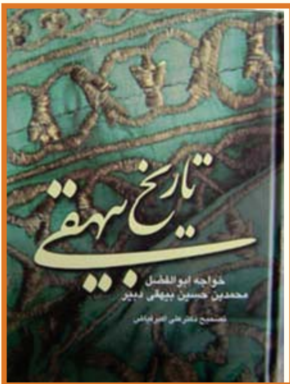
درس دوزادهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. ابوالفضل بیهقی کی بود؟
۲. بیهقی در کدام عصر میزیست؟
۳. او چه کار هایی را انجام داد؟
٤. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٥. تاریخ بیهقی چگونه اثر است؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ابوالفضل بیهقی



ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی از ناحیهٔ بیهق خراسان بود. ولادتش در سال ۳۸۵ هجری در حارث آباد بیهق اتفاق افتاد. او اوایل عمر را در نیشاپور به تحصیل علم گذرانید و بعد از کسب تحصیل به دیوان رسایل سلطان محمود غزنوی راه جست و زیردست ابو نصر مشکان به کار پرداخت. بعد از مرگ استادش زیر دست «ابوسهل زوزنی»صاحب دیوان رسایل مسعود به کار اشتغال داشت و معلوم است،که در عهد مودود و عبدالرشید جانشینان مسعود خدمت میکرد. گویا در عهد این پادشاه به صاحب دیوانی رسید و پس از چندی به زندان افتاد و بعد از رهایی از زندان میل به انزوا کرد و در سال ۴۷۰ هجری در غزنین وفات یافت.

اثر معروف ابوالفضل بیهقی تاریخ مشهورش در شرح سلطنت آل ناصر یا آل سبکتگین بود در سی جلد که اکنون قسمتی از آن در بارهٔ سلطنت مسعود بن محمود و تاریخ خوارزم، از زوال دولت خوارزمشاهان آل مامون تا غلبهٔ سلجوقی ها در دست است. وی کتابی دیگر بنام **زینة** الکتاب در آداب کتابت داشت.

تاریخ بیهقی از جملهٔ کتب معتبر دری است، که چه از نظر اطلاعات تاریخی و چه از حیث انشای فصیح و بلیغ و استادانهٔ خود مشهور می باشد و به همین سبب چندین بار چاپ گردیده است. اینک متنی از آن را به طور نمونه میخوانیم:

حکایتی از نصر بن احمد سامانی

چنان خواندم در اخبار سامانیان که نصر بن احمد سامانی هشت ساله بود، که از پدر بماند. احمد را به شکار گاه بکشتند، و دیگر روز آن کودک را بر تخت ملک بنشاندند به جای پدر. آن شیر بچه ملک زاده یی سخت نیکو برآمد و بر همه آداب ملوک سوار شد و بی همتا آمد؛ اما در وی شرارتی و زعارتی و سطوتی و حشمتی به افراط بود و فرمان ها عظیم میداد از سر خشم، تا مردم از وی در رمیدند و با این همه به خرد رجوع کردی و میدانست که آن اخلاق سخت ناپسندیده است.

یک روز خلوتی کرد با بلعمی که بزرگتر وزیر وی بود و ابو طیب مصعبی صاحب دیوان رسالت و هر دو یگانهٔ روز گار بودند در همه ادوات فضل و حال خویشتن به تمامی ایشان براند و گفت من میدانم این که از من میرود خطایی بزرگ است و لیکن با خشم خویش برنیایم، و چون آتش خشم بنشست پشیمان میشوم. چه سود دارد که گردنها زده باشند و خانمانها بکنده و چوب بی اندازه به کار برده تدبیر این کار چیست؟

ایشان گفتند مگر صواب آنست که خداوند ندیمان خردمندتر ایستادند پیش خویش، که در ایشان با خرد تمام که دارند رحمت و حلم باشد، و دستوری دهد ایشان را تا بی حشمت، چون که خداوند در خشم شود، با افراط شفاعت کنند و به تلطف آن خشم را بنشانند و چون نیکویی فرماید آن چیز را در چشم وی بیارایند تا زیادت فرماید. نصر احمد را این اشارت سخت خوش آمد و گفت ایشان را بپسندید و گفت من چیزی دیگر برین پیوندم تا کار تمام شود و سخت سوگند خورم که هر چه من در خشم فرمان دهم تا سه روز آن را امضأ نکنند تا در این مدت آتش خشم من سرد شده باشد. آنگاه فرمود و گفت باز گردید و طلب کنید در مملکت من خردمند تر مردمان را و چندان که یافته آید به درگاه آرید، تا آنچه فرمودنی است بفرمایم. هفتاد و اند تن را به بخارا آوردند، که رسمی و خاندانی و نعمتی داشتند و از میان شان سه پیر خردمندتر فاضلتر و روزگار دیده تر را پیش احمد آوردند و احمد راز خویش با ایشان بگفت سوگندان سخت گران نسخت کرد به خط خویش و بر زبان براند و ایشان را دستوری داد به شفاعت کردن در هر بابی و سخن فراختر به گفتن. یک سال برین برآمد، نصر حنف قیس دیگر شده بود به حلم، چنانکه بدو مثل زدند و اخلاق نا ستوده به یکبار از وی دور شده بود.



* نصر احمد سامانی سومین پادشاه سامانی از سال ۳۰۱ تا ۳۳۱هـ‍ق. پادشاهی کرد.
* بلعمی وزیر نصر بن احمد سامانی بود نام مکمل او ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی است.
* ابوطیب مصعبی شاعر معروف دورهٔ سامانی به شمار میرود.
* مراد احنف بن قیس تمیمی است، که در میان عرب به بردباری و عقل مشهور بود.

بیاموزیم

۱. ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی در سال ۳۸۵ هـ ق. درحارث آباد بیهق خراسان به دنیا آمد.
۲. بیهقی اوایل عمر را در نیشاپور به تحصیل علم گذرانید و بعد از کسب فضایل به دیوان رسایل سلطان محمود غزنوی راه یافت.
۳. اثر معروف ابوالفضل بیهقی تاریخ مشهورش در شرح سلطنت آل ناصر یا آل سبگتگین در سی جلد میباشد.



۲.چگونه متن را آغاز کنیم؟

پس از مقدمه نگارنده باید شروع به مطلب و موضوع نماید. آغاز مطلب باید چنان باشد که از مقدمه جدایی نگیرد. در قسمت موضوع هم نکاتی است که عمده و اساسی بوده اصل و ریشهٔ موضوع را تشکیل میدهد و مطالبی هم وجود دارد که در فرع میاید. از اینرو نویسنده باید موضوعات اصلی و فرعی را دسته بندی کرده آنهایی که شرح مطلب اند؛ در قسمت سوم نوشتهٔ خود توضیح کرده، در صورت امکان مثالهایی برای بیان مقصد بیاورد.

در آغاز متن چند نکته را در نظر داشته باشید:

۱. عنوان جالب به موضوع بدهید؛ مثلاً: جنایت بشر، دروغ شاخدار، بزرگترین راه...
۲. جمله را با یک سؤال آغاز کنید؛ مثلاً: آیا میخواهید از عهدهٔ نگارش مطالب برایید؟
۳. در جملهٔ اول ادعای عجیب را بیاورید؛ مثلاً: بشر به آسمانها پرواز میکند.
۴. یک فکاهی یا حکایتی کوچک جالب و خنده آور را بیاورید.
۵. به یک ضرب المثل یا گفتار بزرگان یا سخن معروفی اشاره کنید.
۶. با یک بیت موضوع را آغازکنید.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان دو دو نفر در بارهٔ شخصیت ابوالفضل بیهقی با هم گفتگو نمایند.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هرگروه در بارهٔ ارزش تاریخ بیهقی باهم تبادل نظر نموده، نمایندهٔ هر گروه نتیجهٔ بحث شان را به دیگران بیان نماید.
۳. شاگردانی که در مورد تاریخ نویسی معلومات بیشتر دارند، سخنرانی نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. راجع به تصویر زیر با در نظر داشت قواعد نگارش که خواندید، یک متن ادبی بنویسید.





۱. بیهقی را معرفی کنید.
۲. آثار بیهقی را نام برده، بگویید که تاریخ بیهقی دربرگیرندهٔ کدام موضوعات میباشد؟
۳. مفهوم متنی را که از تاریخ بیهقی خواندید به زبان ساده بیان نمایید.
۴. در نگارش آغاز یک متن،کدام نکات مهم را در نظر بگیریم؟



۱. دو تن از تاریخ نگاران معاصر کشور را در کتابچه خود معرفی نموده، روز آینده در صنف قرائت نمایید.
۲. ابیات زیر را حفظ کنید:

درخود آن بد را نمی بینی عیان   ور نه دشمن بوده ای خود را به جان
مومنان آیینهٔ همدیگر اند   این خبر از پیمبر می آورند

مولانا جلال الدین محمد بلخی

۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده، آماده گی بگیرید.

درس سیزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. موزیم ملی برای اولین بار در کدام سال، در کجا و برای چه تأسیس شد؟
۲. در موزیم کدام چیز ها نگهداری میگردد؟
۳ . در اولین قانون اساسی کشور کدام کار مهم در رابطه به حفظ آثار تاریخی صورت گرفت؟
٤. افغانستان چه وقت عضویت یونسکو را حاصل نمود و دیگر در کدام ولایات موزیم ایجاد گردید؟
۵. جایزهٔ شهزاده کلاوس را کی و برای چه بدست آورد؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

مـوزیم ملی



موزیم ملی افغانستان برای اولین بار در سال۱۲۹۷ هجری خورشیدی در منطقهٔ باغ بالای کابل، برای نگهداری آثار تاریخی تأسیس شد. در سالهـای اولیـهٔ تأسیس ایـن موزیـم که در آن دوران« عجایب خانه » نام داشت، فقط بعضی از آثار تاریخی مثل نسخه های خطی قرآن کریم، صنایع دستی، آثار برجای مانده از جنگ های دوران حصول استقلال و بعضی کتابهای نایاب در آن نگهداری می شد.

در ۲۵ عقرب سال ۱۳۰۳هجری خورشیدی، موزیم ملی افغانستان از باغ بالا به ارگ کابل منتقل شد و به شکل رسمی توسط امان الله خان افتتاح گردید. در اولین قانون ا ساسی افغانستان که در زمان امان الله خان به تصویب رسید، یک مادهٔ مفصل بر حفریات و حفظ آثار تاریخی و تشکیل محلی برای نگهداری آثار تاریخی کشور اختصاص داده شد.
بر اسا س این قانون، مقرر شد که «شعبهٔ حفریات و موزه» زیر نظر وزارت معارف فعالیت

کند. از مهم ترین کارهای این شعبه، کشف آثار تاریخی، حراست از این آثار و انتقال آنها به موزیم ملی بود.

محمد علی کهزاد مؤرخ و باستان شناس افغان یکی از کسانی بود، که در کنار کاوشگران خارجی به جستجوی آثار تاریخی میپرداخت، که کشف بسیاری از آثار تاریخی افغانستان مرهون تلاش های او بوده است.

عضویت در یونسکو

در دورهٔ حکومت محمد ظاهر شاه، افغانستان به عضویت سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحدیونسکو پذیرفته شد. با توجه به این که سرزمین افغانستان از نظر تاریخی مهم و دست نخورده باقی مانده بود، توجه کاوشگران کشورهای مختلف به سوی این کشور جلب شد. در این دوران، بعضی از آثار تاریخی موزیم ملی در فهرست آثار تاریخی یونسکو به ثبت رسید و کاوشگرانی از فرانسه، ایتالیا، آلمان و شوروی سابق، برای کشف آثار تاریخی افغانستان به کشور ما آمدند.

در زمان حکومت سردار محمد داوود خان و با کشف آثار مهم تاریخی که هر روزه از دل خاک بیرون کشیده می شد و به موزیم ملی در کابل منتقل میگردید، این موزیم به یکی از گنجینه های مهم منطقه تبدیل شد. از ویژه گی های مهم موزیم ملی افغانستان این بود، که تمام آثار به نمایش گذاشته شده در آن، از داخل کشور کشف گردیده بود.

آثار موزیم

برجسته کاری های مرمرین بودایی، عاج هندی، آثار سنگی متعلق به ماقبل تاریخ، برنزهای رومی، مسکوکات دوره های مختلف ، مجسمه های قبل از میلاد، بخشی از آثار موزیم ملی را تشکیل میدهد.

آثار تاریخی از دوران صدر اسلام نیز بخش دیگری از موزیم را تشیکل میداد، که از مهم ترین این آثار میتوان به قرآن کریم به خط کوفی منسوب به قلم حضرت عثمان بن عفان(رض) خلیفهٔ سوم اسلام، آیاتی از قرآن مجید منسوب به خط حضرت امام حسن و نیز به قرآن کریم خط کوفی که در سالهای ۱۳۳۴ هـ‌ش. در شهر « غلغله » کشف شده بود اشاره کرد.

از مهم ترین آثار هنری دیگر موزیم ملی افغانستان میتوان به آثار میناتوری از استاد

کمال الدین بهزاد اشاره کرد.

با توجه به کثرت آثار کشف شده، علاوه بر کابل در شهرهای هرات، میمنه، غزنی، بلخ و قندهار نیز چند موزیم بوجود آمد، که موزیم هرات با بیش از ۴۰۰۰ اثر تاریخی، بیشترین آثار را در خود جای داده بود.

عمراخان مسعودی از مسؤولان موزیم کابل با چند تن از همکارانش توانست که با تلاش مسلکی و وطندوستانهٔ خود در دوران جنگ های تحمیلی بیش از بیست هزار اثر موزیم را به جا های امن منتقل کرد، تا از بین نرود.

وی در سال ۱۳۸۴ خورشیدی جایزهٔ جهانی «شا هزاده کلاوس» هالند را به خا طر نجات آثار موزیم افغانستان دریا فت کرد. وی نهمین دریافت کنندهٔ جایزهٔ شاهزاده کلاوس به شمار میرود.

موزیم ملی افغانستان اکنون در دارلامان قرار دارد که تا سال ۱۳۷۱هـ . ش. نزدیک به ۱۰۰ هزار اثر تاریخی را در خود جای داده و یکی از جاذبه های توریستی مهم افغانستان به حساب می آمد. در ساختمان بازسازی شدهٔ موزیم ملی افغانستان اکنون نزدیک به ۴۰ هزار اثر قرار دارد که در میان آنها آثار برجای مانده از دوره های یونان- باختری، کوشانیان و دورهٔ اسلامی به چشم میخورد.

مجسمه های بودا و کتیبهٔ سرخ کوتل از مهمترین آثار موجود، در موزیم ملی افغانستان است که توجه هر بیننده یی را به خود جلب میکند.

کار باز سازی این موزیم با هزینهٔ ۳۵۰ هزار دالر در سال ۲۰۰۳ میلادی آغاز شد و یک سال بعد به پایان رسید.



* موزیم از کلمهٔ یونانی((mousein)) موزیون گرفته شده، در ابتدا برای معابد یونانیان به کار برده میشد؛ اما با گذشت زمان برای مکان یا محلی که در آن آثار مقدس و گرانبها نگهداری میشد به کار میرفت؛ ولی اکنون موزیم، محل و یا جایی را گویند که در آن آثار تاریخی و باستانی خیلی با ارزش که نمایانگر تاریخ و فرهنگ جامعه بوده و مربوط ادوار مختلف تاریخ یک کشور می باشد؛ جهت حفظ و نگهداری در آنجا گذاشته میشود تا از خطر ضایع شدن مصون باشد.

بیاموزیم

۱. موزیم ملی افغانستان برای اولین بار در سال ۱۲۹۷ هـ .ش. در منطقهٔ باغ بالای کابل، برای نگهداری آثار تاریخی تأسیس شد.

۲. در دورهٔ حکومت محمد ظاهر شاه، افغانستان عضویت سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی یونسکو را حاصل کرد و بعضی از آثار تاریخی موزیم ملی در فهرست آثار تاریخی یونسکو به ثبت رسید.

۳. برجسته کاری های مرمرین بودایی، عاج هندی، آثار سنگی متعلق به ماقبل تاریخ، برنزهای رومی، مسکوکات دوره های مختلف ، مجسمه های قبل از میلاد ، بخشی از آثار موزیم ملی را تشکیل میدهد.

۴. با توجه به کثرت آثار کشف شده ، علاوه بر کابل در شهرهای هرات، میمنه، غزنی، بلخ و قندهار نیز چند موزیم بوجود آمد که موزیم هرات بیش از ۴۰۰۰ اثر تاریخی را در خود جای داد.



۳. شرح و بسط موضوع

شرح و بسط مهمترین و اساسی ترین قسمت نگارش به حساب می آید. واضح است که مخلوط کردن این عناصر در نگارش ناپسند بوده از زیبایی مطلب میکاهد.

در درس گذشته در بخش آیین انشا و نگارش خواندیم، که نکات و مفاهیم اساسی مطلب که به شرح و بسط کافی ضرورت دارد، باید توسط نویسنده، موضوعات اصلی و فرعی دسته‌بندی گردیده موضوعاتی که قابل شرح اند؛ توضیح شود، در صورت امکان مثالهایی برای بیان مقصود آورده شود. مطلبی که بیان میگردد، باید با ارائهٔ دلایل منطقی به صورت روشن و آشکار توضیح داده شود تا خواننده، مقصود و پیام موضوع را به آسانی دریابد و به مشکل مواجه نگردد. شرح مطالب آنقدر هم زیاد و طولانی نباشد که باعث ملال خاطر خواننده گردد.

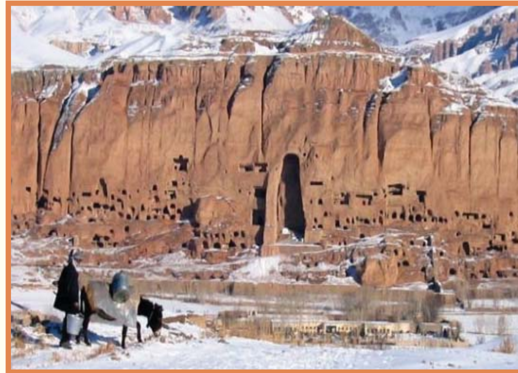
نویسنده بعد از توضیح مطلب با مهارت خاص موضوعی را که گسترده است با یک ارتباط دقیق، موضوعات را جمع بندی نموده به یک نتیجه گیری کلی از بحث برسد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ اهمیت موزیم ملی کشور با هم گفتگو نمایند.
۲. چند تن از شاگردان در مورد مسؤولیت های دولت و مردم برای حفاظت آثار تاریخی و جلوگیری از قاچاق آن سخنرانی کنند.

 املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر با استفاده از قواعد نگارش که خواندید متنی بنویسید و شرح و بسط موضوع را در آن نشان دهید.





خود آزمایی

۱. موزیم از کدام کلمه گرفته شده و به کدام مفاهیم به کار رفته است؟
۲. در مورد تأسیس موزیم ملی کشور چه میدانید؟
۳. کدام آثار در موزیم نگهداری میگردد؟
۴. عمرا خان مسعودی کیست و چه کار مهم را انجام داده است؟
۵. امروز چقدر ازآثار تاریخی در موزیم ملی باقی مانده است و مربوط کدام دوره هاست؟
۶. در نگارش یک مطلب شرح و بسط موضوع چقدر مهم پنداشته میشود؟



کارخانه گی

۱. در بارهٔ اهمیت آثار تاریخی نظریات تا ن را بنویسید.
۲. ابیات زیر راحفظ نمایید:

علم بال است مــرغ جانـت را ‌ ‌ ‌ بر سـپهـر او بـرد، روانـت را
علم دل را به جای جان بـاشد ‌ ‌ ‌ سـر بی علم بد گمان بــاشد
دل بی علم چشم بی نور است ‌ ‌ ‌ مرد نادان ز مردمی دور است

اوحدی مراغه یی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس چهاردهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. متن درس در بر گیرندهٔ خاطرهٔ کدام شخص است؟
۲. از بین متن کدام مشکلات معلولین را در جامعه در مییابیم؟
۳. برخورد نادرست مردم را با معلولین چگونه ارزیابی میکنید؟
٤. از لابلای درس کدام نکات مهم و با ارزش اخلاقی را میابید؟

در پایان معرفی، پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

من هم مانند شما هستم



من هم مانند شما یک انسان هستم. هم غم را می‌شناسم و هم خوشی را میدانم که چیست؟ من هم مثل شما میدانم، که چه خوب و چه بد است. فرق افرادی مثل من و شما انسانهایی که از سلامت کامل برخوردارید، فقط در این است، که ما به دلایل گوناگون یکی از اعضای بدن خود را از دست داده ایم و به نام معلول شناخته میشویم. بعضی افراد مانند من در اول انسانهایی سالمی بودند؛ ولی اکنون بر اثر عوامل ناخواسته درد معلول بودن را تحمل میکنند.

پس ای انسانهایی که در سلامتی قرار دارید، به خصوص آنانیکه عیب معلول بودن ما را بسیار ظالمانه به رخ ما میکشید و ما را می آزارید، بدانید که ما شما را دوست داریم و میتوانیم مثل شما در پیشرفت جامعه به نحوی سهم بگیریم.

ای انسانهای سالم، آیا شما گاهی فکر کرده اید؟ که چرا عده یی میکوشند معلولیت ما را به رخ بکشند؟ آیا خود شما از این جمله بوده اید؟ و یا اینکه اگر خود چنین نبوده اید؛ اما در برابر این چنین عمل غیر اخلاقی بی تفاوت بوده، هرگز برای اصلاح این روحیه تلاش و اعتراض نکرده سهمی در پاکیزه گی اجتماعی نگرفته اید؟

دوستان من، اجازه دهید خاطرهٔ خود را برایتان بنویسم. این خاطره هم تلخ است و هم شیرین. هم درآن نا امیدی را راه است و هم امید را سهمی.

«روزی در خانه یی مهمان شدیم. تصادفاً در جمع مهمانان، ما دو نفر معلول بودیم. صاحب خانه با مهربانی از ما استقبال کرد. مهمانان پیوسته می آمدند؛ اما هر کسی که از راه میرسید، اولین نگاهش ما را نشانه میگرفت؛ البته نباید بی انصاف بود و هر نگاه را نشان تحقیر و اهانت دانست. بعضی از مهمانان با ترحم بما میدیدند؛ اما بسیاری بدون آن که چیزی بر زبان بیاورند از حضور ما دلشاد نبودند.

مهمانی آغاز شده بود؛ اما به جز صاحب خانه که گاهی از ما خبری میگرفت، همۀ مهمانان در حلقه های خود نشسته بودند. فقط ما دو نفر که هر دو معلول بودیم، مجبور شدیم سر صحبت را بین خود بگشاییم. در این هنگام پیرمردی با مو های سفید وارد محفل شد. همه به احترام او برخاستند. او در حالی که با سر سلام همه را قبول میکرد؛ از کنار همه گذشته و مستقیم به سوی ما آمد. در چوکی خالی کنار ما نشست و با ما دست داد. چند دقیقه نگذشته بود، که دو سه مهمان دیگر وارد خانه شدند، یکی از مهمانان که میخواست ما صدایش را نشنویم به آنها گفت: بیایید در پهلوی این ها منشینید.

پیرمرد وقتی این سخن را شنید، خطاب به آن مرد با صدای آرام گفت: برادر عزیز، من و تو هم اگر به حادثه یی گرفتار آییم امکان دارد به این مشکل مواجه شویم؛ مگر ما انسانها را به خاطر دست و پای و چشم شان احترام میگذاریم یا به خاطر فکر و انسانیت شان؟ ما همه انسان هستیم و کرامت انسان مهمتر از همه چیز میباشد.

مهمانی که آن حرف را زده بود از گفتۀ خود خجل شده و ساکت گردید. پیرمرد با صدای بلند در حالی که تمام حاضران را مورد خطاب قرار داده بود گفت: خواهران و برادران گرامی که در این مهمانی حضور دارید، بیایید از همین جا عبرت بگیریم. باید انسانی که به هر دلیلی معلول شده است، چرا معلول بودنش بر جسته شده و تمام عمر از آن رنج بکشد؟ انسان های معلول از نظر حقوق انسانی و احترام اجتماعی نه تنها که هیچ کمی ندارند؛ بلکه اراده و کار بعضی از آنها نشان میدهد، که نسبت به بسیاری از انسانهای سالم به جامعه و اطرافیان خود بیشتر مفید واقع گشته اند.

کسی که معلولیت یک شخص را به رخش می کشد و عوض خطاب آن انسان به نام و یا حرفه و مهارت او، با عیب جسمی طبیعی و یا عیبی که از حادثه یی پیدا کرده، صدایش میکند در حقیقت خود از نظر اخلاقی معیوب و معلول است.

مهمانان گفته های پیر مرد روشن ضمیر را مورد تصدیق قرار میدادند. یکی از مهمانان که خانم جوانی بود، خطاب به پیرمرد گفت: «پدر محترم من به یاد ندارم، که در زنده گی کدام انسان را به خاطر معلول بودنش مورد توهین قرار داده باشم و از این جهت خود را در کمال آرامش وجدان حس میکنم.»

پیر مرد در جوابش گفت:« بلی دختر عزیزم! تو انسان بسیار خوبی هستی؛ اما با وجود آن این کار تو کافی نیست. هر انسان نه تنها به معلولین توهین نکند؛ بلکه بکوشد به دیگران نیز بفهماند که اهانت به معلولین اهانت به انسانیت است. کسیکه خود توهین نمیکند؛ اما در برابر توهین دیگران به معلولین بی تفاوت میماند و بدان اعتراض نمیکند، خواسته یا نخواسته در آن گناه شریک میگردد. برای ما دین مقدس اسلام و قوانین انسانی آموخته است که همه انسان ها را از نظر کرامت انسانی یکسان پنداشته به کمک هر انسان نیازمند بدون چشمداشت پاداشی بشتابیم.»

بلی چنین بود که صحبت های آن پیرمرد بر مهمانان تاثیر گذاشته در پایان مهمانی، ما خود را با دیگران یکجا یافتیم. این خاطره که با اندوه شروع شده بود. با خوشحالی برای من باقیمانده است.

از: فاروق فارانی



* متنی را که خواندید ، یک متن تحلیلی و در عین حال آموزشی و تربیتی است. ضرورت پاکسازی فکری، اخلاقی و معنوی جامعه مطالبی را طلب میکند، که آنرا به نام تحلیل موضوعات فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی یاد میکنند. این نوع بحث ها را فلسفهٔ عملی نیز مینامند که همان مبحث اخلاق را در بر میگیرد.

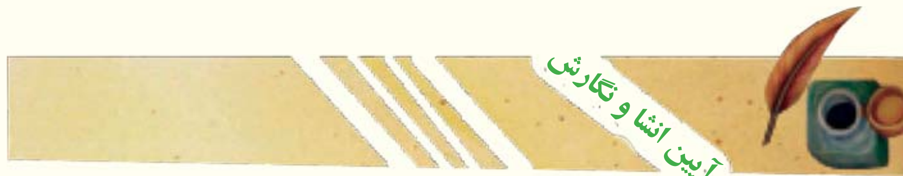
اجزای تحلیل بحث اخلاق و پرداختن به مشکل معلولین در جامعه در طی این نوشته معرفی گردید و از سوی دیگر باید بدانیم که خاطره و خاطره نویسی بخشی از ادبیات داستانی میباشد. و هر داستان دارای مقدمه، طرح موضوع، حل مشکل و نتیجه گیری میباشد، که در این داستان طرح مسأله، خاطرهٔ خاص یک معلول بود ، پرورش داستانی موضوع، طرح، حل مشکل و نتیجه گیری از موضوع معلولین به عنوان یک مشکل سراسری انسانی صورت گرفت و دریافتیم که معلولین در جامعه مانند سایر انسانها حق کامل دارند؛ نباید به آنها صرف ترحم نماییم؛ چرا که انسانها همه نه به خاطر اعضای وجود شان؛ بلکه بر پایهٔ اندیشه و کرامت انسانی خود محترم اند. پس چرا یک عده از انسانهای ناآگاه با معلولین آن طوری که شایستهٔ شان است بر خورد نمیکنند؟

ما باید توجه جدی داشته باشیم که به برخورد ناشایسته با معلولین نپرداخته و مهمتر

ازآن مانع شویم که انسانهای معلول از جانب کسان دیگری مورد توهین قرار نگیرند و بدانیم که مشکل معلولین در جامعه تنها به خود شان مربوط نبوده؛ بلکه این مشکل مربوط تمام جامعه انسانیست. ما منحیث یک انسان وظیفه داریم تا در مقابل بی توجهی به معلولین هرگز خاموش منشینیم.

بخوانیم و بدانیم

۱. انسان های معلول از نظر حقوق انسانی از سایر انسانها کم نیستند؛ بلکه اراده و کار بعضی از آنها نشان میدهد که نسبت به افراد سالم در جامعه بیشتر مفید واقع شدند.
۲. ما انسانها را به خاطر فکر و انسانیت شان احترام میگذاریم.
۳. ما همه انسان هستیم و کرامت انسان مهمتر از همه چیز میباشد.
۴. کسیکه خود توهین نمیکند؛ اما در برابر توهین دیگران به معلولین بی تفاوت میماند و بدان اعتراض نمیکند، در آن گناه شریک میگردد.
۵. یکی از ارزشهای اخلاقی اینست که در جامعه با تمام انسانها برخورد نیک داشته به شخصیت آنها احترام داشته باشیم.
۶. انسانهای آگاه با معلولین چنان رویه یی مینمایند، که هرگز آنها احساس کمبود نکنند.



٤. نتیجـه: در هر نوع نگارش چه کوتاه باشد چه طولانی نتیجه گیری از مطلب مورد نظر حتمی است. نتیجه خلاصۀ نگارش را باید در بر داشته باشد؛ البته حسن ختام درآن است، که نویسنده سخن خود را با الفاظ نرم، ملایم و دلکش به پایان برساند؛ زیرا آخرین چیزی که از نوشته در ذهن خواننده باقی میماند، همان نتیجه است. ازین رو لازم است، که نتیجه به صورت موجز در برگیرنده و مناسب همۀ موضوع باشد. اگر ایجاب میکرد با یک تبصرۀ شاعرانه یا یک بیت آنرا خاتمه بخشید.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و در رابطه به این که چگونه باید با انسان های معلول برخورد کرد؟ یک گروه از گروه دیگر پرسشهایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت نتیجهٔ درس را بیان کنند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ نتیجه گیری در نگارش با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.
۴. چند شاگرد به نوبت پیام اصلی درس را بیان نمایند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر پایین در کتابچه های تان متنی بنگارید و نتیجهٔ کلی آن را مشخص نمایید:





۱. چرا اصلاح جامعه و مردم از نظر برخورد با معلولین ضرور است؟
۲. آیا بی توجهی و سکوت ما در برابر کسانیکه برخورد نا درست با معلولین میکنند، صحیح است؟
۳. چگونه میتوان به کرامت انسانی سایر انسانها احترام گذاشت؟
۴. زمانیکه پیرمرد، پهلوی افراد معلول نشست، میخواست چه را برای سایر مهمانان سرمشق قرار دهد؟
۵. آیا اعتراض آن پیرمرد به کسانی که حرفهای ناشایست را به کار برده بودند درست بود؟
۶. آیا دین مقدس اسلام و اصول انسانیت اجازه میدهد، که ما به انسانهای معلول به خاطر مشکلی که دارند توهین نماییم؟
۷. کسانی که به معلولین اهانت روا میدارند و مشکل شان را به رخ شان میکشند چگونه انسانهایی اند؟
۸. نتیجه گیری در نگارش چه سود دارد؟



۱. اگر خاطرهٔ پیرامون معلولین دارید بنویسید و یا در بارهٔ بر خورد تان با معلولین معلومات دهید.
۲. ابیات زیر را به حافظه بسپارید:

بنی آدم اعضای یکدیگر انـد — که در آفرینش ز یک گوهراند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دگـر عضو هـا را نمانـد قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی — نشاید که نامت نهنـد آدمـی

سعدی

۳ . متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس پانزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سوالهای زیر باشد:

۱. ازدیاد نفوس شهری و تراکم وسایط ترانسپورتی چه تأثیرات مثبت و منفی را در قبال دارد؟
۲. محیط چگونه آلوده میگردد؟
۳. آلوده گی محیط زیست چه تأثیری روی زنده گی موجودات زنده میگذارد؟
٤. برای جلوگیری از آلوده گی محیط زیست چه باید کرد؟
٥. وظایف و مسؤولیت های ما، در حفظ محیط زیست کدام هاست؟

در پایان معرفی، سوالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

حفظ محیط زیست



ازدیاد نفوس شهری، انکشاف صنایع، استخراج معادن، تراکم و سایط ترانسپورتی، ایجاد تأسیسات فلزکاری و غیره. از یک سو امکانات رفاه و آسایش را برای بشر فراهم آورده است؛ از سوی دیگر موجب ضرر به محیط گردیده، زنده گی انسانها و سایر موجودات زنده را تهدید مینماید. اکنون معلوم گردیده است که ازدیاد نفوس شهری، فعالیت های صنعتی، ترانسپورتی و بهره برداری از ذخایر طبیعی را افزایش داده و موازی به آن آلوده گی آب، هوا و حتی خاک نیز افزایش یافته است. تجربه نشان میدهدکه در شهر های بزرگ جهان؛ مانند: لندن، توکیو و برخی از شهر های ایالات متحدهٔ امریکا هزاران تن از رهگذر آلوده گی هوا و تعداد بیشماری ازحیوانات بحری و بری از اثر آلوده گی آب و هوا جان خود را از دست داده اند.

برای جلوگیری از آلوده گی محیط زیست و عواقب ناگوار آن در اکثر کشور های جهان برنامه های وسیع روی دست بوده و در حال تطبیق است. برخی از این کشور ها مسایل مربوط به محیط زیست را در نصاب تعلیمی مکاتب شامل نموده، سعی مینمایند که هر فرد جامعه به نوبهٔ خود از خصوصیات محیطی خود آگاه بوده در حفظ و نگهداشت آن سهیم باشد.
درکشور ما افغانستان مشکلات زیادی؛ مانند: تخریب زمینهای زراعتی، توسعهٔ صحرا، محدود شدن منابع آبی، قطع جنگلها، محو و نابودی حیات وحش و بالاخره آلوده گی مناطق شهری دامنگیر مردم بوده، روز تا روز به آن افزوده میشود.

چند دهه جنگ این وضعیت را بیشتر از پیش وخیمتر ساخته است. فرش ماینها، مهاجرت ها تخریب خانه ها، دهکده ها، مکاتب، چشمه ها، کاریز ها، قطع و حریق جنگل ها، قطع درختان کنار جاده و صدها عوامل دیگر اند که به مشکلات محیطی این سرزمین افزوده است. اگر وضع بدین منوال ادامه یابد، ممکن است فاجعه یی رخ دهد، که غیر قابل جبران باشد؛ بنابران بهتر است که همه اعم از ارگانهای دولتی، مؤسسات غیر دولتی، سازمانهای اجتماعی و حتی اشخاص و افراد مسلکی دست به دست هم داده یک فضای سالم محیطی را فراهم سازند.

مشکلات محیط زیست در افغانستان بسیار زیاد است، که تعدادی از آن ها را یاد آور میشویم و راه های حل آن را جستجو مینماییم.

نبود سیستم کانالیزا سیون که منشأ اصلی آلوده گی آب و هوا در شهر ها میباشد؛ سبب بروز امراض ساری گردیده، صحت و سلامت شهروندان را به مخاطره میاندازد. نبود شبکه های آبرسانی یکی از مشکلاتی است که در اغلب شهر های کشور به مشاهده میرسد. شهروندان بیشتر از چاه های آب استفاده مینمایند. این چاه ها نسبت این که به نظافت آنها توجه لازم صورت نمی گیرد. بعضاً آلوده گردیده، مشکلات صحی را بار میاورد؛ همچنان در بسیاری از شهر ها مردم از وسایط ترانسپورتی خیلی کهنه و پر دود استفاده مینمایند. این نوع موتر ها که روز تا روز به تعداد آنها افزوده میشود، هوای شهر ها را آلوده ساخته، مزاحمت های زیادی را در جریان زنده گی مردم به بار می آورند.

عدم علاقه به ایجاد کمربند های سبز محافظوی و یا احداث جنگلها در اراضی برهنه و عاری از فرش درخت همچنان مسأله یی است که کشور ما را از مزایایی فرشهای سبز نباتی بی بهره میسازد. قسمت اعظم ساحهٔ کشور، دشت، کوه و یا صحرا است به منظور ایجاد محیط سالم، نیاز به طرح و تطبیق پلانهای وسیع جنگل کاری می باشد که باید مورد توجه قرار گیرد.

راه های جلوگیری از مشکلات محیط زیست

۱. منع قطع تمام جنگلهای طبیعی
۲. منع شکار حیوانات وحشی به خصوص حیواناتی که در معرض انقراض قرار دارند.
۳. ایجاد و توسعه شبکه های کانالیزاسیون و شبکه های آب آشامیدنی در شهر ها.
۴. تجهیز و سایط نقلیه به و سیلهٔ فلتر های تصفیه.
۵. طرح و تطبیق پلان های و سیع برای گسترش جنگل در اطراف شهرها و ساحات برهنه.

در کشور ما که سیستم کانالیزاسیون رواج ندارد؛ از بیت الخلاهای آزاد استفاده میشود. گاهی این بیت الخلاها به کوچه ها سرازیر گردیده، محیط کوچه را که محل عبور و مرور مردم و جای بازی اطفال است؛ آلوده می سازد. علاوه برآن بسیاری از خانواده ها عادت دارند، که مواد زاید غذایی، خاک جاروب و صابون آب را که منبع فاسفیت بوده و خیلی مضر است؛ روی کوچه های عمومی میندازند، که این خود به آلوده گی محیط خانه ها و کوچه های عمومی میفزاید. این آلوده گی در اثر بارانهای تند، آبهای جویها، دریاها و حتی چاه ها را که همه روزه مورد استفادهٔ مردم قرار دارد آلوده می سازد امراض گوناگون را که صحت و سلامت انسان را به مخاطره میندازد به بار می آورد.

این موضوع را باید بدانیم، که خداوند(ج) در زمره هزاران نعمت بزرگ خویش که برای بشر ارزانی فرموده، یکی هم ماحول و محیط زیست سالم انسان است که بشر به بهترین وجه از آن سود برده و شکر نعمت هایش را به جا آورد.

با پیشرفت ساینس و تکنالوژی در قرن بیستم این موضوع واضح گردید که علم و تکنالوژی اگر از یکطرف رفاه و آسایش را به ارمغان آورده از سویی دیگر چهرهٔ مداخله های بشر را بر طبیعت برملا ساخته که اثرات سوء و ناگوار آن، بقای انسان را به سوی نابودی میکشاند. دانشمندان محیط زیست پس از تحقیقات اثرات ناگوار مداخلات انسان را بر طبیعت به دیدهٔ شک و تردید نگریسته و اعلام نمودند. اگر مداخلات انسان در طبیعت بدین منوال ادامه یابد، بقای بشر بر روی کرهٔ زمین به خطر مواجه میگردد.

و ظایف و مسؤولیت ما در برابر محیط زیست

به منظور زنده گی با سعادت و آیندهٔ درخشان وظیفهٔ تمام مردم است، که در حفظ محیط زیست سهم ارزنده داشته باشند، اگر بخواهیم با جهان رقابت سالم داشته باشیم، ضرور پنداشته میشود که موضوع محیط زیست را در نظر داشته و در حفظ آن سعی نماییم. تخریب و آلوده گی محیط زیست دو قسم صورت میگیرد: یکی آلوده گی طبیعی و دوم تخریب محیط زیست توسط انسان.

پس باید در جهت حفظ محیط زیست توجه جدی مبذول گردد. از قطع جنگلات جلوگیری به عمل آمده، مردم از انداختن کثافات به روی سرک ها و کوچه ها خود داری نمایند و در پاک نگهداشتن محیط خانه، مکتب، کوچه و شهر تلاش همه جانبه نموده صحت

و سلامت خود و همو طنان خود را تضمین کنند. می باید همهٔ شهروندان به ارزش و اهمیت محیط زیست پی برده و با در نظر داشت این موضوع که حفاظت از محیط زیست وظیفهٔ اسلامی و وطنی هر فرد میباشد وظایف و مسؤولیت خود را در برابر کشور ادا نمایند.

بیاموزیم

۱. با ازدیاد نفوس شهری فعالیت های صنعتی، ترانسپورتی و بهره برداری از ذخایر طبیعی افزایش یافته و موازی به آن آلوده گی آب ، هوا و حتی خاک نیز افزایش می یابد.
۲. در افغانستان مشکلات زیادی؛ مانند: تخریب زمینهای زراعتی، توسعهٔ صحرا، محدود شدن منابع آبی، قطع جنگلها، محو و نابودی حیات وحش و آلوده گی محیط زیست دامنگیر مردم این سرزمین بوده، روز تا روز به این مشکل افزوده میشود.
۳. به منظور زنده گی با سعادت و آیندهٔ درخشان وظیفهٔ تمام مردم است، که در مسایل و موضوعات محیط زیست سهم ارزنده داشته باشند.
۴. باید در زمینهٔ حفظ محیط زیست توجه جدی مبذول گردد. از قطع جنگلات جلوگیری به عمل آمده، مردم از انداختن کثافات بروی سرک ها و کوچه ها خود داری نمایند.
۵. باید به ارزش و اهمیت محیط زیست پی برده ، با در نظر داشت این موضوع که حفاظت از محیط زیست وظیفهٔ، اسلامی و وطنی هر فرد میباشد وظایف و مسؤولیت خود را در برابر کشور ادا نماییم.



تنوع در نگارش فقره ها و جمله ها

در نگارش، صورت جمله ها و فقره ها باید از هر نظر متنوع باشد. در برخی صنوف ابتدایی شاگردان در اثنای حکایت یا نوشتن یک دو حرف ربط؛ مانند: و، خو، باز... را پیوسته و تکرار در هر جا به کار میبرند. این عادت تکرار که متأسفانه بعضی اشخاص در بزرگ سالی هم دارند، خوشایند نیست؛ زیرا نوشتهٔ های شان را خسته کن می سازد؛ بنابرین در نوشتن تنوع در ترکیب کلمه ها، فقره ها و جمله ها در نظر گرفته شود. با آنکه فقره ها منظم و مرتب باشد؛ اگر از جملات طولانی پر پیچ ترکیب گردیده باشند، خسته کن جلوه میکنند. پس باید از جملات مختلف (جمله های ساده، پرسشی، امری و...) استفاده کرد. تنوع در نگارش فقره ها و جمله ها نوشتهٔ ما را زیبا ساخته، ما را به حیث یک نویسندهٔ موفق در جامعه تثبیت میکند.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به حفظ محیط زیست، یک گروه از گروه دیگر پرسشهایی طرح نماید.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد مشکلات محیطی سخنرانی نمایند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ تنوع در نگارش فقره ها و جمله ها با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.
۴. چند شاگرد به نوبت در مورد راه های حل مشکلات محیطی نظریات شان را ابراز نمایند.

 املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر زیر در کتابچه های تان یک متن ادبی بنویسید و در نگارش آن تنوع در فقره ها و جمله ها را رعایت نمایید.





خود آزمایی

۱. آلوده گی محیط زیست چه تأثیری بالای زنده گی موجودات زنده میگذارد؟
۲. عوامل ایجاد مشکلات محیط زیست در افغانستان کدام ها اند؟
۳. کدام راه های حل را برای رفع مشکلات محیطی باید در نظر گرفت؟
۴. تخریب و آلوده گی محیط زیست چند قسم صورت میگیرد؟
۵. ما هر کدام به نوبهٔ خود چگونه میتوانیم سهم خود را در حفاظت محیط زیست ادا نماییم؟
۶. تنوع در نگارش فقره ها و جمله ها چه تأثیری روی نوشتهٔ ما دارد؟
۷. چه باید کرد تا نوشتهٔ ما خسته کن جلوه نکند؟



کارخانه گی

۱. مشکلات محیط زیست در منطقهٔ تان را لست نموده راه های حل آن را پیشنهاد نمایید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

بـی آزاری و راستـی بـرگـزین — چو خواهی که یابی به داد آفرین

فردوسی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سوالهای زیر باشد:

۱. پروین اعتصامی کی بود و از چند ساله گی به سرودن شعر پرداخت؟
۲. اندیشه های او چگونه در اشعارش انعکاس یافته است؟
۳. او در شعر از کی پیروی میکرد؟
٤. اولین دیوانش در کدام سال توسط کی به چاپ رسید؟
٥. پروین در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٦. اشعار او را چگونه ارزیابی میکنید؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

پروین اعتصامی



پروین اعتصامی شاعر نامدار معاصر از سخنوران توانای شعر فارسی دری است. وی در سال۱۲۸۵ هـش. در خانواده یی که اهل علم و ادب بودند در ایران متولد شد. جدش میرزا ابراهیم خان مستوفی و پدرش یوسف اعتصام الملک نویسنده و مترجم چیره دستی بود که بر علاوهٔ زبان مادریش به زبانهای ترکی، عربی و فرانسوی نیز تسلط کامل داشت.

پروین در کودکی همراه پدر به تهران رفت و به تحصیل ادامه داد. و از سن سیزده ساله گی به سرودن شعر پرداخت و همواره استادان و صاحب نظران از قریحهٔ سرشار و استعداد عالی او دچار حیرت میشدند. طلوع کوکب درخشان طبع پروین در آسمان ادب پارسی شگفت انگیز بود. وی در سال ۱۳۱۳ هـ .ش. با پسر کاکایش ازدواج کرد؛ اما این ازدواج دوام نیافت و او بعد از یک سال مجبور به جدایی شد.

پروین در قصاید خود ازحیث الفاظ پیرو شاعران قرن پنجم و ششم به خصوص ناصر خسرو بلخی است و در قطعات و مثنوی های پر ارزش و غزل ها و غیره سخن او بیشتر رنگ سخن عراقی را دارد و غالباً ساده و روان است؛ اما اندیشه های وی، نو و متضمن نکات مهم اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است. تمثیلات نغز و اندرزهای حکیمانهٔ او در همهٔ آثارش مایهٔ اعجاب خواننده میشود. او در غالب آثار خویش به حیث مادری مهربان است که

با فرزندان دلبند خود سخن میگوید و به نصیحت و اندرز آنها میپردازد. پروین اعتصامی در خلق مناظرات و پرسش ها و پاسخ هایی که غالباً میان اشخاص، اشیا، جانوران و گیاهان ترتیب میدهد و از آن طریق به نتایج اخلاقی میرسد دست توانایی داشته است. روح انسان دوستی، مهربانی و شفقت را میتوان از سطر سطر اشعار او دریافت. پروین منادی اخلاق، تهذیب نفس و عزت انسانی بود. شعرش زمزمهٔ درس محبت است. وی تقریباً در همهٔ آثارش شاعری حقیقت جو و واقع بین بوده و درک او نسبت به مبدأ حیات روشن و تحت تاثیر اعتقادات دینی و اندیشه های عرفانی می باشد.

نخستین دفتر شعر پروین اعتصامی در سال۱۳۱۴ هـ .ش. به همت برادرش انتشار یافت و بی درنگ نظر محافل ادبی، به خصوص زنان را که رفته رفته برای شرکت جستن در امور اجتماعی به عرصهٔ جامعه وارد میشدند، به خود جلب کرد و سبب تشویق آنها گردید. دیری نگذشت که پروین در شمار معروفترین سخنوران زمان خود قرار گرفت و اشعارش قبول عام شد. پروین سرانجام در سال ۱۳۲۰هـش. به بیماری حصبه(محرقه) مبتلاشده در سن ۳۵ ساله گی وفات یافت و در شهر قم به خاک سپرده شد.

نمونهٔ سخن

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست
در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
به هیچ مبحث و دیباچه یی، قضا ننوشت
برای مرد کمال و برای زن نقصان
زن از نخست بود رکن خانهٔ هستی
که ساخت خانهٔ بی پای بست و بی بنیان؟
زن ار به راه متاعب نمی گداخت چو شمع
نمی شناخت کس این راه تیره را پایان
چو مهر،گرکه نمی تافت زن به کوه وجود
نداشت گوهری از عشق، گوهر اندرکان
فرشته بود زن، آن ساعتی که چهره نمود
فرشته بین، که برو طعنه میزند شیطان
گر فلاطون و سقراط، بوده اند بزرگ
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
به گاهوارهٔ مادر، به کودکی بس خفت
سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره، شاگرد این دبیرستان
حدیث مهر، کجا خواند طفل بی مادر؟
نظام و امن، کجا یافت ملک بی سلطان؟
وظیفهٔ زن و مرد، ای حکیم، دانی چیست؟
یکی است کشتی و آن دیگری کشتیبان
چو نا خداست خرد مند و کشتیش محکم
دگر چه باک ز امواج و ورطه و توفان
به روز حادثه، اندریم حوادث دهر
امید سعی و عمل هاست هم از ین هم ازآن
همیشه دختر امروز، مادر فرداست
ز مادر است میسر، بزرگی پسران
اگر رفوی زنان نکو نبود، نداشت
به جز گسیخته گی، جامهٔ نکو مردان
توان و توش ره مرد چیست، یاری زن
حطام و ثروت زن چیست مهر فرزندان
زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود
طبیب بود و پرستار و شحنه و دربان
به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق
به روز سانحه، تیمارخوار و پشتیبان
ز بیش و کم، زن دانا نکرد روی ترش
به حرف زشت، نیالود نیکمرد دهان
چه زن، چه مرد،کسی شد بزرگ و کامروا
که داشت میوه یی از باغ علم، در دامان
زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان
کسی است زنده که از فضل، جامه یی پوشد
نه آن که هیچ نیرزد، اگر شود عریان
چه حلهٔ یی است گران تر زحیلت دانش؟
چه دیبه یی است نکوتر زدیبهٔ عرفان؟
نه بانو است که خود را بزرگ می شمرد
به گوشواره و طوق و به یارهٔ مرجان
چو آب و رنگ فضیلت به چهره نیست، چه سود
ز رنگ جامهٔ زربفت و زیور رخشان
برای گردن و دست زن نکو، پروین
سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان



* ناصر خسرو بلخی یکی از شاعران و نویسنده گان قرن پنجم هجری به شمار میرود، وی در سرودن اشعار تعلیمی که حاوی پند و اندرز است دست بالایی داشته است.
* عراقی: فخرالدین ابراهیم متخلص به عراقی از غزلسرایان و عارفان قرن هفتم هجری بود،که مجموع اشعارش به ۵۸۰۰ بیت میرسد.
* لقمان حکیم: بعضی از مؤرخان او را پسر کاکای ابراهیم (ع) میدانند. نام او در قرآن کریم صریح آمده است و به حکمت منسوب است.

بیاموزیم

۱. پروین اعتصامی شاعر نامدار معاصر ایران از سخنوران توانای شعر فارسی دری است. وی در سال۱۲۸۵ هـش. در خانواده یی که اهل علم و ادب بودند پا به عرصه هستی نهاد.
۲. او از سن سیزده ساله گی به سرودن شعر پرداخت و همواره استادان و صاحب نظران از قریحهٔ سرشار و استعداد خارق العادهٔ او دچار حیرت میشدند.
۳. اندیشه های وی، نو و متضمن نکات مهم اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است، تمثیلات نغز و اندرز های حکیمانهٔ او در همهٔ آثارش مایهٔ اعجاب خواننده میشود.
۴. پروین منادی اخلاق، تهذیب نفس و عزت انسانی بود.
۵. نخستین دفتر شعر پروین اعتصامی در سال۱۳۱۴ هـش. به همت برادرش انتشار یافت.



انتخاب واژه و تعبیر

در نگارش هر معنایی را میتوان به تعبیر های گوناگون بیان کرد. در انتخاب تعبیر مناسب، چند شرط را باید رعایت کرد: نوع نوشته، مخاطب، مقصودی که در نظر است. در نوشته های علمی، واژه ها و تعبیرات به معنای حقیقی خود به کار میروند؛ اما در نوشته های خیال انگیز، از جمله شعر و داستان، گاهی به حکم ضرورت، تعبیر های غیر مستقیم؛ مانند: مجاز، کنایه و تمثیل را باید برتر شمرد؛ مثلا: در نوشته های علمی شب همان شب است؛ ولی در شعر زلف به شب تشبیه میگردد و یا جهالت و نادانی به تاریکی شب مانند میشود.

در هر زبانی، الفاظی هست که دلالت به نمادی(سمبول) دارد؛ مانند: کبوتر (صلح)، باز(جنگ)، نرگس(خود شیفته گی، شوخ چشمی)، مورچه(سخت کوشی)، یخ (سردی و سکوت) خارا (سختی)؛همچنین گاهی، به جای نام بردن از چیزی، عنوانی به کار میبرند که صفت شاخص آن چیز است و ردالتعبیرخوانده میشود؛ مثل: شاه ستاره گان(خورشید)، عروس آسمان(ماه) مهتر عالم (حضرت رسول اکرم (ص)، دبیر فلک (عطارد) و....

کاربرد این گونه واژه ها و تعبیرات، نوشتهٔ ما را زیبا و جالب می سازد.

بهره جویی از مثل ها نیز هم سخن را رنگین و هم معانی را خوش گوار مینماید. مثل ها در هر زبانی بار های فرهنگی دارند، که سوابق اساطیری، تاریخی، آداب، رسوم و باور های مردمی را منعکس می سازند.

بهره گیری درست از گنجینهٔ لغوی برای آراستن سخن به شرطی میسر است که با مناسبات انواع کلمات آشنا باشیم؛ مثلا: بدانیم چه صفتی را به چه موصوف میتوان نسبت داد یا چه فعلی را در چه بافتی میتوان به کار برد؛ همچنین باید مترادفات، متضاد ها، نماد ها، ردالتعبیر ها را شناخت و هر عنصر جمله را در جای مناسب آن به کار برد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند، در مورد شخصیت ادبی پروین اعتصامی و چند تن از شاعران زن در ادبیات دری بحث و گفتگو نمایند و از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲. چند تن از شاگردان به نوبت در مورد نقش زنان در ادبیات سخنرانی نمایند.

 املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.

۲. در بارهٔ تصویر زیر با در نظر داشت قواعد نگارش که در بالاخواندید، متن ادبی بنویسید.





خود آزمایی

۱. در مورد زنده گی پروین اعتصامی و فعالیت های ادبی وی چه میدانید؟
۲. شعری را که از پروین اعتصامی خواندید در مورد چه بود؟
۳. مفهوم شعر پروین اعتصامی را طور خلاصه بیان کنید؟
۴. نگارش علمی و ادبی از لحاظ کاربرد واژه ها چه تفاوت دارد؟
۵. در انتخاب مناسب تعبیرات کدام شرایط را باید رعایت کرد؟
۶. ردالتعبیر چیست با مثال واضح سازید؟
۷. چگونه میتوان از گنجینهٔ لغوی در آراستن سخن استفاده نمود؟



کارخانه گی

۱. شعری را که خواندید به نثر تبدیل کنید.
۲. بیت زیرین را حفظ نمایید:

نرگس از چشم تو دم زد بر دهانش زد صبا   درد دندان دارد اکنون میخورد آب از قلم

صایب تبریزی

۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده گی بگیرید.

درس هفدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای پایین باشد:

۱. نقش انسان در اجتماع چگونه ثابت میشود؟
۲. تبعیض در جامعه چه پیامد هایی را در قبال دارد؟
۳. دین مبین اسلام چه نقشی را در زنده گی انسانها از نظر تفاهم ایفا نموده است؟
٤ پیام اصلی درس چیست؟

در پایان معرفی، پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

تفاهم و همدیگر پذیری



تابستان بود، خورشید گرمتر از هر وقت میدرخشید. روز های زیبایی بود، من و بچه های هم سن و سالم در صنف دهم درس میخواندیم . همه روزه با شوق و علاقهٔ فراوان به طرف مکتب روان میشدیم و درس ها را با دقت زیاد دنبال میکردیم. در صنف ما بچه های با هوش و با استعداد زیاد بودند هر یک تلاش میکردند تا از دیگرا ن پیشی بگیرند. آنچه فضای صنف را بر هم میزد جنگ و جدال بچه ها بود. در میان همه طارق، رجب علی، تیمور و حسن بیشتر باهم در گیر بودند. آنها در مکتب و بیرون از مکتب همواره به جنگ میپرداختند. این حالت مرا سخت آزار میداد. هر چند من و احمد کوشش میکردیم که آنها را بفهمانیم تا از جنگ و جدال دست بکشند؛ اما هیچ سودی نداشت.

روزی معلم داخل صنف شد و بچه ها را پریشان یافت و با بسیار مهربانی پرسید: شاگردان عزیز، چرا همهٔ تان پریشان به نظر میرسید؟ بچه ها بدون این که لب به سخن

بگشایند سر بر زیر انداخته خاموش ماندند. معلم با زیرکی موضوع را دنبال کرد تا آن که به اصل موضوع پی برد و با این پرسش درس را آغاز کرد.

شاگردان عزیز، چگونه میتوانید باهم در فضای برادری، برابری، تفاهم و همدیگر پذیری زنده گی نمایید؟

شاگردان جوابهای مختلف دادند. معلم درس را چنین آغاز نمود:

انسان موجودیست اجتماعی، هیچ انسانی را نمیتوان دریافت که دور از اجتماع به تنهایی زنده گی نماید این امر نا ممکن است. زمانی نقش انسان در اجتماع ثابت میگردد، که در برابر همنوعانش مهربان بوده، حس انسان دوستی را در نهاد خود تقویه نماید و بدون در نظر داشت زبان، مذهب، قوم، ملیت و نژاد با تمام انسانها برخورد نیک داشته در فضای برادری، برابری، اتفاق و اتحاد با تفاهم و همدیگر پذیری زنده گی کنند؛ زیرا همهٔ انسانها در جامعه دارای حقوق مساوی میباشند.

یکی از اساسات عمدهٔ خود ارزشی خویش را به حیث یک انسان با دیگران مساوی دانستن است. در جامعه یی که انسانها به اساس قوم، طبقه، رنگ، نژاد و جنسیت از حقوق شان محروم ساخته میشوند و ارزش کرامت انسانی را نمیدانند؛ درحقیقت اینگونه تبعیض باعث ایجاد بدبینی، حساسیت و تنفر شده عواقب ناگوار را در قبال دارد. در این حال صلهٔ رحم، درک حالت و مجبوریت های طرف مقابل و واقعبینی ضعیف میشود، یا از بین میرود. در اثر ضعیف شدن درک حالت طرف مقابل است که از حقوق حقهٔ آن چشم پوشی صورت میگیرد.

دین مبین اسلام در سلسلهٔ ادیان سماوی یگانه دینی است که با طرح و پیریزی اساسات بشر دوستانه اجتماعات بشری را به وسیلهٔ عاطفه و ترحم با هم وصل نموده و تقویه روحیه بشر دوستی را راه مهم و اصل با اهمیت تنظیم و بهبود حیات اجتماعی میداند.

تاریخ به و ضاحت نشان میدهد که در دوره های قبل از اسلام انسانها در دریای پرتلاطم ظلم و بیداد، اسارت و برده گی، خونریزی و آدمکشی و دیگر مفاسد اخلاقی دست و پا میزدند تا آنکه آفتاب درخشان اسلام جهان را روشن گردانید و به انسانها درس نوع پروری، بشر دوستی، همدیگر پذیری و صلح و صفا آموخت و به پیروان خود امر نمود که برادروار با هم زنده گی نمایند. قبل از بعثت حضرت محمد مصطفی(ص) فرزندان عرب تشنه به خون یکدیگر بودند. قبیلهٔ دشمن قبیلهٔ دیگری بود و همچنان در خانواده ها سلسله جنگهایی آشتی ناپذیر و طولانی موجود بود؛ اما وقتیکه حضرت محمد(ص) مبعوث شدند نه تنها به خون ریزی های ناحق پایان داده شد؛ بلکه رشتهٔ محکم دیگری را نیز با خود آورد که عبارت از دین بود و این رشته محکم توانست اقوام از هم دور و متفرق را باهم وصل نماید. بین قبایل مختلف چنان رابطهٔ برقرا کرد که مردم عداوت های دیرنهٔ خود را کنار گذاشتند.

چنانچه از ترجمهٔ این آیت متبرکه بر میاید خداوند (ج) میفرماید: «ای مومنان از خداوند بزرگ بترسید چنانچه میباید. ممیرید مگر در حالیکه مسلمان باشید. به دین خداوند با اتفاق و اتحاد متمسک شوید و از تفرقه خود داری نمایید و نعمت پروردگار را که به شما ارزانی فرموده به یاد آرید آن وقت که با هم دشمن بودید. پس خداوند در دلهای تان الفت و محبت انداخت و در اثر آن میان شما رشتهٔ اخوت و برادری بر قرار گردید.» سوره آل عمران: ۱۰۲- ۱۰۳

حضرت نبی کریم (ص) فرموده اند: رابطهٔ مسلمان بامسلمان مانند دیواریست که بعض آن با بعضی دیگر آن استحکام میبابد؛ یعنی همچنانکه خشت های دیوار با هم پیوند و ارتباط دارد و به تخریب برخی از آن، عمارت با خطر انهدام مواجه میشود، مسلمانان هم در صورت تفرقه و عدم تعاون با یکدیگر، نظام اجتماعی خود را از دست داده در منجلاب بدبختی به سوی تباهی سقوط مینمایند.

از این حدیث مبارک پیامبر اسلام، نوع دوستی، اتحاد و اتفاق اسلام هویداست، که بنیاد انسانیت به نوع دوستی و برادری استوار میباشد بدون در نظر داشتن این اصل کاخ حیات اجتماعی استحکام نخواهد یافت. نوع دوستی، نفع رسانی به همنوعان، زیست باهمی، معاونت با تهی دستان ، احترام متقابل و سایر محاسن اجتماعی از اساسات دین مقدس اسلام به شمار میرود.

پس باید همهٔ ما در خانواده، مکتب و بالاخره در سطح اجتماع با تفاهم و همدیگر پذیری زنده گی نماییم. زنده گی در فضای صمیمیت، دوستی، اتحاد و اتفاق سبب پیشرفت و ترقی کشور ما میگردد. بدین ترتیب ما رسالت خود را در برابر وطن و مردم به حیث یک فرد مسلمان ایفا مینماییم.

زمانیکه درس به پایان رسید بچه ها به اشتباه خود پی بردند و هر کدام خود را ملامت نمودند. طارق، تیمور، رجب علی و حسن که بیشتر از همه خود را مقصر میدانستند؛ از یک دیگر معذرت خواستند و همدیگر را در آغوش گرفتند و در مقابل همه عهد بستند که کوشش میکنند تا همدیگر را درک کرده با تفاهم مشکلات شان را حل نمایند. بچه ها همه درس معلم را مؤثر دانستند و تفاهم و همدیگر پذیری را سر مشق زنده گی خویش قرار دادند. من بی اندازه خوشحال شدم و همان روز گویا در لباس نمی گنجیدم و با خوشی تمام به طرف خانه روان شدم.

بیاموزیم

۱. انسان موجودیست اجتماعی، زمانی نقش انسان در اجتماع ثابت میگردد، که در برابر همنوعانش مهربان بوده، حس انسان دوستی را در نهاد خود تقویه نماید.

۲. دین مبین اسلام یگانه دینی است که با طرح و پیریزی اساسات بشر دوستانه اجتماعات بشری را به وسیلهٔ عاطفه و ترحم با هم وصل نموده و تقویهٔ روحیهٔ بشر دوستی را راه مهم و اصل با اهمیت تنظیم و بهبود حیات اجتماعی میداند.

۳. نوع دوستی، نفع رسانی به همنوعان، زیست باهمی، معاونت با تهی دستان ، احترام متقابل و سایر محاسن زنده گی اجتماعی از اساسات دین مقدس اسلام به شمار میرود.

۴. مسلمان واقعی کسی است، که بدون در نظر داشت زبان، مذهب، قوم، ملیت و نژاد با تمام انسانها برخورد نیک داشته در فضای برابری، اتفاق و اتحاد با تفاهم و همدیگر پذیری زنده گی نماید.



کار برد دقیق کلمات: در نگارش هر قدر کلمات و لغات بیشتر بدانیم کار ما آسانتر شده، میتوانیم توجه خواننده را جلب نماییم و نکته یی دیگر آنست، که باید بر اهمیت فرق بین کلمات آگاهی داشته باشیم.

وقتی میتوانیم حاکمیت خویش را بر زبان بیشتر سازیم، که ذوق بکار بردن کلمات دقیق را در خود انکشاف دهیم. بین کلماتی که یک معنای مشترک دارند تشخیص و امتیاز قایل شویم. این کار در نتیجهٔ مطالعه و تمرین حاصل میگردد. هر قدر کلمات را در جای معین به کار بریم و در کار برد کلمات در نگارش دقیق باشیم نوشتهٔ ما زیبا میاید.

چند نکته را باید در نظر داشت:

۱. پیشوند ها و پسوند ها و ریشه های معروف را باید آموخت. چنین معلومات در به کار بردن کلمات دقیق و حصول معنای کلمات غیر مانوس ما را کمک میکند.

۲. وقتی معنای کلمه یی در کتاب لغت یا فرهنگ دیده میشود، کلمات مترادف، متضاد، و مشابه آن نیز مطالعه گردد.

۳. لغت هایی را که تازه در هنگام مطالعه با آن برمیخوریم باید در کتابچه یادداشت بگیریم.

۴. کوشیده شودکه، کلمات و اصطلاحات علمی را در یک هفته و کلمات فلسفی را در هفته

دیگر و به همین قسم کلمات مختلف را در هفته های ما بعد مطالعه و یادداشت بگیریم.

۵. تبدیل نمودن نظم به نثر و بر عکس آن. این روش ذخیرهٔ لغت را زیاد می سازد؛ زیرا گاهی شخص مجبور میشود فکر یک جملهٔ نثر را در نظم به یک کلمه افاده کند و با نثر کردن شعر ها کلماتی را دریابد که معانی و تفسیر های هیجانی شاعر را به طور واضح نشان دهد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ تفاهم و همدیگر پذیری با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.

۲. دو شاگرد به نوبت در بارهٔ مزایای همدیگر پذیری در مقابل صنف سخنرانی نمایند.

۳. در گروه های پنج نفری راجع به کاربرد کلمات در نگارش صحبت کنید. و نمایندهٔ هر گروه خلاصهٔ مطالب را برای دیگران بیان نماید.

 املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود املا بنویسید.

۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید و با در نظر داشت درس آیین نگارش در کاربرد کلمات دقت نمایید.





خود آزمایی

۱. شاگردان چرا با هم جنگ و جدال میکردند چی باعث شد تا آنها به اشتباه شان پی ببرند؟
۲. در ترجمهٔ آیتی که خواندید خداوند (ج) بیشتر روی کدام موضوع تأکید نموده است؟
۳. بنیاد انسانیت به چی استوار است؟
۴. کدام موضوعات اساسات دین مقدس اسلام را تشکیل میدهد؟
۵. از درس چه نتیجه گرفتید؟
۶. در درسی که خواندیدکدام نکته بیشتر حایز ارزش بود؟
۶. در کدام صورت میتوانیم حاکمیت خود را بر زبان بیشتر سازیم؟
۷. تبدیل نمودن نظم به نثر، در نگارش چه تأثیر دارد؟
۸. کدام نکات را در به کارگیری کلمات در نگارش رعایت نماییم؟



کارخانه گی

۱. در مورد اینکه در بین اعضای خانواده تفاهم ایجاد شود، کدام راه ها را پیشنهاد میکنید؟ شماره وار بنویسید.
۲. بیت پایین را حفظ نمایید:

پس زبان محرمی خود دیگرست
همـدلـی از همزبـانی بهترسـت

مولانا

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس هجدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤالهای زیر باشد:

۱. در گذشته بلخ به کدام نام ها یاد میگردید؟
۲. شهر بلخ به وسیلۀ کی ها ویران شد؟
۳. بلخ از لحاظ فرهنگی چگونه شهر ی بوده است؟
٤. بلخ مرکز کدام مدنیت بود؟
٥. از چهره های برجستۀ بلخ نام ببرید.
٦. در بارۀ شهر مزار شریف چه میدانید؟

در پایان معرفی، سؤالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بلـخ باستـان



بلخ یکی از ولایت های باستانی کشور ما است،که به نام های ام البلاد (مادر شهر ها) قبة الاسلام، بلخ بامی و شهر شاهان اساطیری و پیشدادی معروف است. این شهر از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در طول قرن ها اهمیت فراوان داشته است.

بلخ که روزگاری باختر نامیده می شد، یکی از شهر های مشهور و آبادان جهان بود. این شهر به وسیلۀ سربازان چنگیز کاملاً ویران و مردمش قتل عام گردید و دیگر نتوانست آن عظمت پارین خود را باز یابد. خرابه های بلخ قدیم اکنون ناحیۀ وسیعی را اشغال کرده‌است.

بلخ منطقۀ حاصل‌خیز و نقطۀ پیوند برای بازرگانی میان شرق و غرب، و نیز برای بیش از هزار سال، محلی برای تبادلات بازرگانی و هنری بود.

در افغانستان ده قرن قبل از میلاد، تمدن باشکوه با روش های اجتماعی و اقتصادی

وجود داشت و هنر در جامعه راه خود را گشوده بود.

پادشاهان قدیم بلخ عبارت بودند از : پیشدادیان، کیانیان، اسپه ها که در شاهنامه فردوسی و روایات مؤرخان نیز از آن ها یاد شده است. اگر به گذشته نظر کوتاهی بیندازیم در میبابیم، که آریانای کهن در محور شهر باستانی بلخ مدنیت درخشان پنجهزار ساله را داشت. مدنیتی که شامل افغانستان کنونی، هند، فارس (ایران) و آسیای میانه میگردید. قبل از گسترش دین مقدس اسلام، مدنیت آریایی به عنوان یکی از تمدن های باستانی در تاریخ قدیم جهان همیشه بحث های علمی دارد. بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردشتی بود. زردشت خود اهل و متولد شهر بلخ بود و به قول بیشتر مستشرقین زادگاه زردشت را بلخ، باختر و یا (بخدی) میدانند.

بنا بر روایتی بنیادگذار بلخ، جمشید (یَما) بوده‌است. در زمانهای پیش از اسلام بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردشتی بود و در دوره‌های فرمانروایی خاندان موریایی هند و کوشانیان از مراکز دین بودایی و محل معبد معروف «نو بهار» بود.

اولین حملهٔ مسلمانان به بلخ در سال ۶۵۲ م. (۳۲ هـ ق.) به سرکرده گی احنف بن قیس صورت گرفت. بلخ در سال ۴۳ هـ ق. دوباره به تصرف مسلمانان درآمد؛ ولی در زمان قتیبهٔ بن مسلم(متوفی۹۶ هـ . ق.) بود که کاملاً مغلوب آنان شد. در دورهٔ اعراب، بلخ همراه با هرات، نیشاپور و مرو یکی از چهار رکن خراسان بود. در سال ۱۱۸ هـ . ق. اسد بن عبدالله قسری پایتخت خراسان را از مرو به بلخ منتقل کرد و این شهر رونق یافت.

عمرو لیث صفاری نزدیک بلخ مغلوب اسماعیل سامانی شد و به قتل رسید و بلخ تحت سلطهٔ سامانیان درآمد. در سال ۴۵۱ هـ ق. سلجوقیان تصرفش کردند و در دورهٔ تیموریان ۹۱۱ هـ ق. تا اندازه‌یی شکوه گذشته را باز یافت؛ ولی پس از بنای مزارشریف در بیست کیلومتری آن، بلخ رو به انحطاط گذاشت.

امروز در ولایت بلخ که یکی از ولایات شمال افغانستان و مرکز آن شهر مزار شریف است به فاصلهٔ تقریباً بیست کیلومتر به سوی شمال در کنار شاهراه بلخ – جوزجان شهر کوچک بلخ موقعیت دارد . این شهر کوچک همان شهرباستانی بلخ است که باکلمهٔ ویدی بهاکری رابطه داشته و این کلمه بعدها در زبان یونانی باکتریا گردید، که مرکز معروف مدنیت گریک و بودیک بود. بلخ مرکز ولایت های باکتریا و تخارستان گردید. زبان دری با تخارستان رابطه دارد و گاهوارهٔ رشد و نموی آن باکتریا و تخارستان بوده است. شهرکوچک بلخ امروز نیز بازماندهٔ این مدنیت های باستانی را درسینهٔ خود دارد. در دورهٔ اسلامی، بلخ یکی از مراکز عمدهٔ این مد نیت شد و به **قبة** الاسلام بلخ شهرت یافت.

در شهر کوچک بلخ امروز نیز مزارهای بزرگان دین، عرفای عالی مقام و شعرای بزرگ

دیده میشود. ازجا های دیدنی این شهر کوچک، ویرانهٔ مدرسهٔ سبحانقلی خان، مسجد و معبد خواجه محمد پارسا، مسجد نه گنبد، مزار محمد بن حسین خطیبی پدرکلان حضرت مولانا، مزار رابعهٔ بلخی، مزارخواجه عکاشه وغیره میباشد.

پروژهٔ بازسازی شهرکوچک بلخ درسال ۱۳۱۲هـ . ش. مطابق ۱۹۳۴م. شروع شد. امروز مزار و مسجد خواجه محمد پارسا در مرکز این شهر واقع است. بلخ یکی ازمراکز صنایع پنبه، پوست قره قل و قالین میباشد. بادام کاغذی و خربوزهٔ بلخ هم در سراسر افغانستان شهرت دارد.

شعرای بزرگ و دانشمندان عالی مقام چون رابعهٔ بلخی، دقیقی بلخی، عنصری بلخی، ابن سینای بلخی، ابوالمؤید بلخی، شهید بلخی و ستارهٔ درخشان ادب عرفانی ما حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی از همین شهر برخاسته اند. خوشبختانه امروز ولایت بلخ هنوز مهد وکانون فرهنگی است، که نویدآیندهٔ درخشان فعالیت های علمی و فرهنگی این ولایت را با خود دارد. مکتب های نوبهار بلخ، شقیق بلخی وفریدهٔ بلخی نیز در شهرکوچک بلخ موقعیت دارد. شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ است و یکی از شهر های فرهنگی کشور بوده که اعمارتی بر مقبره حضرت علی (رض) در عصر حکومت سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علی شیر نوایی بنا شده که شهر را رونق بیشتر داده است. در آغاز سال نو مردم از سراسر افغانستان و کشور های همسایه جهت تجلیل از میله عنعنوی نوروز عازم شهر مزار شریف میشوند. در این ایام شهر مزار شریف پر از مهمان میباشد. مردم مزارشریف مهماندار بوده مانند سایر مردم کشور ما مهمان نواز استند و از مهمانان شان پذیرایی گرم مینمایند.

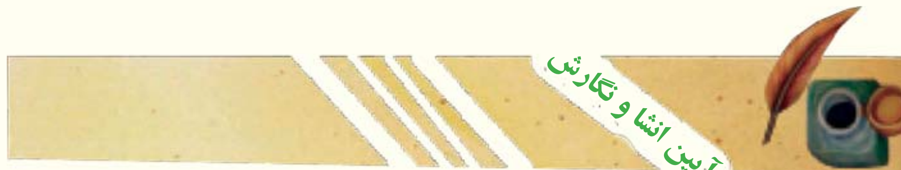


* پیشدادی: نخستین سلسلهٔ آریایی که به روایت شهنامه فردوسی شاهان آن از کیومرث شروع و به گرشاسپ ختم میشود.
* اسطوره: صورت عربی شدهٔ واژه هستوریا به معنای افسانه، قصه و سخن پریشان است که جمع آن اساطیر میشود.
* مسجد خواجه پارسا: این مسجد از دورهٔ تیموری باقی مانده است که دارای مشخصات معماری آن دوره میباشد. این مسجد به یاد بود خواجه ابو نصر بن محمد بن محمودحافظی بخارایی در سال۸۵۶ هـق. توسط حاکم بلخ میر فرید ارغون ساخته شد.
* مسجد نه گنبد: این بنا قدیمی ترین مسجد اسلامی در افغانستان است. نظر به گفتهٔ باستان

شناسان این مسجد قبلاً معبد بودایی بوده که در دورهٔ اسلامی به مسجد تبدیل گردید.
* مدرسهٔ سبحانقلی خان حاکم بلخ که در قرن ۱۷ م ساخته شده است. این مدرسه مانند مدارس بخارا بوده و۱۵۰ اتاق داشته که افراد زیادی در آن درس میخواندند. این مدرسه در جریان جنگ های پیهم تخریب گردیده است.

بیاموزیم

۱. بلخ ولایت باستانی کشور ما است که به نام های ام البلاد(مادر شهر ها)، **قبة الاسلام**، بلخ بامی یادشده است.
۲. این شهر از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در طول قرن ها اهمیت زیادی داشته است.
۳. شعرای بزرگ و دانشمندان عالی مقام چون رابعهٔ بلخی، دقیقی بلخی، عنصری بلخی، ابن سینای بلخی، ابوالمؤید بلخی، شهید بلخی و ستارهٔ درخشان ادب عرفانی ما مولانا جلال الدین محمد بلخی از همین جا برخاسته اند.
۴. بلخ منطقهٔ حاصل‌خیز و نقطه یی پیوند برای بازرگانی میان شرق و غرب، و نیز برای بیش از هزار سال، محلی برای تبادلات بازرگانی و هنری بود.
۵. آریانای کهن در محور شهر باستانی بلخ مدنیت درخشان پنجهزار ساله را داشت. مدنیتی که شامل افغانستان کنونی، هند، فارس (ایران) و آسیای میانه میگردید.
۶. خوشبختانه امروز ولایت بلخ مهد و کانون فرهنگی است، که نوید آیندهٔ درخشان فعالیت های علمی و فرهنگی این ولایت را با خود دارد.
۷. بلخ یکی ازمراکز صنایع پنبه، پوست قره قل و قالین میباشد. بادام کاغذی و خربوزهٔ بلخ هم در سراسر افغانستان شهرت دارد.
۸. شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ است و یکی از شهر های فرهنگی کشور بوده که در آن اعمارتی بر مقبرهٔ حضرت علی (رض) در عصر حکومت سلطان حسین بایقرا بنا شده و شهر را رونق بیشتر داده است.



توجه به قواعد دستوری

توجه به دستور زبان موجب جلوگیری از اشتباهات در نگارش میگردد و به ما کمک میکند،که جمله چیست؟ چه سبب میشود که جمله های بهتر، ساده، واضح و قوی ترتیب گردد. همین

که قواعد دستوری را در نگارش در نظر بگیریم فاعل، فعل، قید هر کدام آن را در جایگاه مناسب به کار ببریم، نوشته ما عاری از نواقص خواهد بود. در سراسر نوشته باید قواعد دستوری را رعایت کنیم و ارکان و اجزای جمله را در جای مناسب آن به کار ببریم.
چند نکتهٔ مهم را در نظر باید داشت:
الف– نخست جمله ها باید تا حد امکان کوتاه، کامل و رسا باشند؛ چنانکه خواننده منظور نویسنده راخوب بفهمد.
ب– اگر نهاد(مبتدا) جمله جاندار باشد، لازم است که فعل جمله متناسب با آن باشد. یعنی با نهاد مفرد، فعل مفرد و با نهاد جمع، فعل به صیغهٔ جمع به کار رود. به جمله های پایین دقت کنید :

انسان پاک رستگار میشود. (درست)
انسانهای پاک رستگار میشوند. (درست)
انسانهای پاک رستگار میشود. (نادرست)

ج– حذف فعل یا بخشی از آن باید به قرینهٔ لفظی صورت گیرد، مگر در موارد خاص؛ مانند: جمله های تعجبی که حذف فعل، بدون قرینهٔ لفظی هم عیبی ندارد. در هرحال، اگر تکرار فعل به زیبایی فعل لطمه نزند، فعل جمله را کامل بنویسید؛ اما یک حذف نادرست، از ارزش نوشتهٔ شما میکاهد.
مثال:

ما وارد و به کار پرداختیم. (نادرست است–شدیم بدون قرینه حذف شده است.)
ما وارد و مشغول کار شدیم. (درست است– حذف «شدیم» به قرینهٔ لفظی است.)

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ سپس هر گروه در بارهٔ مدنیت های بلخ باستان با هم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان نماید.
۲. دو شاگرد به نوبت در بارهٔ یکی از چهره های پر افتخار بلخ باستان در مقابل صنف سخنرانی نمایند.
۳. در دسته های پنج نفری راجع به شهر یا منطقهٔ زیست خود صحبت کنید. اگر در محل زیست شما هم آثار تاریخی وجود داشته باشد و یا صنایع محلی آن مشهور باشد؛ در بارهٔ آن باهم مشوره کنید و نمایندهٔ هردسته خلاصهٔ مطالب را برای دیگران بیان نماید.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود املا بنویسید.
۲. در مورد این تصویر متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





خود آزمایی

۱. بلخ در گذشته به کدام نامها یاد می شد؟
۲. بلخ درکدام سمت افغانستان واقع است؟
۳. از چند شاعر و دانشمند بلخ نام بگیرید.
۴. آثار تاریخی بلخ کدام ها اند؟
۵. توجه به قواعد دستوری در نگارش چه اهمیت دارد؟



کارخانه گی

۱. در بارهٔ میلهٔ عنعنه یی گل سرخ متنی بنویسید.
۲. این بیت را حفظ کنید:

آشنایی های ظاهر پردهٔ بیگانه گیست   آب و روغن است در یک جویبار از هم جدا

بیدل

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

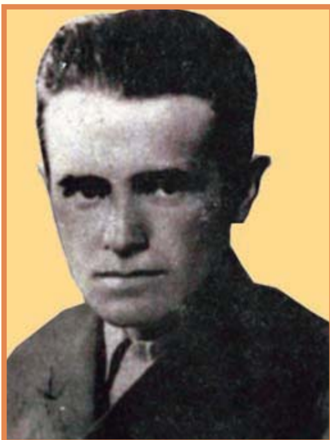
درس نزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤالهای زیر باشد:

۱. شاه عبدالله بدخشی کی بود؟
۲ . در مورد تحصیلات و فعالیتهای بدخشی چه میدانید؟
۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٤. او چه کار هایی را انجام داد؟
۵. آثار او را چگونه ارزیابی میکنید؟

در پایان، سؤالها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

شاه عبدالله یمگی بدخشی



شاه عبدالله یمگی بدخشی یکی از چهره های بارز ادبیات کشور فرزند محمد سید خان در سال ۱۲۹۱ هـش. در جرم بدخشان چشم به جهان کشود؛ وی تعلیمات نخست را تا صنف چهارم در مکتب رشدیهٔ زادگاهش فرا گرفت؛ سپس مقدمات زبان عربی و علوم دینی را آموخت و جهت آموزش بیشتر رهسپار کابل گردیده و در لیسهٔ غازی شامل شد. بار نخست در سال ۱۳۰۸ هـش. به حیث خزانه دار جرم، کارمند گمرک در زیباک و تالقان به کار گماشته شد و پس از یک سال در ریاست تنظیمهٔ ولایت قطغن و بدخشان به کتابت گماشته شد؛ در سال ۱۳۱۲هـ ش. در آنجا مدیر تحریرات شد. در سال۱۳۱۶ هـ ش. صدراعظم کشور او را به کابل فرا خواند و شاه عبدالله تا سال ۱۳۲۶ هـ .ش. در صدارت عظمی وظیفهٔ مدیریت داشت. وی از فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. چندی بعد عضو انجمن ادبی کابل گردید.

یمگی با وجود سرگرمی های امور اداری لحظه یی از تحقیق و آموزش باز نمی نشست. وی به زبانهای دری، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی آشنایی داشت و در میان روشنفکران از محبوبیت زیادی برخوردار بود. وی پس از بر کناری امان الله خان، به جرم طرفداری از او، در خان آباد زندانی شد. بعد از آن سالها در تبعید به سر برد و در سالهای پایانی عمر، به بیماری سل مبتلا شد، برای درمان به هند سفر کرد و چند بار هم در شفا خانهٔ علی آبا د بستری

گردید و در سال۱۳۲۷ هـ . ش. در سن ۳۶ ساله گی و فات یافت. جسدش را در مرکز جرم بدخشان انتقال داده در گورستان آباییش به خاک سپردند.

آثار شاه عبدالله یمگی بدخشی

۱. ارمغان بدخشان : این اثر نخستین اثر شاه عبدلله است، که در سال ۱۳۱۱هـ . ش. در بارهٔ شاعران بدخشان نگاشته شده است؛ وی این تذکره را که به شیوهٔ تازهٔ تذکره نگاری نوشته بود که درسه مجلد به نشر رسید. بار دیگر به کوشش فرید«بیژند» با نگارش مقدمهٔ کوتاه و افزایش معرفی چند تن از شعرای متأخر در سال۱۳۶۷هـش. به تیراژ دو هزار نسخه در مطبعهٔ کابل به چاپ رسید. در آغاز این کتاب داکتر عبدالاحمد جاوید نیز سرآغازی برآن نگاشته است، که پیشینهٔ فرهنگی بدخشان را یاد آوری میکند.

۲. فرهنگ علما و فقهای افغانستان: این اثر شناسنامهٔ ۳۲۴ تن از رجال نامور، دانشمند، فقیه محدث، عارف و پیشوای مذهبی است، که از زمان امام ابو حنیفه(رح) تا سدهٔ هفتم هجری قمری را در بر میگیرد. وی میخواست این فرهنگ را به معاصران خود بکشاند؛ اما مرگ مجال تکمیل آن را برایش نداد و این اثر ناتمام ماند.

از سبک و شیوهٔ نگارش آن چنین بر میاید که این اثر به صورت **دایرة** المعارف به ترتیب الفبا نوشته شده است. یمگی در تألیف این اثر بیشتر از کتب و مآخذ عربی استفاده کرده است.

۳. تاریخ یفتلی ها: این اثر یک تحقیق تاریخی میباشد که نویسنده دوران امپراتوری یفتلی ها را در آن بررسی کرده است.

۴. قاموس زبانهای آریایی افغانستان: این کتاب، فرهنگ لغات زبانهای پامیری میباشدکه در دو جلد ترتیب شده است. جلد نخست آن شامل واژه گان لهجه های (گویشهای) موجود پامیری (اشکاشمی، منجی، زیباکی، روشانی و شغنی) بوده. این مجلد از طرف ریاست«پشتو تولنه» به نام «د افغانستان د ځینو ژبو او لهجو قاموس» در سال ۱۳۳۹هـ ش. با افزایش واژه های پشتو به جای معادل عربی آنها در کابل به چاپ رسیده است.

شاه عبدالله بدخشی مقدمهٔ شیوایی در مورد اسلوب تحقیق زبانها و علم زبانشناسی معاصر و رشته بندی آن به ویژه زبانشناسی مقایسی، که میتوان با استفاده از آن پیوند های کهن سال مردمان گوناگون و وجوه مشترک زنده گی آنها را که در گذشته های دور با هم اشتراکاتی داشته اند؛ و درگوشه های جهان که اکنون دور از هم زنده گی میکنند؛ با استفاده از گویش آنها را رد یابی کرد. جلد دوم در شرح واژه گان شغنی، پراچی و پشه یی میباشد، که تا هنوز به چاپ نرسیده است. افزون برین مقالات و نوشته هایی نیز از او به صورت جداگانه در مجله های کابل و آریانا به چاپ رسیده است.

یمگی مانند سایر ادبای بدخشان ذوق شعری هم داشت، که یکی از غزلهایش را به گونهٔ نمونه

میخوانیم:

غیر من هیچ کسی تشنهٔ دیدار تو نیست — عاشق موی میان و گل رخسار تو نیست
لاله تنها نبود خون به دل از شوق رخت — یکدلی نیست که زین واسطه افگار تو نیست
نگهٔ مست تو تاراج دل زارم کرد — فتنه‌ها نیست که در دیدهٔ بیدار تو نیست
ماه من شهرت رویت به جهان شور افگند — چه حوادث که درین صفحه رخسار تو نیست
والهٔ حسن جهان سوز تو خوبان جهان — کو عزیزی که درین مصر خریدار تونیست

رسته از تربت یمگی به تماشای تو گل
چه توان کرد درین منظره آثار تو نیست



* یمگان یکی از دره های سرسبز و خوش آب و هوای بدخشان است. این ساحه از کوه های انجمن، سرچشمهٔ دریای کوکچه آغاز میابد و تا شهرک جرم بدخشان ۱۵۴ میل فاصله را در بر میگیرد. در جنوب آن نورستان و در جنوب غربش پنجشیر واقع است. کان لاجورد در درهٔ کران در انتهای جنوبی آن که از سالیان دراز بدین سو مورد استفاده قرار دارد، بیش از همه آن را معروف ساخته است. روزگاری یکی از شاخه های اساسی شاهراه ابریشم یمگان و حوالی آن بوده است که بخارا، هندوستان، چین وکابل را باهم وصل میکرد و اهمیت استراتیژیک تجارتی داشت. از دیر زمان گاه شاهان محلی و زمانی زمامداران خراسان ماوراءالنهر و هندوستان بران حکم میراندند.
* شاه محمد سعید خان از معزیزین بدخشان بود؛ در دورهٔ امانی حاکم درواز و هوا خواه نهضت مشروطه به شمار میرفت.

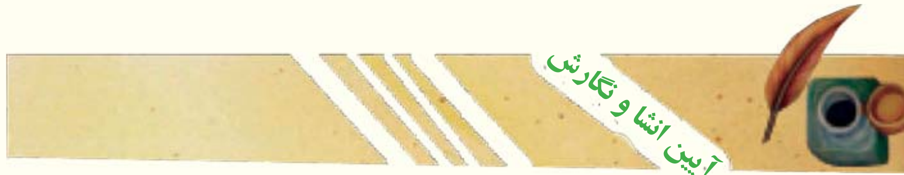
بیاموزیم

۱. شاه عبدالله یمگی بدخشی فرزند محمد سعید خان در سال ۱۲۹۱هـ.ش. در جرم بدخشان چشم به جهان کشود.
۲. یمگی تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش فرا گرفت؛ سپس مقدمات زبان عربی و علوم دینی را آموخت و تحصیلاتش را در لیسهٔ غازی کابل به پایان رسانید؛ سپس از فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی فارغ التحصیل شد.

۳. یمگی با وجود سرگرمی های امور اداری لحظه یی از تحقیق و آموزش باز نمی ایستاد. وی به زبانهای دری، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی آشنایی داشت.

۴. شاه عبدالله پس از بر کناری امان الله خان، به جرم طرفداری از او، در خان آباد زندانی شد. بعد از آن سالها در تبعید به سر برد و در سال۱۳۲۷ هـ . ش. در سن ۳۶ ساله گی وفات یافت.

۵. آثار شاه عبدالله یمگی بدخشی عبارتند از: ارمغان بدخشان، فرهنگ علما و فقهای افغانستان، تاریخ یفتلی ها، قاموس زبانهای آریایی افغانستان، حقوق در اسلام و افزون برین مقالات و نوشته هایی نیز از او به صورت جداگانه در مجله های کابل و آریانا به چاپ رسیده است.



توجه به املا در نگارش: یکی از مهمترین و عمده ترین موضوعات در نگارش، درست نوشتن کلمات میباشد. هرگاه توجه به املا صورت نگیرد؛ معنای کلمات و جمله ها تغییر کرده باعث پراکنده گی در نوشتهٔ ما میگردد و خواننده را به مشکل مواجه ساخته معنای درست از آن گرفته نمیتواند. در املای واژه ها و وصل و فصل ترکیب ها باید دقت داشته باشیم و هرگز لغاتی که املای درست آنرا نمیدانیم، به کار نبریم یا به کتاب لغت مراجعه نماییم. گاهی تلفظ نادرست هم موجب اشتباه در املا میگردد.

چند راهنمایی برای املای کلمات

فعلهایی که با (ا) شروع میشود؛ مانند: « افکندن، انداختن، اندوختن، افراشتن، افتادن» هرگاه با جزء پیشین «ب» یا«ن» همراه شود، حرف (ا) به صورت «ی» در می آید:

ب+ افکندم   بیفکندم
ب+ انداختیم   بینداختیم
ب+ اندوز   بیندوز
ب+ افتادند   بیفتادند
ب+ افزود   بیفزود

فعلهاییکه با (آ) شروع میشوند؛ مانند:«آمدن، آوردن، آسودن، آراستن، آشامیدن و آلودن»

هنگام پیوستن به جز پیشین «ب» علامت مد آن به «ی» تبدیل میشود:

ب + آمد	بیامد
ب + آوردیم	بیاوردیم
ب + آلودند	بیالودند

چنین ننویسیم	**چنین بنویسیم**
سئوال	سؤال
مسئله	مسأله
هیئت	هیأت
جرئت	جرأت
مسئول	مسؤول
زکوة و صلوة	زکات و صلات
داود، کاوس	داوود، کاووس
طاوس	طاووس

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به شخصیت و فعالیت های شاه عبدالله یمگی بدخشی، یک گروه از گروه دیگر پرسشهایی طرح نمایند.

۲. یک یک نفر از شاگردان به نوبت در مورد اهمیت آثار شاه عبدالله بدخشی سخنرانی نمایند.

۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ این که چگونه می توانند نشانه گذاری را در نگارش مراعات نمایند، با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در بارۀ تصویر زیر در کتابچه های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه گذاری را رعایت نمایید.



منظرۀ ولایت بدخشان



۱. شاه عبدالله بدخشی کی بود؟
۲ . در مورد تحصیلات و فعالیتهای شاه عبدالله بدخشی چه میدانید؟
۳. شاه عبدالله چرا زندانی شد؟
۴. قاموس زبانهای آریایی افغانستان اثر کیست و در چند جلد نگاشته شده است؟
۵. ارمغان بدخشان در برگیرندۀ کدام موضوع میباشد؟
۶. نشانه گذاری در نگارش چه اهمیت دارد؟
۷. هرگاه در نگارش توجه به املا صورت نگیرد با چه مشکل روبه رو خواهیم شد؟



۱. یک تن از شخصیت های ادبی و فرهنگی کشور را که در متن نامی از آنها برده شده است نظر به علاقمندی تان معرفی نمایید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

ره نیک مردان آزاده گیر　　　چو ایستاده یی، دست افتاده گیر

سعدی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس بیستم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال های زیر باشد:
۱. عوامل اعتیاد چیست ؟
۲. عوامل فردی و اجتماعی اعتیاد کدام ها اند ؟
۳. آیا داشتن دوستان ناشایسته در اعتیاد شخص نقش دارد ؟
در پایان معرفی، سؤال ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

عوامل اعتیاد به مواد مخدر



استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن میتواند، عوامل متعدد و مختلفی داشته باشد؛ از قبیل عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، جنگها، مهاجرتها و غیره. از میان عوامل فوق به طور مشخص میتوان از دو عاملی که نسبت به عوامل دیگر در اعتیاد و روی آوردن افراد به مواد مخدر بیشتر تأثیر گذار اند نام برد، که عبارتند از: عوامل فردی و عوامل اجتماعی.

عوامل فردی: تمامی اسباب و علت هایی که از خود شخص منشأ گرفته و منتج به اعتیاد وی به مواد مخدر میگردد بنام عوامل فردی یاد میشوند. در زیر نمونه ها و مثال های عوامل فردی را که باعث اعتیاد یک شخص به مواد مخدر میگردد نام میبریم :

دورۀ نو جوانی: پر مخاطره ترین دوران از نظر رو آوردن به مواد مخدر دورۀ نوجوانی است. در این دوره نزد بعضی افراد دارای تربیت ضعیف و سست اراده میل به استقلال و مخالفت با والدین به اوجِ میرسد. چنین اشخاص به خاطر خود نمایی، ارزشهای خانواده گی را زیر پا مینمایند. علاوتاً حس کنجکاوی که از خصوصیات بارز این دوره است باعث تشویق فرد به مصرف مواد مخدر میگردد.

عدم اعتماد به نفس: عدم اعتماد به نفس و یا عوامل دیگر شخصیتی با مصرف مواد ارتباط دارد. به هر اندازه یی که شخص ارادۀ ضعیف، فقدان کنترول بر خواهشات نادرست و تربیت ناپذیری و بالاخره ضعف اعتماد به نفس داشته باشد به همان پیمانه زود تر به مخدرات آغشته میشود.

اختلال روانی/ افسرده گی: بیشترین موارد اعتیاد به مواد مخدر با اختلال روانی رابطه دارد که بارزترین آنها همانا افسرده گی، اختلالهای شخصیتی و اجتماعی میباشد.
بی سرپرستی: بعضی از جوانان و نوجوانان در موقعیت ها و شرایطی قرار دارند، که آنها را در معرض خطر مصرف مواد مخدر قرار میدهد . مهمترین این موقعیت ها بی سرپرستی و یا فرار آنها از خانه میباشد . جوانان در همچو موقعیت ها زود تر و آسانتر شکار آلوده گی به مواد مخدر میشوند.

نگرش مثبت به مواد مخدر: یکی از عوامل اعتیاد به مواد مخدر پیدا کردن نگرش مثبت و قضاوت خوش بینانه نسبت به مخدرات است. بعضی از معتادان فکر میکنند، که گویا مواد مخدر در رفع درد های جسمی و خسته گی، کسب آرامش روانی، روحیۀ قوی و بخشیدن جرأت و غیره خیلی مؤثر است؛ درحالیکه اعتیاد به مواد مخدر سر انجام این قدرتها را از انسان ها میگیرد .
تأثیرات مؤقت و زود گذر مواد مخدر بر فرد: مواد نشئه آور و مخدر مثل الکول، هرویین، کوکایین و غیره بعضی اوقات به ویژه در مراحل آغازین استعمال، یکنوع سرخوشی و آرامش کاذب را به همراه دارد، که این حالت افراد معتاد را وادار به مصرف دایمی مواد مخدر میکند؛ بدون اینکه از پیامد های ناگوار و عواقب وخیم آن آگاهی داشته باشند.

عوامل اجتماعی: نابسامانی های موجود در محیط خانواده و یا اجتماع که به نحوی منجر به اعتیاد اشخاص به مواد مخدر می گردد به نام عوامل اجتماعی یاد میشود .
در زیر چند عامل اجتماعی را که سبب مبتلا شدن یک فرد به مواد نشئه آور میگردد، به گونۀ مثال ذکر مینماییم:
* عدم مراقبت جدی و غفلت والدین از فرزندان شان.
* داشتن دوستان ناشایسته و معتاد به مواد مخدر.
* نبود قوانین و مقررات جدی بر ضد مواد مخدر و یا ضعف در تطبیق قوانین.
* موجودیت بازار خرید و فروش مواد مخدر.
* بیکاری یا نداشتن مصروفیت سالم.
* عدم موجودیت تبلیغات مؤثر علیه مواد مخدر .
* محرومیت های اجتماعی نوجوانان، جوانان و حتی بزرگ سالان.
* فقر اقتصادی و یا غنای اقتصادی.
* عدم آگاهی از دساتیر و احکام اسلامی و اخلاقی.

* عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر به خصوص اضراری که در دراز مدت ظاهر میگردد.

تحقیقاتی که بالای معتادان تحت مداوا انجام شده است، نشان میدهد که اکثر یت معتادان افرادی اند، که قبل از اعتیاد دچار عقده های حقارت، افسرده گی، گوشه گیری و حس بد بینی نسبت به همنوعان بوده اند و اغلباً با خانواده های خویش روابط نادرست داشته و یا در کشمکش با اعضای خانواده قرار داشته اند.

در حقیقت میتوان گفت: که فشار های روانی، عقده ها، احساس خود کم بینی و محرومیت ها درحدود ۸۰ فیصد عامل اساسی روی آوردن افراد به مواد مخدر میباشد. در پهلوی عوامل فوق یکعده عوامل دیگری نیز در روی آوردن افراد به مواد مخدر تأثیر گذار است:

شکست در زنده گی افرادی، که در اهداف خویش ناکام مانده اند. برای رهایی از فشار های روحی و افسرده گی، به مواد مخدر پناه میبرند؛ همچنان کسانیکه دارای شخصیت ضعیف بوده و در اجتماع مورد توجه قرار نمیگیرند دچار عقدۀ حقارت میگردند و در صدد آن میشوند، که خود را به شکلی از اشکال تبارز بدهند، تا مورد توجه قرار گیرند و مردم به آنها احترام قایل گردند. برای حصول این مقصد این اشخاص عقده مند میخواهند به خود یک شخصیت ولو کاذب هم باشد بسازند، که پناه بردن به مواد مخدر و از آن طریق توجه مردم را به خود جلب نمودن یکی از این موارد است.



* هیرویین: یکی از مشتقات تریاک بوده و نام کیمیاوی آن«دی استیل – مورفین» میباشد. در سال ۱۸۷۴م. توسط یک دانشمند انگلیسی کشف شد . این ماده توسط عملیه تقطیر از مورفین استحصال میشود.

هیرویین یک ماده مخدر بسیار قوی و کشنده بوده و قدرت مسموم کننده گی پنج برابر مورفین را دارا و خاصیت اعتیاد آوری آن خیلی شدید است و گذشته از زیانهای اجتماعی و اقتصادی عامل ده ها نوع بیماری جسمی و روحی ازقبیل : ایدز، زردی، تضعیف سیستم دفاعی بدن، افسرده گی، تشنج، ضعف حافظه، انقباضات شدید معده، احساس ضعف و کسالت و انواع سرطان ها میباشد.

در شریعت اسلامی هر آنچه پاک و مفید است مشروع و هر آنچه مضر و زیان آور و ناپاک است، ممنوع میباشد؛ بنابرین مواد مخدر و نشئه آور از قبیل شراب، چرس، تریاک، هرویین، مورفین، کوکایین و غیره مواد نشئه آور که بدون شک زیان های جسمی و روحی، اجتماعی و اقتصادی بیشماری دارند، به طور قطع ممنوع است؛ پس بدین اساس استفاده و عملی نمودن

دساتیر اسلام در مورد ترک و از بین بردن مواد مخدر وسیلهٔ خوبی برای سعادت بشر، رفاه همه گانی و ایجاد یک جامعهٔ با ثبات و مبرا از مواد مخدر به حساب میروند.

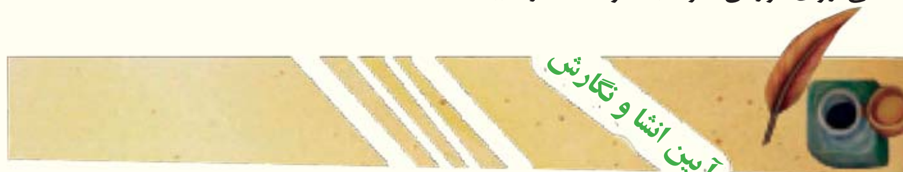
بیاموزیم

۱. استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن، عوامل متعدد و مختلفی دارد. ازقبیل عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ا قتصادی، جنگها، مهاجرت ها و غیره.

۲. تمام علت هایی که از خود شخص منشأ گرفته و منتج به اعتیاد وی به مواد مخدر میگردد. به نام عوامل فردی یاد میشوند.

۳. نابسامانی های موجود در محیط خانواده و یا اجتماع که به نحوی منجر به اعتیاد اشخاص به مواد مخدر میگردند، به نام عوامل اجتماعی یاد میشوند.

۴. فشار های روانی، عقده ها، احساس خود کم بینی و محرومیت ها درحدود ۸۰ فیصد عامل اساسی روی آوردن افراد به مواد مخدر میباشد.



رعایت نشانه گذاری در نگارش

برای اینکه هر نوشته، منظور نویسندهٔ آن را کامل و دقیق نشان دهد، علامتهای خاصی را در آن به کار میبرند؛ مثلاً: جملهٔ «نادیه از سفر برگشت» را در نظر میگیریم. چون در آخر آن علامتی وجود ندارد فهمیده نمی شود، که جمله خبری است یا پرسشی یا تعجبی. حال سه نوع علامت را در آخر آن به کار میبریم.

۱. نادیه از سفر برگشت.

۲. نادیه از سفر برگشت؟

۳. نادیه از سفر برگشت!

در جملات فوق می بینیم که مفهوم هرکدام با گذاشتن علامت واضح و آشکار شد؛ بنابرین نویسنده با علامت مورد نظر خود، میتواند منظورش را بهتر برای خواننده انعکاس دهد.

فواید نشانه گذاری

۱. مطالب و هدفهای نویسنده را به خوبی روشن میسازد.

۲. لحن سخن و بسیاری ازعواطف تند و ملایم نویسنده را به خواننده منتقل میسازد.

۳. به خواننده کمک میکند تا نوشته را درست تر وآسانتر بخواند و در نتیجه منظور نویسنده را بهتر درک کند.

نقطه(.)

۱. در پایان جمله های امری و خبری به کار میرود؛ مثلاً:
همهٔ مردم به نوشتن نیاز دارند.
هرگز از خداوند غافل نشوید.
۲. هر گاه که حرف اول کلمه یا اسمی به صورت اختصاری بیاید.
افغانستان در سال ۱۲۹۸هـ .ش. به استرداد استقلال موفق شد.

سؤالیه (؟)

۱. این علامت در آخر جمله های پرسشی میاید:
خانهٔ شما کجاست؟

علامت تعجب!

۱. در آخر جملهٔ تعجبی می آید: راستی، عجب روزگاری است!
۲. بعد از اصوات و گاهی بعد از منادا قرار میگیرد: به به! زنهار! عجب! خوشا! آفرین! خدایا!

ویر گول یا کامه(،)

۱. در پایان جمله های ناقص پیرو می آید:
هنگامی که وارد شد، شادمان به نظر میرسید.
چو بد کردی، مباش ایمن زآفات.
۲. هر گاه چند کلمه در جمله، دارای نقش مشترک باشند دو تای آخر آن را با حرف «و» به هم می پیوندیم؛ اما بقیه را باعلامت ویرگول:
هر دانش آموز با هوشی نسبت به درس، کوشش، علاقه و پشتکار دارد.

سیمیکولن(؛)

۱. برای جداکردن جمله هایی که از جهت ساختمان و مفهوم، مستقل به نظر میرسند؛ ولی در یک عبارت طولانی، از جهت بیان کلی یک مطلب، به یکدیگر پیوسته باشند و یا از یک حکم کلی پیروی کنند:
نه هر که به قامت مهتر ؛ به قیمت بهتر.
الهی! میپنداشتم که تو را شناختم؛ اکنون آن پنداشت و شناخت را در آب انداختم.

خط فاصله(-)

۱. هرگاه بخشی از یک نوشته به صورت سؤال و جواب یا بحث و مکالمه باشد، گوینده گان آن مشخص نباشد، برای بار نخست نام هارا مینویسند؛ ولی پس از آن، سخن هر کدام را بعد از خط فاصله در اول سطر مینویسند.

دیروز حسین را دیدم؛ از او پرسیدم:

- حالت چطور است؟
- خوب هستم.
- امتحاناتت چطور شد؟
- کامیاب شدم.

گیومه« »

در موارد زیر به کار میرود:

۱. هنگامی که سخنی را عیناً از کسی یا جایی نقل قول کنند؛ مثلاً: پیامبر(ص) فرموده اند:«طلب علم بر هر مسلمان فرض است.»

۲. هرگاه بخواهند عنوان آثار هنری، مقاله، شعر یا کتاب را در جمله یی بیاورند؛ مانند: سعدی «بوستان» را در ۶۵۵ سرود و «گلستان» را در ۶۵۶ نوشت.

شارحه یا دو نقطهٔ بیانی (:)

هر گاه در جمله به سخن کسی یا مطلبی از جایی اشاره شود و سپس عین آن مطلب نقل شود؛ مانند:

معلم گفت: شاگرد خوب همیشه با همصنفان خود برخورد نیک میداشته باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ عوامل اعتیاد، یک گروه از گروه دیگر پرسشهایی طرح نمایند.

۲. یک یک نفر از شاگردان به نوبت در مورد اضرار مواد مخدر سخنرانی نمایند.

۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ فواید نشانه گذاری با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.



املا و نگارش

۱. متنی که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در بارۀ تصویر داده شده در کتابچه های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه گذاری را رعایت نمایید.





۱. کدام عوامل باعث اعتیاد شخص به مواد مخدر میشود؟
۲. عوامل فردی اعتیاد را نام بگیرید.
۳. فشار های روانی چه تأثیر در معتاد شدن شخص به مواد مخدر دارد؟
۴. استفادۀ مواد مخدر را از دیدگاه اسلام چگونه ارزیابی میکنید؟
۵. چرا بعضی از جوانان به مواد مخدر معتاد میگردند؟
۶. عوامل اجتماعی اعتیاد در بر گیرندۀ کدام موضوعات میباشد؟

۷. چرا در نگارش، نشانه گذاری اهمیت دارد؟
۸. علامت سیمیکولن در کدام جمله ها به کار میرود؟
۹. موارد استعمال گیومه را بیان نمایید.
۱۰ در مورد کاربرد کامه در جمله چه میدانید؟



۱. کدام راه ها را برای جلوگیری از اعتیاد به مواد مخدر پیشنهاد میکنید؟
۲. ابیات زیر را حفظ کنید:

جان بی علـم تن بمیراند　　　شـاخ بی بـــار دل بـــگیرانـد
علم باشد دلیل نعمت وناز　　　خنک آن را که علم شد دمساز

سنایی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس بیست و یکم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. زبانشناسان زبانهای جهان را چگونه تقسیم بندی کرده اند؟
۲. چرا زبانشناسان به تقسیم بندی به اساس خانواده روی آوردند؟
۳. خانواده های زبانها را نام بگیرید.
٤. کدام خانوادهٔ زبان بیشتر از همه مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است؟
٥. خانوادهٔ زبانهای هند و اروپایی شامل کدام زبانهاست؟
٦. خانواۀ زبانهای حامی سامی کدام کشور ها را در بر میگیرد؟
۷. خانوادهٔ زبانهای آلتایی یا تورانی شامل چند شاخه مهم میباشد؟
در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

خانوادهٔ زبانها

زبان چون مهمترین و سیلهٔ ارتباط میان مردم جهان است از دیر باز مورد توجه و بررسی محققان و زبانشناسان قرار گرفته است. هر چند تعیین دقیق تعداد زبانهایی که مردم جهان بدان سخن میگویند دشوار است؛ زیرا باز شناختن زبانهای اصلی از زبانهای فرعی و گویشها (لهجه های) محلی کار آسانی نیست؛ باز هم زبان شناسان صرف نظر از زبانهای فرعی گویشهای محلی، شمار زبانهای جهان را بیش از سه هزار تخمین کرده اند. زبانشناسان برای مطالعه بیشتر و تثبیت زبانهای هم ریشه به بخش بندی زبانها پرداختند. نخست به بخش بندی بر اساس ساختمان زبان پرداختند؛ سپس با پیشرفت زبانشناسی تطبیقی و تاریخی و با کشف این نکته که بسیاری از زبانها از اصل واحد بوجود آمده اند به جای طبقه بندی بر پایه ساختمان به طبقه بندی بر اساس خانواده روی آوردند. فرض کردند چند زبان مشابه و نزدیک به هم از یک زبان قدیمتر به نام زبان مادر جدا شده است و بر این اساس برای زبانها این خانواده ها را قایل شدند.

۱.خانوادهٔ زبانهای هند و اروپایی

هیچ خانوادهٔ زبانی مثل هند و اروپایی به طور همه جانبه مطالعه نشده است. روش های واقعی زبانشناسی تاریخی در کاوشها و بررسی های خانوادهٔ هند و اروپایی انکشاف یافته اند؛ همچنین هند و اروپایی یک خانوادهٔ خیلی دلچسپ است؛ زیرا بیشترین اسناد نوشتاری شاخه های آن از زمانهای مختلفی حفظ شده است.
زبانهای هندو اروپایی، به مجموعهٔ زبانهایی گفته میشود که دارای ریشهٔ مشترک بوده و

دامنهٔ آن از نیمقارهٔ هند تا قارهٔ امریکا گسترده میباشد.

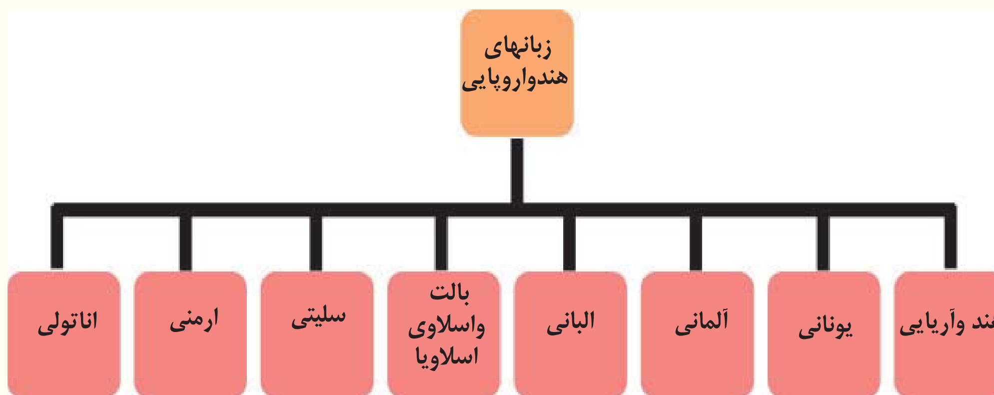
پیرامون نخستین پرورشگاه زبانهای هند و اروپایی، عقاید و آرای مختلفی وجود دارد؛ ولی بیشتر دانشمندان، سرزمینهای بین سردریا و آمودریا را مهد نخستین آن میدانند که گوینده گان آن، نخست از مناطق متذکره برخاسته، از راه جنوب اورال و شمال بحیرهٔ خزر به سمت خاور رهسپار شدند و برخی دیگر از شمال اکسوس (رود آمو) به طرف جنوب مهاجرت نمودند.

میان زبانهای هندواروپایی؛ مانند: لاتین، سانسکریت و . . . مشابهت هایی وجود دارد، که این تشابهات نه تنها در عرصهٔ همگونی واژه ها؛ بل از دیدگاه دستوری نیز همانندی هایی را دارا میباشند.

تشابه دستوری این زبانها را نخستین بار در سال (۱۸۷۶م.) گرامر مقایسوی به اثبات رسانیده و وانمود ساخت . این امر مبین آنست که روزگاری گوینده گان این زبانها باهم زنده گانی مشترک داشته اند و در آغاز از زبان مشترکی استفاده مینمودند. که آن زبان را به نام زبان مادر و ((هند و اروپایی)) نامیده اند؛ سپس به مرور زمان، زبانها و گویشهای متعدد دیگری از آن زبان اصلی زاده شده و گوینده گانی زیادی توسط آن زبان سخن گفته اند.

چنانچه قبلاً متذکر شدیم، نه تنها میان واژه های این زبانها مشابهت هایی به مشاهده میرسد؛ بل در ترکیب دستوری آنها نیز همگونی هایی هویداست، که سبب بنیادین این تشابهات را دانشمندان، منوط به روابط تجارتی، آیینی، همسایه گی، مهاجرتها و برخی عوامل دیگر میدانند.

زبانهای باستانی سرزمین ما نیز از مشتقات هند و اروپایی بوده است، که دارای فروعات و شاخه های بیشماری بوده و مشهورترین آنها باختری باستان، اوستایی و پهلوی خراسانی میباشد. اینک جهت وضاحت بیشتر و بهتر، شاخه بندی زبان مادر را در جدول زیر، چنین به مطالعه میگیریم:



شاخۀ هند و آریایی زبانهای (باستانی و نوین) هند، ایران، افغانستان و برخی کشور های دیگر همسایه را دربر میگیرد. مهمترین و کهن ترین این زبانها، زبان سانسکریت است. کهن ترین متن هایی که از این زبان در دست است و یداها میباشند، که تاریخ نو شتن آنها به پیشتر از۱۲۰۰ق.م. میرسد. بسیاری زبانهای نوین هند از قبیل: بنگالی، هندی و مراتی از پساینده گان گونه های سانسکریت به شمار میروند. درجانب آریایی، دو زبان مهم فرس باستان و اوستا میباشد. از فرس باستان سنگنوشته هایی از سده های ششم و پنجم میلادی در دست است. از اوستا کتابهای مقدس آیین زردشتی در دست است، که در حدود سالهای ۱۲۰۰ ق. م . نوشته شده و زبانهای فارسی– دری، کردی، پشتو و اوسی را در بر میگیرد.

سه شاخۀ دیگر هند و اروپایی که هر کدام زبان جداگانه یی را میسازند ارمنی، یونانی و البانی میباشند. کهن ترین متن های ارمنی از سده های پنجم ق.م تاریخ گذاری میشود؛ اگر چه برخی از بخشهای حماسۀ هومر، الیاد و اودیسه شاید تا ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد برسد. زبان یونانی در نسخه هایی از سدۀ هفتم چهره نما میشود.

شاخۀ آلمانی هندو اروپایی به سه بخش خاوری، شمالی و باختری تقسیم میشود و زبانهای نوین آلمانی شمالی دنمارکی، نارویژی، سویدنی و آیسلندی میباشد.

دستۀ بالت و سلاوی به دو دسته فرعی جدا میشود: بالتی و سلاوی، که زبانهای لیتوانی و لتوی اساس دستۀ بالتی را تشکیل میدهد و این زبانها در جمهوری لتوانی و لتوی هنوز هم گپ زده میشود. گوینده گان زبانهای سلاوی بسیار زیاد اند؛ که مهمترین زبانهای سلاوی روسی میباشد؛ همچنان زبانهای اوکراینی، چک، سلواک، کروتی و بلغاری نیز شامل این دسته میباشند.

۲. خانوادۀ زبانهای سامی، حامی

پس از هند و اروپایی، دسته یی که بسیار بالای آن تحقیق صورت گرفته خانوادۀ سامی است، که شامل زبانهای سراسر شبه جزیرۀ عربستان و قسمتی از سرزمین های عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و افریقای شمالی، حبشه و سومالی است. این خانواده به دو شاخه تقسیم میشود:

الف) شاخۀ سامی: شامل زبانهای اکدی کهن(بابلی، آشوری) کنعانی، فنیقی، آرامی، سریانی، عربی، عبری و حبشی میباشد.

ب) شاخۀ حامی: شامل زبانهای قبطی، مصری، نوشته های هیروگلیفی، زبانهای لیبیایی و بربری قدیم میباشد.

۳. خانوادۀ زبانهای اورالی یا فینو اوگریک

شامل زبانهای فنلاندی،لاپنی، مجاری، استونی و همچنین زبانهایی، که در اورال و بعضی از نقاط شوروی سابق به آنها سخن گفته میشوند.

٤. خانواده آلتایی یا تورانی: آلتایی سه شاخه مهم دارد.

الف) شاخۀترکی: بر علاوه زبان ترکی این شاخه شماری از زبانهای آسیای میانه؛ مانند: اوزبیکی، قزاقی، قرغزی وغیره را در بر میگیرد.

ب) شاخۀ تونگوز: یکی از زبانهای این شاخه مانچو است. زبانهای ایقینکی و گولدی است؛ که این زبانها را قبیله های پراکنده در سایبریای شمالی به کار میبرند.

ج) شاخۀ منگولیایی: زبان رسمی مردم منگولیا و زبانهای اقلیت های شوروی سابق وچین را در بر میگیرد.

٥. خانواده زبانهای چینی و تبتی: شامل زبانهای چینی، تبتی، برمایی، سیامی میباشد.

٦. خانواده زبانهای افریقایی: شامل زبانهای سومالیایی، گینه یی و بانتو میباشد.

٧. خانواده زبانهای اقیانوسیه: شامل زبانهای اندونیزی، پلنزی و ماله میباشد.



* در نامگذاری خانواده های زبان راهی است که توسط آن، خانواده را از روی نام، جاهایی که در منتهای فراخنای جغرافیایی خانواده افتیده باشد، نام میدهند. از این نگاه، به نام هند و اروپایی معروف است؛ زیرا وابسته های آن از هند در خاور گرفته تا اروپا در باختر پخش شده است.

بیاموزیم

۱. زبانشناسان شمار زبانهای جهان را بیش از سه هزار تخمین کرده اند.

۲. زبانشناسان با در نظر داشت این موضوع، که بسیاری از زبانها از اصل واحد بوجودآمده اند، تقسیم بندی زبانها را به اساس خانواده نمودند.

۳. زبانها به خانواده های هند و اروپایی، حامی، سامی، اورالی، تبتی و چینایی، افریقایی و اقیانوسیه تقسیم گردیده اند.

۴. زبانهای هند و اروپایی، به مجموعۀ زبانهایی گفته میشود که دارای ریشۀ مشترک بوده و دامنۀ آن از نیمقارۀ هند تا قارۀ امریکا گسترده میباشد.

۵. میان زبانهای هند و اروپایی؛ مانند: لاتین، سانسکریت و . . . مشابهت هایی وجود دارد، که این تشابهات نه تنها در عرصۀ همگونی واژه ها؛ بل از دیدگاه دستوری نیز همانندی هایی را دارا میباشند.

۶. شاخهٔ هند و آریایی زبانهای(باستانی ونوین) هند، ایران، افغانستان و برخی کشور های دیگر همسایه را در بر میگیرد.
۷. شاخه های دیگر هند و اروپایی که هرکدام زبان جداگانه یی را میسازند؛ عبارتند از: زبان ارمنی، یونانی، آلمانی سلیتی، اناتولی، تخاری، بالت و سلاوی و البانی میباشند.



نگارش تشریحی: نوشته هایی را گویند، که درآن موضوعی با موشگافی و دقت هر چه بیشتر شرح داده شده باشد. این نوع نوشته ها را به دو دستهٔ عینی و ذهنی تقسیم میکنیم:
۱. نگارش های تشریحی عینی: عبارت است از نوشته هایی که نویسنده صحنه یا موضوعی را به چشم خود دیده و سپس جزء جزء آن را به روی کاغذ آورده باشد. طوریکه شنونده یا خواننده بتواند به خوبی آن منظره یا آن شی را در نظر مجسم کند. در این نگارش ها هر چه دقت در مشاهده باشد و ریزه کاریها تشریح شده باشد رنگ و جلوهٔ آن زیادتر است. نثر های تاریخی؛ مانند: نثر تاریخ بیهقی نیز جزء این نوشته ها میباشد.
۲. نگارش های تشریحی ذهنی: در این نگارش ها نویسنده صحنه یا موضوعی را در ذهن خویش مجسم کرده و شرح جزئیات آن را داده باشد، طوری که برای خواننده تصور گردد که نویسنده خود شاهد بوده و به چشم دیده باشد؛ مثلاً: داستان ابن سماک بیهقی را میتوان از جمله این نگارش ها دانست.
اگر شاگردان به نوشته های تشریحی ذهنی و عینی، خود را عادت دهند، در آینده نویسنده گان خوب خواهند شد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در رابطه به خانوادهٔ زبانها ، یک گروه از گروه دیگر پرسشهایی طرح نمایند.
۲. شاگردان یک یک نفر به نوبت در مورد خانوادهٔ زبانهای هند واروپایی سخنرانی نمایند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ نگارش های تشریحی با هم بحث و گفتگو نموده؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بیان کند.
۴. چند شاگرد به نوبت در مورد زبانهای رایج در کشور معلومات بدهند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در بارۀ تصویر پایین در کتابچه های تان یک متن ادبی بنویسید و در آن نشانه گذاری را رعایت نمایید.





۱. زبانشناسان زبانهای جهان را به کدام بخش ها تقسیم بندی کردند؟
۲. زبانشناسان با در نظر داشت کدام اصل، بخش بندی زبانها را به اساس خانواده انجام داده اند؟
۳. خانوادۀ هند واروپایی شامل کدام زبانهاست؟
۴. در زبانهای هند و اروپایی کدام مشابهت ها وجود دارد؟
۵. خانوادۀ حامی، سامی کدام زبانها را در بر میگیرد؟
۶. شاخۀ هند و آریایی کدام کشور ها را در بر میگیرد؟
۷. شاخۀ تونگوز شامل کدام خانوادۀ زبانی بوده و شامل کدام زبانها میشود؟
۸. نگارش تشریحی به چند دسته تقسیم گردیده، هر کدام را نام بگیرید؟
۹. نگارش های تشریحی عینی را توضیح نمایید.
۱۰. نگارش های تشریحی ذهنی چگونه نگارشی است؟



۱. در رابطه به نقش زبان در زنده گی مطلبی بنویسید و در آن نشانه گذاری را رعایت نمایید.
۲. ابیات زیرین را حفظ کنید:

هیچ شادی نیست اندر این جهان — بر تر از دیدار روی دوستان
هیچ تلخی نیست بر دل تلخ تر — از فراق دوستان پر هنر

رودکی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس بیست دوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. غلام محی الدین انیس کی بود؟
۲. او در کدام عصر میزیست؟
۳. او چه کار هایی را انجام داد؟
٤. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
۵. آثار او را چگونه ارزیابی میکنید؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

غلام محی الدین انیس



غلام محی الدین انیس فرزند غلام نقشبند زادگاه اصلیش شهر مقر ولایت غزنی است. تاریخ تولدش دقیق معلوم نیست کودکی وی مقارن دوره زمامداری عبدالرحمان خان (۱۲۵۸-۱۲۷۹هـ.ش.) بود به نسبت اختناق در کشور و مظالمی که عبدالرحمان خان علیه قوم **اندړ** و مبارز مشهور ملا مشک عالم در غزنی نموده بود، سه هزار خانواده تحت ظلم و شکنجه قرار گرفتند. خانوادۀ انیس تبعید گردیده و در مصر سکونت اختیار کرد.

انیس در آنجا توانست که از روح مکتب سید جمال الدین افغانی و اندیشۀ شاگردان مصریش به خصوص شیخ عبده در قاهره، استفادۀ اعظمی برده و تحصیلات خود را در مصر تکمیل نماید. آن زمان در قاهره، که خیزش های فکری، سیاسی ضد استعماری به خصوص استعمار انگلیس مشغولیت مهم آن متفکران را احتوا میکرد، محی الدین از اوضاع بی اطلاع نبود و همیشه سعی داشت دو باره به افغانستان برگردد و مصدر خدمت به وطن آباییش شود. وی با اسماعیل افندی عضو هیآت افغانی در مصر، تصمیم گرفت به افغانستان بر گردد. همین بود، که در سال ۱۳۰۲خورشیدی به هرات برگشت و به تدریس علوم اجتماعی و زبان عربی به جوانان اهل علم آغاز کرد و هم کتابی را بنام ندای طلبۀ معارف (حقوق ملت) نوشت و در مطبعۀ هرات به چاپ رسانید.

زمانیکه اولین قانون مطبوعات آزاد در دورهٔ امان الله خان در سال ۱۳۰۳هـش. نافذ گردید. انیس به کابل آمد. او با مطالعهٔ جو سیاسی، شرایط اجتماعی و آماده گی دولت با پذیرش نشریه های آزاد غیر دولتی در فضای مساعد قانون مطبوعات موقع یافت تا آرزوی دیرینهٔ خود (نشر یک جریدهٔ آزاد) را در کابل به منصهٔ عمل بگذارد. انیس پس از جاگزین شدن در کابل جریدهٔ انیس را تأسیس کرد. این جریده برای بار نخست بحیث یک جریدهٔ آزاد ملی به تاریخ ۱۵ثور۱۳۰۶ هـ. ش. به نگارنده گی و سرمحرری غلام محی الدین انیس در شهر کابل در ۴۵ صفحه به نشرات آغاز کرد.

محی الدین در اولین روزنامه اهدافش را چنین بیان کرد: « هدف اساسی انیس تهیه و نشر مطالب قانونی، روحی و ادبی به غرض آگاهی عموم مردم و بیشتر مامورین بوده است.» محتوای جریده بیانگر احساسات ملی و وطندوستی، حفظ استقلال کشور و نشر اخبار اختراعات و اکتشافات در ساحهٔ تمدن، رویداد های داخلی و خارجی، تعلیم و تربیه و تدبیر منزل بود. انیس خودش اخبار را می نوشت حروف چینی و چاپ میکرد. این پشت کار وی باعث محبوبیت جریدهٔ انیس گردید. این نشریه در زمان حبیب الله کلکانی طور مؤقت معطل گردید. در سال ۱۳۱۷هـش. دوباره به فعالیت آغاز نمود و نظر به دید انتقادی که داشت در زمان محمد نادرشاه ، پادشاه آن وقت این نشریه متوقف گردیده، محی الدین به زندان کشانده شد و در زندان به بیماری سل مبتلا گردیده در آنجا وفات یافت. سپس سرورجویا، عبدالرشید لطیفی، محمد عثمان صدقی، محمد هاشم میوندوال و تعداد دیگر مسؤولیت این روزنامه را به عهده گرفتند. این نشریه تا امروز نشرمیگردد.

آثـار:

ندای طلبه یا حقوق ملت: این اثر به تشویق شجاع الدوله وزیر امنیهٔ دوره امان الله خان که در آن زمان نایب الحکومهٔ هرات نیز بود، در هرات چاپ شد.

این کتاب در حقیقت یک رمان اجتماعی است که در مورد آزادی و قانون بحث میکند.

بحران و نجات: این اثر در مورد وقایع اخیر دورهٔ امانیه و حبیب الله کلکانی بحث کرده است.

غلام محی الدین انیس نقش برازنده در حیات مطبوعات و تحقیقات کشور ما دارد.



* ولسوالی **اندړ** یکی از واحد های اداری ولایت غزنی میباشد، که درجنوب غزنی به فاصله ۲۰ کیلومتری موقعیت دارد. این ولسوالی در آغوش خود شخصیت های علمی و فرهنگی را رشد داده است؛ به گونهٔ مثال: از پوهاند غلام صدیق محبی اولین وزیر تحصیلات عالی کابینه محمد داوود خان میتوان نام برد.

مطبوعات در دورهٔ امانیه: در تاریخ مطبوعات افغانستان سه دورهٔ میان سالهای۱۲۹۷–۱۳۰۷ش. دوره امانیه از دوره های رونق انتشار نشریه های آزاد بود. در این دوره امکان فراهم آمد؛ تا به جای دولت که تا آن زمان تنها ناشر مطبوعات بود، اشخاص به انتشار نشریات خصوصی دست بزنند. انیس با مدیریت بهتر و با گرد آوری تمام فن آوری لازم توانست نیاز های خود را به شکل مستقل بر آورد و بهترین نشریهٔ آزاد نخستین دوره از دوره های بر شمردهٔ رونق این نوع نشریات باشد. از ویژه گی های انیس انتقال روحیهٔ ملی گرایی به خواننده گان، عمومی بودن مطالب و جذب مخاطبان بسیار و از اهداف آن بیداری ذوق نویسنده گی در خواننده گان به ویژه دانش آموزان بود، که انیس را در راه رسیدن به این هدف موفق دانسته اند.

بیاموزیم

۱. انیس با استفاده از اندیشه های سید جمال الدین تحصیلاتش را در مصر تکمیل کرد.
۲. غلام محی الدین انیس در سال ۱۳۰۶خورشیدی به هرات برگشت و به تدریس علوم اجتماعی و زبان عربی به جوانان اهل علم آغاز کرد.
۳. جریدهٔ انیس به حیث جریدهٔ آزاد ملی در سال ۱۳۰۶ به نشرات آغاز کرد.
۴. ندای طلبه، بحران و نجات از جملهٔ آثار غلام محی الدین است.



نگارش توصیفی یا وصفی: در این گونه نگارش نویسنده منظره یی را که به چشم دیده است نه تنها تشریح میکند؛ بلکه زیبایی ها و یا زشتی های آن را به صورت دلپسند جلوه میدهد و در چشم و دل خواننده می آراید. هنری که نویسنده در نوشتهٔ وصفی به کار میبرد تخیل است؛ بنابرین نوشتهٔ وصفی را باید مخلوطی از حقیقت و تخیل دانست، که قدرت نویسنده آنها را با هم آمیخته و به صورت دلپذیر در آورده است. در ادبیات کلاسیک زبان فارسی دری، نثر توصیفی بسیار اندک است؛ زیرا اول اینکه نثر نسبت به شعرکمتر است؛ دوم

اینکه نثر هایی هم هست که بیشتر جنبه تاریخی دارد. از واقعات زنده گی سخن میگوید و جنبه وصفی آن کمتر است؛ اما در شعر آنقدر پرده های بدیع رنگارنگ وصف به ملاحظه میرسد که خواننده از این همه زیبایی به اعجاب و شگفتی دچار میشود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در دو گروه در رابطه به شخصیت غلام محی الدین انیس باهم گفتگو نموده و از هر گروه یک نفر نتیجهٔ بحث شان را بیان نماید.
۲. شاگردان دودو نفر در این رابطه که چگونه خود را به مطالعهٔ اخبار عادت دهند باهم مباحثه نمایند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر در کتابچه های تان متنی بنویسید.



۱. غلام محی الدین انیس کی بود شخصیت وی را در مطبوعات کشور چگونه ارزیابی مینمایید؟
۲. در رابطه به اندیشه، طرز تفکر و فعالیت های انیس در مطبوعات معلومات دهید.
۳. نگارش توصیفی چگونه نگارشی را گویند؟
۴. آیا وصف بیشتر در نثر کلاسیک وجود داشته یا در شعر؟



۱. در بارهٔ نقش مطبوعات درکشور به طور فشرده متنی بنویسید.
۲. قطعهٔ زیرین را حفظ کنید:

زمانـه پنـدی آزاده وار داد مـــرا — زمانه را چو نکو بنگری همه پند است
به روز نیک کسان آرزو مبر زنهار — بسا کسان که به روز تو آرزو مند است

بهارستان جامی

۳.متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی درس روز آینده آماده گی بگیرید.

درس بیست سوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال های زیر باشد:

۱. شعر زیر در مورد چه سروده شده است؟
۲. شعر درس از کیست؟ شاعر آنرا مختصراً معرفی کنید.
۳. شعر خداشناسی در بر گیرندهٔ کدام مفاهیم میباشد؟
٤. در این شعر کدام صنایع بدیعی به کار رفته است؟

در پایان معرفی، همین سؤال ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

خدا شناسی

چه گویی اندرین چرخ مدور — کزو تابد همی مهر منور
وز او هر شب درخشانند تا روز — هزاران جرم نورانی مدور
چه گویی اندرین اجناس مردم — به تصویر دگر هر یک مصور
یکی را از شقاوت داغ بر دل — یکی را از سعادت تاج بر سر
چه گویی اندرین دو مرغ پران — همه ساله گریزان یک زدیگر
یکی را از سیاهی قیرگون بال — یکی را از سپیدی سیمگون پر
چه گویی اندرین سر گشته پیلان — معلق از هوا با کوس و خنجر
گهی پاشند بر کهسار کافور — گهی بارند بر گلزار گوهر
چه گویی اندرین تاریک مرکز — کزو خیزد نبات و زر و گوهر
گرفته صد هزاران کالبد را — به درد و داغ در آغوش و در بر
تو پنداری که خود چندین عجایب — به وصف اندر یک از دیگر عجبتر
شود بی صانعی هرگز مهیا؟ — شود بی قادری هرگز مقدر؟
کجا باشد چنین اندیشه ممکن ؟ — کرا باشد چنین گفتار باور؟
که بی خلاق باشد خلق عالم — که بی نقاش باشد نقش دفتر
چو بنده عاجز است از پروراندن — خداوند توانا و توا نگر
یکی از عدل او در چاه و زندان — یکی از فضل او بر تخت و منبر
ببین تاثیر او در شرق و در غرب — ببین آثار او در بحر و در بر
حقیقت‌دان که بی فرمان او نیست — به گیتی ذره یی از نفع و از ضر
گواهی ده که بی تقدیر او نیست — به عالم نقطه یی از خیر و از شر
از آن روزی تفکر کن که ایزد — به حق باشد میان خلق داور
چنان باید که تخمی کاری امروز — که فردایت همی نیکی دهد بر

امیر معزی



* معـزی: امیر الشعرا ابوعبدالله محمد بن عبدالملک از شاعران بزرگ قرن پنجم دورۀ سلجوقی بود که در دربار معزالدین ملکشاه بن آلپ ارسلان میزیست. تخلص او به معزی به مناسبت انتسابش به دربار میباشد. لقب امیر را هم ملک شاه برای وی اعطا کرد. معزی تا فوت ملکشاه در دربار او بود. پس ازآن مدتی را در هرات، نیشاپور و اصفهان گذراند و بعد به خدمت سنجر بن ملکشاه رسید و تا آخر عمر در دربار او ماند.

اشعار معزی شامل قصاید و غزلیاتی است که در نهایت ساده گی و خالی از تکلف میباشد. در قصایدش اشارات تاریخی و جود دارد و به بسیاری از وقایع عصر سلجوقی پرداخته است.

* کافور: دارویی است خوشبو و سفید رنگ که از درخت کافور به دست می آید، درخت کافور در جنگلهای نواحی شرقی آسیا و مناطق کوهستانی شرق هند، چین و جاپان میروید و بلندی آن به ۵۰ متر میرسد.

بیاموزیم

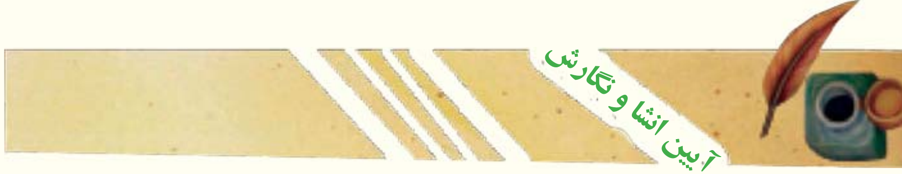
۱. تمام کاینات و همه چیز را که در کاینات می بینیم؛ مانند: ستاره گان، اجرام سماوی و غیره صانع قادر یعنی خداوند (ج) خلق کرده است.

۲. در بر و بحر، شرق و غرب نشانه های قدرت خداوند (ج) را می بینیم و میدانیم که همه چیز به ارادۀ او است.

۳. ای انسان به روز قیامت فکر کن و بدان که خداوند (ج) در آن روز داور است. پس تو امروز کار نیک انجام بده، تا در آن روز ثمرش را بگیری.

۴. امیر الشعرا ابوعبدالله محمد معزی بن عبدالملک از شاعران بزرگ قرن پنجم دورۀ سلجوقی بود.

۵. اشعار معزی شامل قصاید و غزلیات است که در نهایت ساده گی و خالی از تکلف میباشد. در قصایدش اشارات تاریخی و جود دارد و به بسیاری از وقایع عصر سلجوقی پرداخته است.



نگارش تخیلی: گاهی نوشته ها نه تشریحی و نه وصفی است؛ اما حالت شادی یا غم را در روح خواننده ایجاد میکند و او را با فکر نویسنده شریک می سازد. این نوع نوشته ها را تخیلی مینامند.

از کلمه (تخیلی) نباید تصور کرد که آنچه زادهٔ خیال و اندیشه است، نوشته تخیلی نامیده میشود؛ بلکه همانگونه که در نوشته های تشریحی گفته شد، گاهی انسان منظره، حالتی یا داستانی را در ذهن خود ایجاد میکند و آنرا به صورت نوشته یی به خواننده بیان میکند. بنابرآن مقصود از نوشتهٔ تخیلی، نوشته یی نیست که ذهن و اندیشه انسانی منظره یا حالتی را دور از واقعیت تخیل کرده باشد؛ بلکه مقصود ایجاد ارتباطی است میان حوادث مختلف و صحنه های متفاوت تا حالتی را که نویسنده انتظار دارد، در خواننده ایجاد کند. این نوع نوشته ها بیشتر نمایندهٔ روح نویسنده میباشند. نویسنده با ذهن خلاقش حالات خود و ماحول خود را به خواننده انعکاس میدهد. این گونه نوشته ها غالباً با قدرت تخیل همراه بوده، هنرمندانه و گیراست.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در بارهٔ پیام شعر خوانده شده باهم گفتگو نموده، نتیجه را به دیگران بیان نمایند.
۲. یک تن از شاگردان در رابطه به خدا شناسی و عظمت کاینات سخنرانی نماید.
۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به نگارش تخیلی آنچه آموختند اظهار نظر نمایند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود در کتابچه های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیرین با در نظر داشت قواعد نگارشی که خواندید متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.





۱. مفهوم اساسی شعری را که خواندید به زبان ساده بیان کنید.
۲. امیر معزی کی بود؟
۳. در بارهٔ نگارش تخیلی چه میدانید؟
۴. صنعت ادبی بیت زیر را مشخص نمایید.

یکی را از سیاهی قیر گون بال   یکی را از سپیدی سیمگون پر



۱. شعری را که خواندید به نثر تبدیل کنید.
۲. بیت زیر را حفظ نمایید:

میراثِ پدر خواهی علمِ پدرآموز   کاین مالِ پدرخرج نتوان کرد به یک روز
گلستان سعدی

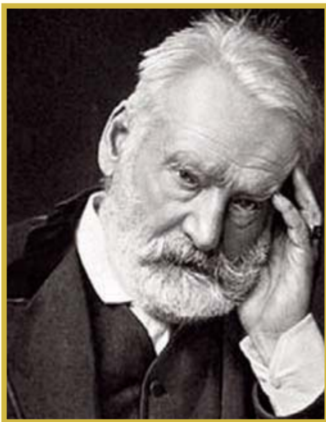
۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. ویکتور هوگو کی بود و چگونه طرز تفکر داشت؟
۲. ویکتور هوگو چه کار هایی را انجام داد؟
۳. هوگو در کجا و در کدام سال وفات یافت؟
٤. آثار هوگو را چگونه ارزیابی میکنید؟
۵. کتاب بینوایان نوشتهٔ کدام نویسندهٔ مشهور بوده و موضوع آن چیست؟

در پایان معرفی، پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ویکتور هوگو



ویکتور هوگو درسال ۱۸۰۲میلادی در فرانسه چشم به جهان گشود. وی فرزند سوم جوزف لیوپولدریگزبرت هوگو بود. پدرش در اردوی ناپلیون سمت جنرالی داشت و با اردوی ناپلیون به طور منظم سفر میکرد. سفر های دراز مدت پدرش سبب اختلاف پدر و مادرش شد، هر چند این مناسبات از همان آغاز نیز به دلیل تعلقات سیاسی متضاد چندان خوب نبود. مادر هوگو طرفدار خانوادهٔ سلطنتی فرانسه بود و پدرش به حکومت های بعدی که آمدند، ابراز وفاداری میکرد. اختلاف پدر و مادر در زنده گی هوگوی جوان بحرانی عجیب ایجاد نمود و این روح حساس را به دنیای شعر و ادب راند. او ده ساله بود که به سرودن شعر آغاز کرد. او که مجبور شده بود از مادر خود جدا و با پدر رهسپار ناپل و مادرید گردد به زودی از پدر که سخت پابند مناسبات نظامی بود، جدا شد و به سوی مادر بازگشت و زیر تأثیرعقاید محافظه کارانهٔ مادر قرار گرفت و شاعر نظام شاهی و کلیسا شد. بعد از سقوط امپراتوری، هوگو شاگرد لیسهٔ لویی- لي- گراند شد و بعد از فراغت شامل فاکولتهٔ حقوق گردید. دوران تحصیل او غیر منظم و غالباً بی هدف بود. زنده گانی او در این دوران برایش الهام بخشید تا کرکتر ماریوس را وارد ناول بینوایان کند.

هوگو از۱۸۱۶م. به بعد دنبال قانون را رها کرد. او در این دوران کتابچه ها را پی هم با سرودن شعر های خود یا ترجمهٔ شعر های ویرژیل شاعر رومی سیاه میکرد. هوگو به تشویق مادر خود مجلهٔ ادبی تأسیس کرد و در آن به نقد شعر های لامارتین پرداخت.

درسال ۱۸۲۱م. مادرش مرد و او با یکی از دوستان دوران کودکی خود ازدواج کرد. درسال ۱۸۲۳م. اولین ناول خود هانس آیلند را نوشت، که در ۱۸۲۵م. چاپ شد. هوگو در شعرهای خود از بحور عروضی متنوع استفاده میکرد و تخیل درخشان داشت. او درسال ۱۸۳۰م. چهار مجموعهٔ مهم انتشار داد، که در آن شعر طبیعت گرای را با زنده گی خانواده گی به هم آمیخته بود؛ اما نیمهٔ دوم قرن نزده دوران واکنش در برابر رومانتیسیسم بود. قسمت عمده و قابل یادآوریی شعرهای هوگو بعد از ۱۸۵۰م. به نشر رسید. از جمله سه مجموعهٔ شعری هوگو مخفیانه به چاپ رسید. هوگو خود در آن وقت در تبعید به سر میبرد. این سرود ها فریاد هوگو بر ضد ابتذال مستولی برعصری بود، که دامنگیر لویی ناپلیون و جامعهٔ امپراتوری بود. هوگو در این سرود ها برتاریکی های عصر خود و روشنایی های آینده خوشبینانه تأکید مینماید و پیروزی نهایی صلح، آزادی وعدالت اجتماعی را اعلام میکند. این مجموعه ها شاعر را مرشد اجتماعی معرفی مینماید.

هوگو در این روزگار سرشار از احساسات اصلاح طلبی بود که میخواست مناسبات ظالمانهٔ روزگارش به نفع مردم بینوای جامعه تغییرنماید. این شاعر و نویسندهٔ بزرگ فرانسوی در ۲۲می ۱۸۸۵ م چشم از جهان فروبست.

آثار معروف هوگو عبـارتند از: کلیسای نوتردام پاریس، کارگران دریا، تاریخ یک جنایت، مردی که میخندد؛ اما شاهکار ویکتور هوگو که تقریباً به تمام زبان های زندهٔ دنیا، ترجمه گردیده و یکی از کتاب های خواندنی ادبیات جهان میباشد؛ کتاب معروف بینوایان است. قهرمان اصلی این اثر مردی به نام ژان والژان است، که برای سیرکرد ن یک کودک گرسنه نانی از یک نانوایی میدزدد. دو سال به همین جرم در زندان میماند و گرفتار یک رشته ماجرا های تلخ و شیرین میشود.

هوگو در فضیلت پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) چنین نوشته است:

« میدانست که پایان عمرش فرا رسیده، همیشه مشغول نیایش به درگاه پروردگار بود. بسیار کم غذا میخورد. با دست خود شیر گوسفندان را میدوشید و هنگامیکه لباسش فرسوده میشد خودش به روی زمین می نشست و آن را وصله میزد.

شصت و سه سال داشت که ناگهان تب بر و جودش راه یافت. قرآن را سراسر باز خواند. آنگاه پرچم اسلام را به دست پرچمدار خود داد و بدو گفت : این آخرین بامداد زنده گانی من است. بدان که خدای جز خدایی یگانه نیست در راه او جهاد کن. آرام بود؛ اما نگاهش چون نگاه عقابی بلند پر وازی بود که نا گزیر به ترک آسمان شده باشد.

آن روز مثل همیشه در ساعت نماز به مسجد آمد. به علی تکیه کرده بود و مؤمنان به دنبالش می آمدند. پیشاپیش ایشان همه جا پرچم مقدس در اهتزاز بود، هنگامیکه به مسجد رسیدند؛

وی روی به مردم کرد و گفت: هان ای مردم!

اگر خداوند اراده نمیکرد من آدمی بیسوادی بیش نبودم. کسی بدو گفت: ای رسول خدا! جهانیان همه هنگامیکه دعوت ترا در راه حق شنیدند ایمان آوردند. روزی که تو پای به هستی نهادی، ستاره یی در آسمان ظاهر شد و هر سه برج طاق کسرا فرو ریخت؛ اما او دنبالهٔ سخن را گرفت و گفت: با این همه، ساعت آخرین من فرا رسیده. اکنون فرشته گان آسمان در بارهٔ من مشغول شورند.

گوش کنید! اگر من به کسی سخن بد گفته باشم پیش از آن که از جهان بروم به من به بدی سخن گوید. اگر کسی را زده ام مرا بزند. آنگاه چوبی که در دست داشت به سوی حاضرین دراز کرد. بار دیگر وی گفت: ای مردم! به خدا ایمان داشته باشید و در مقابل او سر تعظیم فرود آورید، مهمان نواز، پارسا و داد گستر باشید. باز گفت: هنگام رحلت من از این عالم فراه رسیده است. پس شتاب کنید هر گناهی کرده باشم به من تذکر دهید. مردم خاموش و افسرده از کنار او میرفتند. وی صورت خود را در چاه ابوالفدا بشست. مردی از وی سه درهم مطالبه کرد و بی درنگ پرداخت. گفت: تصفیهٔ حساب در اینجا بهتر است تا در میان گور.

مردم با نگاهی پر از مهر مثل نگاه کبوتر بدین مرد پر جلال که دیری تکیه گاه آنان بود؛ مینگریستند. هنگامیکه محمد (ص) به خانهٔ خود باز گشت، بسیاری بیرون خانه تمام شب را بی آنکه دیده برهم گذارند روی تخته سنگی گذرا ندند.

بامداد روز بعد وی گفت: ای ابو بکر! مرا یاری برخاستن نیست. برای من قرآن بخوان. ابوبکر قرآن میخواند و سایرین میگریستند.

یکبار همه دیدند که در نگاه او مانند روز تولدش برقی درخشید، دعوت حق را لبیک گفت و آنگاه لرزشی بر وی حکم فرما شد. نفسی آرام لبهای او را از هم گشود و محمد(ص) جان به جان آفرین تسلیم کرد.

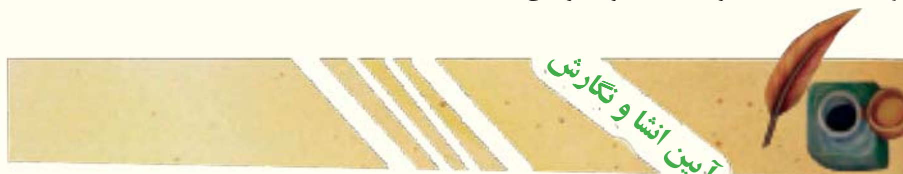
ترجمهٔ ش، شفا



* رومانتیسم: اولین بار در اواخر قرن هژدهم وارد ادبیات فرانسه شد و سپس مسیر خود را به ادبیات ایتالیا و اسپانیا در پیش گرفت و در نیمهٔ قرن نزدهم بر ادبیات تمام اروپا حاکم شد. رومانتیسم همان مکتب ادبی است که با مکتب ادبی کلاسیسم یا ادبیات قرون وسطی مخالفت می ورزید. دراین سبک نویسنده در بیان تخیل، تجسم و شیوهٔ ا فادهٔ خود آزادی کامل داشت.

بیاموزیم

۱. ویکتور هوگو در سال ۱۸۰۲میلادی در فرانسه چشم به جهان گشود.
۲. وی فرزند سوم جوزف لیو پولدریگزبرت هوگو بود. پدرش در اردوی ناپلیون سمت جنرالی داشت.
۳. هوگو شاگرد لیسهٔ لویی لی گراند شد و بعد از فراغت شامل فاکولتهٔ حقوق گردید.
۴. هوگو جوانی سرشار از احساسات و اصلاح طلبی بود که میخواست مناسبات ظالمانهٔ روزگارش به نفع مردم بینوای جامعه تغییر نماید. این شاعر و نویسندهٔ بزرگ فرانسوی در ۲۲می ۱۸۸۵ چشم ازجهان فروبست.
۵. آثار معروف هوگو عبــارتنداز: کلیسای نوتردام پاریس، کارگران دریا، تاریخ یک جنایت، مردی که میخندد و شاهکار او بینوایان.



نگارش تحقیقی: در این نگارش نویسنده در بارهٔ موضوع علمی، اجتماعی، ادبی، تاریخی و مانند اینها یا از راه مشاهده یا مطالعه با دقت هر چه بیشتر و استفاده از منابع ممکن موضوعاتی را فراهم میکند و به نوشته آن میپردازد. آنچه در این نوشته اهمیت دارد. امانت نویسنده است، که اولاً خواننده گان را با دادن منابع موهوم و ضعیف گمراه نسازد. دوم این که آنچه را از منابع گرفته است مشخص نماید و آنرا از خود نشمارد. در نوشته های تحقیقی، دانش و آگاهی نویسنده نقش مهم دارد. این نوشته ها باید ساخت استوار و نظم داشته باشد از زبان معیار دور نگردد و در آن پیچیده گی راه نیابد. مایهٔ اصلی این نوشته ها را میتوان در مقدمهٔ آن بیان کرد؛ سپس به شرح و بسط آنها پرداخت و در پایان، نتیجه و حاصل تحقیق

را جا داد. خلاصه آن که نگارش تحقیقی باید پیام یا بیان تازه داشته باشد، مستند، منظم و بهره مند از ساخت منطقی بوده با زبان روشن و عاری از شاخ و برگ زاید نوشته شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. پس از تفکر لازم بحث و مناظره نمایید که کدام عوامل در ساختن شخصیت هوگو نقش اساسی داشته است؟
۲. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و شخصیت و کار نامه های ویکتور هوگو را با یکی از شاعران و نویسنده گان کشور مقایسه نمایند، سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.
۳. یک تن از شاگردان در مورد نگارش تحقیقی سخنرانی نماید.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود در کتابچه های تان املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.





۱. ویکتور هوگو در کدام سال و در کدام کشور تولد شد؟
۲. ویکتور هوگو چند ساله بود که نخستین شعر خود را سرود؟.
۳. از دوران تحصیل هوگو چه میدانید؟
۴. کدام انگیزه باعث شد که هوگو ناول بینوایان را بنویسد؟
۵. بینوایان چگونه یک اثر بوده و در مورد چه میباشد؟ واضح سازید.
۶. هوگو در بارهٔ حضرت محمد(ص) چه گفته است؟
۷. در نگارش تحقیقی کدام نکات مهم پنداشته میشود؟
۸. در نگارش تحقیقی نویسنده در بارهٔ کدام موضوعات و از کدام طریق به نگارش آن میپردازد؟



۱. در مورد یکی از چهره های معروف ادبیات جهان نظر به علاقهٔ تان معلومات جمع آوری نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
۲. شعر زیر را حفظ کنید:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
یک موی ندانست ولی موی شگافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت
آخر به کمال ذره یی راه نیافت

ابن سینای بلخی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس بیست پنجم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال های زیر باشد:

۱. هنر های هفتگانه به کدام هنر ها گفته میشود؟
۲. موسیقی از کدام کلمه گرفته شده و به معنای چیست؟
۳. در بارهٔ تاریخچهٔ هنر مجسمه سازی چه میدانید؟
٤. هنر تیاتر دارای چه ارزشی میباشد؟
٥. در بارهٔ هنر سینما معلومات دهید.

در پایان معرفی، همین سوال ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

هنر های هفتگانه



هنرهای هفتگانه شامل موسیقی، نقاشی، ادبیات، مجسمه سازی (پیکر تراشی)، معماری، تیاتر و سینما میباشد. هر چند هر کدام این هنر ها در بر گیرنده بحث طولانی میباشد؛ ناگزیر در این درس به گونهٔ مختصر به معرفی هر کدام به طور جداگانه میپردازیم.

موسیقی

موسیقی، به هر نوا و صدایی گفته میشود، که شنیدنی و خوش آیند باشد. موسیقی بیان احساسات انسان است به وسیلهٔ اصوات که مهمترین عوامل آن صدا و ریتم میباشد.

پیشینیان موسیقی را چنین تعریف کرده‌اند: معرفت الحان و آنچه التیام الحان بدان بود و بدان کامل شود.

ارسطو موسیقی را یکی از شاخه های ریاضی میدانست و فیلسوفان اسلامی نیز این نظر را پذیرفته اند؛ ولی از آنجا که همه ویژه گی های موسیقی؛ مانند: ریاضی مسلم و غیر قابل تغییر نیست؛ بلکه ذوق و قریحهٔ سازنده و نوازنده هم در آن دخالت تام دارد، آن را هنر میدانند. در هر صورت موسیقی امروز دانش و هنری گسترده است، که دارای بخش‌های گوناگون و تخصصی میباشد. موسیقی، هنری است که با استفاده از گزینش اصوات ویژه و ترکیب آنها با یکدیگر، با استفاده از اصول و قوانین خود، بیان مقصود میکند. به همان صورت که در شعر و ادبیات، واژه ها نقش اصلی را دارند و در نقاشی، خط و رنگ، در موسیقی نیز اصوات استند که نقش

بیان کننده را به عهده دارند.

منابع تولید اصوات موسیقی، آلات موسیقی و حنجرهٔ انسان است. هنر موسیقی بر حسب شرایط فرهنگی زادگاه خود، انواع و اقسام بسیار زیاد دارد. و هر قوم و ملتی، موسیقی ویژهٔ خود را داراست. موسیقی در حقیقت بیان اندیشه در قالب اصوات است.

موسیقی در مشرق زمین انواع گوناگون و متفاوتی دارد؛ ولی تقریباً همهٔ آنها در نحوه برداشت از روح و کلیت موسیقی، مشترک اند و علت آن وجود نظام معنوی و تفکر فلسفی مشترکی است، که تمدنهای مشرق زمین را به یکدیگر پیوند میدهد.

نقاشی یا نگارگری



نقاشی به اثری میگویند که رنگ بر روی سطحی مانند کاغذ یا دیوار به جا میگذارد. نقاشی نسبت به زبان نوشتاری دارای پیشینهٔ بسیار قدیمی است. نقاشی های یافت شده در غارها نشان میدهد که انسانهای اولیه با کشیدن نقش حیوانات و شکار شان به نوعی خود را آماده نبرد با آنها میکردند. قدامت نقاشی در بین انسانها، شش برابر قدمت استفاده از زبان نوشتاری است. نقاشی هنری است خیال انگیز و نقاشی هایی که پیش از تاریخ در جاهای گوناگون به تعداد زیاد کشف شده، در تاریخ مکاتب نقاشی، کهن ترین نقاشی های شناخته شده مربوط به ۲۰۰۰۰ ق. م. است.

نقاشی از روزگاران گذشته و در مناطق مختلف دنیا گوناگون و متفاوت بوده و در طی تاریخ و ماقبل تاریخ نقاشی شیوه و سبکهای گوناگونی داشته است. نقاشی در حقیقت یک هنر پیچیده است. ما در هر تابلوی بزرگی با دستگاه کاملی از ارزش ها روبرو میشویم، که پاره یی علمی و برخی صوری و بخشی معنوی است.

مجسمه‌سازی، یا پیکرتراشی

این هنر یکی از جالب ترین و پیچیده ترین هنرهای آدمی است. مجسمه شامل کنده کاری هنرمندانه و ظریف است. کهن ترین مجسمه را متعلق ۳۰۰۰۰ سال پیش دانسته اند. در عصر قدیم مردمان ماقبل تاریخ مجسمه هایی از استخوان و عاج میساختند.

مجسمه سازی هنر همگذاری یا ریخت دادن به اشیاء است. که به آن تندیس، پیکره یا

مجسمه گفته میشود. هر پیکر سه بعدی که به منظور دارا بودن یک بیان هنری آفریده شده را میتوان تندیس نامید؛ البته باید توجه داشت که هر شکل ترتیب شده را مجسمه نمیگویند؛ بلکه باید در ورای آن یک فکر، خلاقیت یا نوآوری وجود داشته باشد.

یونانیان مجسمه های میساختند و در معابد خود قرار داده و آنها را پرستش مینمودند. مجسمه های سنگی و برنزی بیشماری نیز از قهرمانان خود در میدانها و معابر عمومی میگذاشتند. مصریان نیز مجسمه های خود را به صورت موجوداتی در سنگ یا برنز مجسم میکردند و در معابد شان قرار میدادند.



معماری

معماری هنر ساختمان است. عمومی ترین کار معماری طراحی و ساخت خانه ها، پل ها، مساجد، ساختمانهای ادارات، کار خانه ها و بنا ها میباشد. معماری با هنر نقاشی، مجسمه سازی و موسیقی تفاوت دارد. چرا که معماری نیاز های انسانهای نخستین و سر پناه را در بر میگیرد. معماری در کشور ما تاریخ ۶۰۰۰ سال دارد.

ادبیات

ادبیات هنریست لسانی، که به صورت منثور و منظوم، شفاهی و نگارشی پدید می آید. شاعر و نویسنده از زنده گی می آموزد و به زنده گی میپردازد. آنها از حادثه و رویداد های اجتماعی متأثر شده و با بیان مؤثر خویش از زنده گی تصاویر زیبا و هنری پدید می آورند. آنها رونق دهنده گان حیات عادی جامعهٔ خویش اند، که انسانها را در مبارزه بر ضد پلیدیها و سیاهکاری ها یاری میرسانند و به آیندهٔ زیبا و سعادتمند امیدوار میگردانند. آثاری که به طور هنری نوشته میشود بالای انسانها تأثیر زیادی وارد میکند. از یک طرف احساس زیبایی شناسی آنها را پرورش میدهد از سوی دیگر انسان را درس زنده گی میدهد. ادبیات هر کشور بازتاب حقایق زنده گی اجتماعی آن کشور است. خوشبختانه ادبیات سرزمین ما با قدامت تاریخی که دارد با ایجاد هزاران اثر هنری در غنای فرهنگ ارزشمند ما نقشی بسزایی را ایفا نموده است.

تیاتر

تیاتر، سینما و تلویزیون پدیده های ارتباطی ارزشمندی هستند که به کمک آنها میتوان پیچیده ترین مفاهیم و غنی ترین اندیشه ها را به جامعه جهانی عرضه کرد. اگر چه سوابق و تاریخ هر کدام تحولات هر یک از این پدیده ها باهم تفاوت دارد؛ اما از نظر شیوه های بیانی آن ها بر یکدیگر تأثیر گذار بوده و تا حد زیادی از زبان مشترکی برخوردارند. آنچه که این رسانه های ارتباطی را از یکدیگر متمایز میکند، وجوه تکنیکی و روش های اجرایی در عرضه مفاهیم است که، در طول زمان تحولات چشمگیری یافته است.



تیاتر یا نمایش، سابقهٔ طولانی دارد و آغاز آن به یونان باستان باز میگردد. این هنر یکی از ابزار بیانی قدرتمند انسان در عرصه طرح مفاهیم و مسایل انسانی است. تیاتر از نظر ظاهر و شیوه های اجرایی تغییرات فراوانی در طول تاریخ دو هزار سالهٔ خود داشته است؛ اما اصول و مبانی آن یعنی مکان اجرا، بازیگر و طرح نمایش همواره حفظ شده است. در تعریف کلی میتوان گفت که: تیاتر بیان بی واسطهٔ یک روایت توسط انسان برای انسان دیگر است. نور، صدا، صحنه پردازی و ... امکانات و ابزاری استند که برقراری ارتباط بهتر و مطلوب با تماشاگر را تسهیل کرده اند. تیاتر به واسطهٔ شکل ویژهٔ اجرایی خود از محدودیت هایی برخوردار است؛ اما به عنوان یک هنر نمایشی، تأثیر چشمگیری بر هنر های تصویری بعد از خود به ویژه سینما داشته است.

هر نمایشنامه یا هر نمایش، بازتاب یک شیوهٔ نگرش خاص به زنده گی است. هر نویسندهٔ تیاتر آنچه را مینویسد، از زنده گی میگیرد و این بدان معناست که تیاتر هیچ وقت از زنده گی جدا نبوده و نیست. به وجود آوردنده گان تیاتر در حقیقت تلاش کرده اند؛ تا واضح سازند که تیاتر آیینهٔ زنده گی است و میخواهند با به نمایش گذاشتن خوبی ها و بدی ها در تهذیب اخلاق جامعه نقش داشته باشند و افراد جامعه را به سوی خیر و صلاح رهنمون سازند. با به نمایش گذاشتن ابعاد شخصیت و روابط درست و نادرست، انسانها را متوجه اعمال و رفتار شان سازند.

سینما

در سال۱۸۹۵م. سینما از ابتدای پیدایش، یک هنر نبود؛ بلکه آن را تصویر متحرک میخواندند. تقریباً بیست سال طول کشید که سینما تکامل یافت و به عنوان یک هنر شناخته

شد. در آغاز سینما را بیشتر یک پدیدهٔعلمی-صنعتی میدانستند. در سالهای جنگ جهانی اول سینما به عنوان یک وسیلهٔ نمایشی و سرگرمی رونق تجاری یافت و سپس قابلیت های هنری آن نیز رفته رفته توسط فلمسازان اروپایی و امریکایی کشف و شگوفا گردید و در همان سالها آن را هنر هفتم نامیدند.

سینما از جنبهٔ خلاقیت و بیان هنری، یک رسانهٔ ارتباطی پیچیده است؛ زیرا تولید یا خلق یک اثر سینمایی، مستلزم استفاده و تلفیق اکثر هنر های ماقبل سینما، از جمله ادبیات، نقاشی، تیاتر، معماری و موسیقی است، همراه با موارد فنی، علمی و اقتصادی که در جریان تولید فلم، فلمساز با آن مواجه است؛ چنانچه تاریخ سینما را با تاریخ سایر هنر ها مقایسه کنیم، متوجه میشویم که این هنر در مدت کوتاه رشد فوق العاده زیادی داشته است. طوری که هیچ هنری در قرن بیستم به استثنای رسانهٔ تلویزیون، نتوانسته با آن از لحاظ محبوبیت، فراگیری و نیروی تأثیر بر عواطف و افکار مخاطب، رقابت کند.

یکی از ویژه گیهای سینما جمعی بودن آن است که تعداد زیادی تماشاگر میتوانند در کنار هم و هم زمان در نمایش فلم شرکت کنند. سینما از همان آغاز اختراع خود، توانست فضایی خاص را به منظور سرگرمی جمعی مردم فراهم آورد.

سینما از آغاز تا امروز مراحل گوناگونی را طی کرده است، که نخست سینما صامت یا بدون صدا و فلم ها سیاه و سفید بود؛ سپس از اواخر دههٔ ۱۹۲۰م. عصر فلم صدادار آغاز شد و عامل صدا عملاً سینما را به صورت یک هنر سمعی و بصری درآورد. از اواخر سال ۱۹۳۰ م. با اختراع فلم رنگه سینمای رنگه به میان آمد.

بیاموزیم

۱. هنر های هفتگانه شامل موسیقی، نقاشی، ادبیات، مجسمه سازی، معماری، تیاتر و سینما میباشد.

۲. موسیقی، هنری است که با استفاده از گزینش اصوات ویژه و ترکیب کردن آنها با یکدیگر، با استفاده از اصول و قوانین خود، بیان مقصود میکند.

۳ . نقاشی هنری است خیال انگیز، که قدامت آن پیشتر از زبان نوشتاری است.

۴. پیکر تراشی یکی از جالب ترین و پیچیده ترین هنر های آدمی است، که شامل کنده کاری هنرمندانه و ظریف میباشد.

۵. کهن ترین مجسمه را متعلق به ۳۰۰۰۰ سال پیش دانسته اند. در عصر قدیم مردمان ماقبل تاریخ، مجسمه های از استخوان و عاج میساختند.

۶ . تیاتر یا نمایش، سابقهٔ طولانی دارد و آغاز آن به یونان باستان باز میگردد. این هنر یکی از ابزار بیانی مؤثر انسان در عرصه طرح مفاهیم و مسایل انسانی است.

۷. سینما هنر هفتم به حساب می آید و یکی از ویژه گیهای سینما جمعی بودن آن است که تعدادی زیادی تماشاگر میتوانند در کنار هم و هم زمان در نمایش فلم شرکت کنند.



نگارش مطبوعاتی: مراد از نوشته های مطبوعاتی، انواع نوشته هایی است که در روزنامه ها، مجلات و دیگر نشریات درج و عامهٔ مردم از قشر ها و سطوح فرهنگی گوناگون، مخاطبان آنها به شمار میروند. این نوشته ها عنوان های متعددی دارند، از جمله سر مقاله، خبر، گزارش خبری، تفسیر، مصاحبه عنوان های دیگر نیز ممکن است به ورزش، جوانان، زنان، صحت، خانواده و امور فرهنگی اختصاص یابد.

انواع این نوشته ها، به مقتضای کار ویژهٔ آنها، در برخی از خصوصیات، مشترک اند، در عین آنکه هر کدام از آنها برای خود ویژه گی های دارد. مهمترین خصوصیت مشترک آنها تازه بودن و زنده بودن موضوع آنهاست؛ مثلاً: تازه ترین حادثه، کتاب، فلم، نمایش در آنها مطرح میشود. بحث های نظری محض و مطالب خشک و بی روح مناسب مطبوعات نیست؛ خصوصیت مشترک دیگر زبان آنهاست،که زبان روزنامه یی نام گرفته است و آن زبانیست معاصر، مردم پسند، بی پیرایه.

سر مقاله: موضوع اصلی سر مقاله مهمترین حادثه و مسألهٔ روز است. در سر مقاله باید یک موضوع عمده شگافته شرح و بسط داده شود. نباید حد اکثر بیش از یک ستون روزنامه را اشغال کند. سر مقاله سخنگوی روزنامه است؛ لذا در نگارش آن باید احتیاط رعایت شود.

خبر: خبر باید کوتاه ، مؤثر و حاوی همه اطلاعاتی باشد که خواننده گان کنجکاو جویای آن اند. زبان خبر برعلاوه ساده گی و بی پیرایه گی، باید موجز و دارای بار معنایی زیاد باشد.

گزارش خبری (رپورتاژ): میتواند چند ستون روزنامه را اشغال کند زبان آن باید شیرین و دلچسپ باشد. در آن برای توصیف زنده، فنون بلاغی در حد اعتدال به کار رود.

مصاحبه: به پرسشهای مصاحبه کننده بسته گی دارد که پرسشهایش باید مغز دار و پر مایه باشد زبان مصاحبه برحسب مورد، گاه خود مانی و صمیمی و گاه رسمی با مراعات نزاکت سیاسی و تشریفاتی است.

کار گروهی و سخنرانی

۱۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ هنر های هفتگانه یک گروه از گروه دیگر پرسشهایی طرح نمایند.
۲. سه شاگرد به نوبت نتیجهٔ درس را بیان نمایند.
۳. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در بارهٔ تهیه خبر با هم بحث و گفتگو نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران شرح کند.

 املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده می شود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر پایین در کتابچه های تان متنی بنگارید و نتیجهٔ کلی آن را مشخص نمایید.





۱. هنر های هفتگانه را نام بگیرید.
۲. موسیقی از کدام واژه گرفته شده و چگونه از موسیقی تعریف شده است؟
۳. در باره هنر پیکرتراشی چه میدانید؟
۴. در رابطه به هنر تیاتر معلومات دهید.
۵. سینما تا کنون کدام مراحل را طی کرده است؟
۶. مراد از نوشته های مطبوعاتی کدام نوشته ها است؟
۷. زبان روز نامه یی چگونه زبان است؟
۸. موضوع اصلی سرمقاله را چه تشکیل میدهد؟



۱. در مورد هنر نقاشی در افغانستان معلومات تان را بنگارید.
۲. ابیات زیر را حفظ کنید:

خوشا کمال و هنر خُرما خردمندی ــ که شاخسار وجودش زدانش آرد بر
هنر به نزد خردمند بس خطیر آید ــ چنانکه در نظر مرد جوهری جوهر

ادیب الممالک فراهانی

۳. متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روزآینده آماده گی بگیرید.

درس بیست ششم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. رباعی به کدام قالب شعری گفته میشود؟
۲. رباعی چه وقت و در کجا بوجود آمد؟
۳. کدام شاعران رباعی سروده اند؟
٤. عمر خیام کی بود و رباعیات وی دارای کدام مفاهیم میباشد؟

در پایان معرفی، همین پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

رباعی

رباعی عبارت از قالب شعریی است که دارای چهار مصراع بوده، مصراع اول دوم و چهارم آن داری قافیهٔ واحد باشد. معنای رباعی اغلب در مصراع آخر تکمیل میگردد. رباعی در ادبیات عرب وجود ندارد. این قالب شعری در آغاز دور اسلامی در سرزمین ما پدید آمد. از دور سامانیان از شهید بلخی، ابوشکور بلخی و رودکی رباعیات لطیفی در دست است؛ سپس ابن سینا، ابو سعید ابو الخیر، بابا طاهر عریان و خواجه عبدالله انصاری بدان روی آوردند و با عمر خیام به ذروه کمال رسید. پس از آن شاعران دیگری چون مولانا جلال الدین محمد بلخی، سعدی، حافظ، بیدل و... رباعیاتی سروده اند.

عمر خیام رباعی سرای بی نظیر: حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشاپوری از دانشمندان و ریاضی دانان و شاعران بزرگ اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میباشد. او معاصر سلطان ملک شاه سلجوقی بود. وی بر علاوه از نجوم در فلسفه، طب و حکمت استاد بود. رباعیات خیام شهرت جهانی دارد و به اغلب زبان های زندهٔ دنیا ترجمه شده است. این رباعیات بسیار ساده بوده، شامل معانی عالی فلسفی در الفاظ موجز و کوتاه میباشد. ششصدو شش هزار رباعی را به او نسبت میدهند. هیچ شاعری به پیمانهٔ او رباعی با مفاهیم ازرنده نه سروده است. خیام را یکه تاز میدان رباعی سرایی میدانند؛ اکنون به طور نمونه از او میخوانیم:

این یک دو سه روزه نوبت عمر گذشت
چون آب به جویبار و چون باد به دشت
هـرگـز غـم دو روز، مـرا یـاد نـگشت
روزی که نیامدست و روزی که گذشت

* * *

پیش از من وتو لیل و نهاری بودست
گـردنده فـلک نیز به کـاری بودست
هر جا که قـدم نهی تو بر روی زمین
آن مرد مـک چشم نگاری بوده است

* * *

روزی که گذشته است از او یاد مکن
فـردا کـــه نـیامده است فریاد مـکن
بـر نامـــده و گـذشـته بـنیاد مـکن
حالی خوش بـاش و عمر بر باد مکن

رباعی از ابو سعید ابوالخیر: * * *

بهتر ازین در جهـان چــه بود کار
دوست بر دوست رفت و یار بر یـار
آن همه اندوه بود و این همه شادی
آن همه گفتار بود و این همه کردار

رباعی از خواجه عبدالله انصاری: * * *

در راه خـدا دو کـعبه آمد حاصـل
یک کعبهٔ صورتست یکی کعبهٔ دل
تـا بتـوانـی زیـــارت دلـها کـــن
کـافزون ز هزار کعبه آمد یک دل



* ابوسعیدابوالخیر از نخستین سخنگویان متصوف قرن چهارم هجری خراسان بود که رباعیاتش را وسیلهٔ بیان مطالب فلسفی و عرفانی کرد.

بیاموزیم

۱. رباعی عبارت از قالب شعری است که دارای چهار مصراع بوده، مصراع اول دوم و چهارم آن دارای قافیهٔ واحد باشد.

۲. رباعی در ادبیات عرب وجود ندارد این قالب شعری در آغاز دور اسلامی در سرزمین ما پدید آمد.

۳. از دور سامانیان از شهید بلخی، ابوشکوربلخی و رودکی رباعیات لطیفی در دست است. بعداً ابن سینا، ابو سعید ابو الخیر، بابا طاهر عریان و خواجه عبدالله انصاری بدان روی آوردند و با عمر خیام به پایه کمال رسید.

۴. رباعیات خیام شهرت جهانی دارد و به اغلب زبان های زندهٔ دنیا ترجمه شده است. این رباعیات بسیار ساده بوده شامل معانی عالی فلسفی در الفاظ موجز و کوتاه میباشد.



تقلید چیست؟

از روی کار کسی کاری را انجام دادن تقلید است. تقلید از خواص اجتماعی شخصیت است که در اجتماع تشکل میپذیرد. تقلید در مود و فیشن، نگارش، آواز خوانی و همه موارد وجود دارد. شخصی که دارای جهانبینی نیست و ذوق و سلیقه خودش مطرح نمیباشد؛ کوشش مینمایند که همواره تقلید کند. این شخص مقلد در نگارش صاحب سبک به خصوص خود نمیگردد. نوآوری و خلاقیت در کارش دیده نمیشود. تقلید دو نوع است یکی تقلید آگاهانه (مثبت) و دیگر تقلید کورکورانه(منفی).

تقلید آگاهانه میتواند موثریت در کار نویسنده داشته باشد و باعث رشد استعداد شخص مقلد گردد؛ به شرطی که از شخصی که تقلید میکند، آن شخص در جامعه مقام و جایگاه

خوبی داشته باشد؛ اما تقلید های کور کورانه برعلاوه یی که استعداد مقلد را ضربه میزند، مانع کارهای بعدی؛ پیشرفت و خلاقیت وی میگردد و هیچگاهی نمیتواند دارای جهانبینی واقعی و دید منطقی گردد. تقلید کور کورانه نتیجه منفی در قبال دارد و قابل قبول برای مردم و جامعه نمی باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ سپس هرگروه در بارهٔ رباعی و رباعی سرایی با هم گفتگو نمایند و از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران ارائه نماید.
۲. چند شاگرد به نوبت رباعی را که به یاد داشته باشند برای همصنفان خود بگویند.

املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. رباعیی را که از خواجه عبدالله انصاری خواندید اساس قرار داده یک متن ادبی بنویسید.



۱. رباعی را تعریف کنید.
۲. از شاعرانی که رباعی سروده اند نام ببرید.
۳. در بارهٔ خیام چه میدانید؟
۴. رباعی اول که از عمر خیام خواندید کدام مفهوم را میرساند؟
۵. تقلید چه را میگویند؟
۶. در مورد تقلید آگاهانه چه میدانید؟



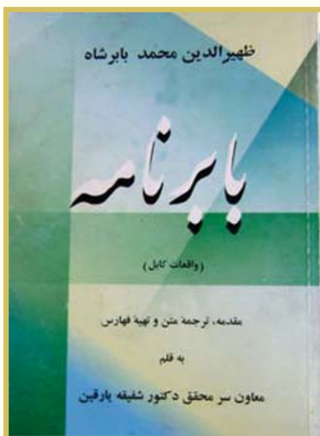
۱. چند رباعی از شاعران مختلف انتخاب نموده روز آینده در صنف بخوانید.
۲. این جمله را به یاد داشته باشید:
استاد آن چیزی را که قبلاً دربارهٔ آن چیزی نمیدانستیم به ما آموخت. مسلماً او سزاوار احترام است. (ساميول جانسن انگلیسی)
۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی سؤال های زیر باشد:

۱. بابر نامه اثر کیست؟
۲ بابر نامه از کدام موضوعات بحث میکند و چگونه یک اثر است؟
۳. بابرنامه در اول به کدام نام یاد میگردید؟
٤. بابرنامه به کدام زبانها چاپ گردیده است؟

در پایان معرفی، همین سؤال ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بابرنامه



بابر نامه یا وقایع بابری که بنام «توزوک» بابر معروف است؛ تألیف ظهیر الدین محمد بابر شاه فرزند عمر شیخ و نوادهٔ امیر تیمور کورگان، بنیان گذار سلسلهٔ کورگانیان هند میباشد. او در سال ۸۹۹ هجری در سن ۱۲سالگی در فرغانه به جای پدر به تخت نشست. وی در سال ۱۵۰۴–۱۵۲۵م. در بدخشان حکومت نموده؛ سپس قصد تسخیر هند کرد. پس از فتح پانی پت سلطان ابراهیم لودی پادشاه دهلی را شکست داد. در سال۱۵۲۶م آگره، دهلی و شمال هندوستان را از رود سند تا بنگال تصرف کرد. بابر در سال ۹۱۰ هجری کابل و نواحی آن را تصرف کرد و این شهر باستانی را پایتخت خود قرار داد، او در بارهٔ این شهر در بابر نامه چنین نوشته است:

کابل از اقلیم چهارم است... از مختصر ولایت است، طولانی افتاده، طول آن از مشرق به طرف مغرب است، اطراف و جوانب آن تمام کوه است... در زمان عم من والوغ بیگ میرزا در دامنهٔ این کوه، یک جوی کشیده، باغاتی که در این دامنه است تمام به این جوی معمور است... از شهر کابل سه چشمهٔ خورد برآمده، دوتای آن در نواحی گلکنه است؛ بر سر یک چشمه خواجه شمو نام مزاری است و در چشمهٔ دیگر، قدمگاه خواجه خضر است، این دو گشتگاه مردم کابل است. یک چشمهٔ دیگر روبروی مزار خواجه عبدالصمد (عاشقان و عارفان) خواجه روشنایی میگویند....

بابر در سال ۱۵۳۰م. در آگرهٔ هند وفات یافت. جسدش بنابر وصیت وی در کابل به خاک

سپرده شد. بجای او فرزندش همایون شاه به تخت سلطنت نشست.

بابرنامه یکی از کتب جامع تاریخی در سده شانزدهم میلادی است، که در مورد تاریخ و جغرافیای افغانستان ،آسیای میانه و هندوستان به ویژه دورۀ تیموریان، میتوان معلومات دقیق از آن حاصل کرد. این اثر حاوی مطالب فولکلور، ادبیات، هنر، مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی بوده حتی ویژه گیهای قومی مردمان مختلف رسوم و عادات، پوشاک، خوراک، داد و ستد های مردم، شرح احوال امرا، شعرا و دانشمندان آن ادوار را در بر میگیرد؛ همچنان معلومات در بارۀ نواحی، شهر ها، مساجد، مدارس، خانقاه ها، مزار ها، کوه وکوتل ها، دریاها، بند های آب، معادن، جنگلها، باغها، داده شده است از همین جهت بابرنامه از آغاز نگارش تا کنون، ارزش و شهرت و تازه گی مطالب خود را حفظ کرده است و دانشمندان و مؤرخان بزرگ شرق و غرب بر آن استناد و بار بار به تجدید ترجمه و تجدید نشر آن دست میبازند.

بابرنامه به زبان ترکی چغتایی و با نثر ساده نگاشته شده است و حوادث سالهای ۸۹۹–۹۳۶ هجری قمری را در بر میگیرد. شخصیت برجستۀ بابر در این اثر بدون تعصب موضوعات را بیان کرده است. بابرنامه از جنبه های مختلف تاریخی، جغرافیایی، مردم شناسی و ادبی دارای ارزش و اهمیت فراوان میباشد. این اثر توسط ادیب معروف آن روزگار عبدالرحیم خانخانان فرزند بیرام خان شاعر و مؤرخ نام آور از زبان ترکی چغتایی به زبان دری ترجمه گردیده است بابر، در بابر نامه ابتدا وقایع و سرگذشت هایی را که از آغاز حکمرانی به سراغش آمده بیان نموده است. بعداً خاطره های خویش را اساس بابر نامه قرار داده است از گفته های بابر و معلومات دخترش گلبدن بیگم در همایون نامه معلوم میشود که اول این کتاب به نام «واقعه نامه» یاد شده در یکی از رباعیات آن که ترجمۀ آن چنین است آمده:

وز عالم، عجب درد و الم ها دیـدم | وز مردم دهر طُرفـه ستـم ها دیـدم
هرکس که اینک واقعه را خواند داند | چه رنج وچه محنت وچه غم هادیدم

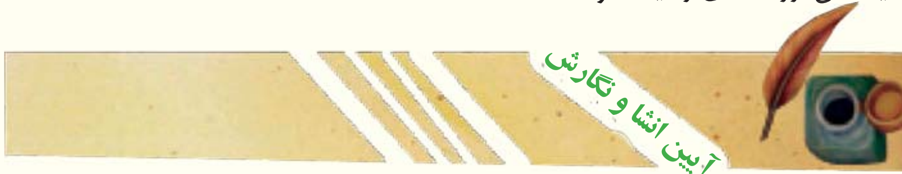
بابرنامه به زبانهای مختلف در ترکیه ، انگلستان، آلمان، فرانسه، هندوستان و جاپان چندین بار چاپ گردیده است. قابل یادآوری است که ظهیرالدین محمد بابر با ژرف نگریش نه تنها یک مرد سیاسی، نظامی، کشورگشا و مؤسس یک امپراطوری بود؛ بلکه او به عنوان یک شخصیت فرهنگی، محقق و نویسنده با نوشتن این کتابش (بابرنامه) در معرفی، تلفیق و پیوند فرهنگ ها و ثقافت ها در قسمت بزرگی از جغرافیای آسیا نقش ارزشمندی را ایفا نموده است.



تـوزوک واژهٔ ترکی به معنای نظم و ترتیب و سلسله مراتبی که فرمانروا یا فرمانده نظامی برای لشکریان و سازمانهای وابسته اعمال میکرد. توزوک از توز ترکی گرفته شده به معنای آراستن و منظم کردن است.

بیاموزیم

۱. بابر نامه تألیف ظهیر الدین محمد بابر شاه فرزند عمر شیخ و نواده امیر تیمورکورگان، بنیان گذار سلسلهٔ کورگانیان هند میباشد.
۲. بابرنامه یک کتاب تاریخی در سدهٔ شانزدهم میلادی است، که در مورد تاریخ و جغرافیای افغانستان، آسیای میانه و هندوستان میتوان معلومات دقیق از آن حاصل کرد.
۳. بابرنامه توسط عبدالرحیم خانخانان فرزند بیرام خان شاعر و مؤرخ نام آور از زبان ترکی چغتایی به زبان دری ترجمه گردیده است.
۴. بابرنامه به زبانهای مختلف در ترکیه، انگلستان، آلمان، فرانسه، هندوستان و جاپان چندین بار چاپ گردیده است.
۵. بابرنامه در معرفی، تلفیق و پیوند فرهنگ ها و ثقافت ها در قسمت بزرگی از جغرافیایی آسیا نقش ارزشمندی را ایفا نموده است.



سبک در نگارش

کسی که در نگارش دارای جهانبینی است کوشش مینماید که با ذوق و سلیقه شخصی خود موضوع را انتخاب و با کلمات و الفاظ زیبا و پسندیده با تسلسل منطقی آنرا بنویسد. کسانیکه چنین خواص دارند متکی به خود بوده نو آوری ها در کار شان دیده میشود و بالاخره دارای سبک میشوند.

سبک طریقه و روش خاص بیان یک فرد را گویند. سبک در نگارش انعکاس شخصیت است. از بزرگترین شاعر و نویسندهٔ جهان گرفته تا شاگرد که در نگارش مشکل دارد داری سبک میباشد. این شاگرد مبتدی پس از تمرین زیاد میتواند سبکش را پرورش دهد. احساس خود را در برابر زیبایی که در طبیعت وجود دارد، بپرورد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان درمورد ارزش و اهمیت بابرنامه تفکر نموده نظریات شانرا درین رابطه ابراز نمایند.
۲. دو دو شاگرد با هم در بارهٔ سبک در نگارش گفتگو نمایند.
۳. شاگردان در مورد شخصیت بابر سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم محترم خوانده میشود، املا بنویسید.
۲. در بارهٔ تصویر زیر معلومات مختصر بنگارید.


ظهیرالدین محمد بابر



۱. بابر نامه اثر کیست ؟
۲. بابر کی بود ؟
۳. بابرنامه در برگیرنده کدام موضوعات است ؟
۴. بابرنامه توسط کی به دری برگردانده شد؟
۵. خلاقیت و نو آوری در نگارش چه اهمیت دارد؟
۶. سبک چیست؟ چگونه میتوانیم در نگارش دارای سبک شویم؟



۱. در مورد بابرنامه معلومات خارج از درس دریافت نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
۲. قطعهٔ زیرین را حفظ کنید:

حال نادان را زنادان به نمیداند کسی — گرچه در دانش فزون از بوعلی سینا بود
طعن نابینا مزن ای دم زبینایی زده — زانکه نابینا به کار خویشتن بینا بود

۳. متن درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن روز آینده آماده گی بگیرید.

درس بیست هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود، که تشریحاتش جوابگوی پرسشهای زیر باشد:

۱. در صورتی که ماین یا مهمات منفجر نا شده را می بینید، چه عکس العملی نشان میدهید؟

۲. ماین ها و مهمات منفجر نا شده توسط چه کسانی از بین برده میشود؟

۳. در صورت مواجه شدن با قربانی ماین چه عکس العملی نشان میدهید؟

در پایان معرفی، پرسشها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

در صورت مواجه شدن با ماین چه باید کرد؟



در اثر جنگ های طولانی در افغانستان انواع سلاح ها و مهمات منفجر ناشده پراگنده شده اند. از جملهٔ این مواد، ماین ها و مهمات منفجر ناشده میباشند. دیدن و تشخیص دادن ماین ها کار آسانی نیست؛ زیرا آنها اکثراً در زیر زمین گور شده اند؛ اما مهمات منفجر ناشده برروی زمین قرار دارند و شناخت آنها کار دشواری نیست؛ بنابران شاگردان عزیز باید جدی توجه داشته باشند، که به اشیای ناشناخته دست نزنند، سیم های ناشناخته را کش یا قطع ننمایند و از انداختن سنگ یا اشیای دیگر به طرف ماین ها و مهمات منفجر ناشده خود داری نمایند. انداختن سنگ یا اشیای دیگر به طرف ماین ها و مهمات منفجر ناشده بسیار خطرناک بوده و باعث زخمی یا کشته شدن انسانها و حیوانات میگردد. مهمات منفجر ناشده را میتوان در هرجا، حتی در باغچه ها، زمین های زراعتی، سرک ها، مکاتب و غیره جاها در یافت نمود؛ اما ماین ها اکثراً در مناطق ذیل پیدا میشوند:

* در راه ها و گذرگاه ها و سرک هایی که مورد استفاده قرار نگرفته اند.
* در کنار سرک ها و راه ها.
* در ساحاتی که جای دور دادن عراده جات باشد.
* در داخل یا کنار پلچک ها و لبه های پل ها.
* در داخل یا کنار مخروبه ها.
* در دروازه و کنج اتاق های منازلی که خالی باشند.

* در داخل و اطراف چاه ها و دیگر منابع آب.
* در اطراف پوسته های امنیتی و وسایط تخریب شده
* در فرو رفتگی های زمین که به شکل مخفیگاه از آن ها استفاده شده بتواند و....

ممکن است بنابر دلایل مختلف شما در ساحۀ خطرناک یا ماینزار قرار بگیرید؛ و یکبار متوجه شوید که از راه مصون منحرف شده اید. در چنین حالت نباید وارخطا شده و به عقب یا اطراف تان بدوید؛ بلکه به مشوره های ذیل عمل نمایید:

* به طور آنی و عاجل توقف نمایید.
* در صورتی که کسان دیگر با شما باشند، به آنها بگویید حرکت ننمایند؛ زیرا ساحه خطرناک است.
* از کسی که در ساحۀ مصون قرار دارد، تقاضای کمک نمایید تا در جستجوی کمک شده و به ماین پاکان یا مقامات محلی (پولیس، ریش سفیدان ...) اطلاع بدهد.
* الی رسیدن کمک منتظر باشید و از جای خود حرکت نکنید.

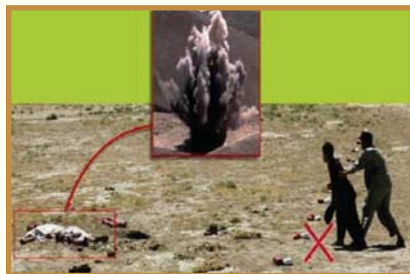
در صورتی که در ساحۀ ماینزار ناآگاهانه قرار میگیرید، هرگز به عقب یا اطراف خود حرکت نکنید، در جای تان متوقف شده و از دیگران بخواهید تا به مسؤولان خبر بدهند.

در صورت مواجه شدن با قربانی ماین چه باید کرد؟

در صورتیکه شما به قربانی ماین مواجه میشوید، کوشش نکنید تا به قربانی حادثه نزدیک شوید.

در چنین حالت به دستور های ذیل عمل نمایید:

* هرگز به ساحه خطرناک داخل نشوید؛ زیرا خود تان صدمه می بینید، شما باعث انفجار دیگر خواهید شد و به زخمی صدمه بیشتر میزنید. به یاد داشته باشید در ساحه یی که یک ماین وجود داشته باشد، امکان موجودیت ماین های بیشتر هم است.



* زخمی را آرام سازید، یعنی با او توسط حرف هایتان آرامش و سکون دهید.
* خواهان کمک مسلکی شوید (به ماین پاکان، پولیس، افراد نظامی، کلینک ها یا شفاخانه ها اطلاع دهید.) اگر تلفون همراه نزد تان باشد، به اقارب و یا کسی که شما را کمک کرده بتواند زنگ بزنید.
* تا وقتی که کمک مسلکی میرسد هرگز داخل

ساحه نشوید. با قربانی حادثه صحبت نمایید و برایش بگویید که از جایش حرکت نکند. هرگز چیزی را به طرفش پرتاب نکنید.

* در صورت مواجه شدن با قربانی ماین، هرگز داخل ساحهٔ ماینزار نشوید. هرچه زودتر به ماین پاکان یا مسؤولین محل خبر بدهید. از کمک های غیر مسلکی خودداری نمایید.

دین مقدس اسلام ما را همیشه به رعایت احتیاط در همه امور زنده گی توصیه مینماید. هر فرد مسلمان باید در حفظ جان خود ودیگران کوشا بوده و هرگز در قسمت این نعمت بزرگ خداوندی بی اعتنایی نکند.

همانگونه که همه میدانیم در طی جنگ های طولانی ساحات زیادی وطن عزیز ما با ماین ها و مهمات منفجر ناشده ملوث شده است. یکی از تاثیرات منفی جنگ خراب شدن وضع اقتصادی اکثریت مردم است. به همین دلیل تعدادی از فامیل ها اطفال شان را جهت جمع آوری چوب، توته های آهن و غیره به ساحات خطرناک میفرستند، که این عمل باعث زخمی یا کشته شدن آنها میگردد.

فعالیت هایی که خطر در قبال دارد و باید از آنها جلوگیری شود، قرار ذیل است:

* جمع آوری چوب از ساحات خطرناک.
* جمع آوری آهن های کهنه از ساحات جنگزده.
* داخل شدن به خانه های مخروبه و خالی.
* عبور نمودن از علایم خطر (سنگ های رنگ شدهٔ سرخ و آبی)
* گشت و گذار در ساحات مشکوک (جنگزده)
* بازی نمودن در ساحات خطرناک.
* استفاده از راه ها و سرک هایی که رفت و آمد در آن جا صورت نمیگیرد.

به این ترتیب به خاطر حفظ جان و صحت خود باید به نکاتی که در بالا ذکر گردیده اند، همان طور عمل کنید، تا منحیث یک مسلمان سالم و نیرومند به جامعهٔ خود خدمت نمایید.



* مهمات منفجر ناشده عبارت از سلاح ها و مهماتی اند؛ که در جریان جنگ ها مورد استفاده قرار گرفته؛ اما منفجر نشده اند؛ مثلاً: راکت ها، بمب های دستی، مرمی های تانک، مرمی های مختلف تفنگ ها، راکت، بمب هایی که از طیاره پرتاب شده اند و غیره

* جلوگیری از خطرات مهمات منفجر ناشده آسانتر است؛ زیرا آنها اکثراً برروی زمین قرار دارند و به آسانی میتوان آنها را دید؛ اما ماین ها در زیر زمین مدفون شده اند و انسان ها را غافلگیر میکنند.

بیاموزیم

۱. در اثر جنگ های طولانی در افغانستان انواع سلاح ها و مهمات منفجرناشده پراکنده شده اند.
۲. شاگردان عزیز باید جداً توجه داشته باشند، که به اشیای ناشناخته دست نزنند.
۳. مهمات منفجر ناشده میتواند در هر جا، حتی در باغچه ها، زمین های زراعتی، سرک ها، مکاتب و غیره جاها موجود باشد.
۴. در صورتی که در ساحهٔ ماینزار مواجه میشوید، هرگز به عقب یا اطراف خود حرکت نکنید، در جای تان متوقف شده و از دیگران بخواهید تا به مسؤولان خبر بدهند.
۵. در صورتیکه شما به قربانی ماین مواجه میشوید، کوشش نکنید تا به قربانی حادثه نزدیک شوید، در آنصورت به جای یک زخمی، دو زخمی بوجود خواهد آمد.
۶. خواهان کمک مسلکی شوید (به ماین پاکان، پولیس، افراد نظامی، کلینک ها یا شفاخانه ها اطلاع دهید.)



چگونه دارای سبک شویم؟

برای اینکه دارای سبک شویم، نخست تقلید نکنیم و نوشتهٔ ما جوابگوی احتیاجات زنده گی متغیر و متحول افراد باشد، افکار عمومی را ارتقا دهد، دید اجتماعی مردم را بالا ببرد و افراد جامعه را با حوادث تازهٔ زمان آشنا سازد. خود نویسنده باید وسعت اندیشه، قدرت تخیل، ابتکار و نوآوری و آشنایی با زبان مادری داشته باشد. واقع بین و حقیقت گرا باشد. تنوع و تناسب در بیان موضوعات و انتخاب کلمه ها و عبارات داشته باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده؛ سپس هر گروه در بارۀ درس خوانده شده باهم گفتگو نموده نتیجه را به دیگران انتقال دهند.

۲. دو تن از شاگردان در رابطه به خطرات ماین ها و مهمات منفجر ناشده سخنرانی نمایند.

۳. چند تن از شاگردان به نوبت در رابطه به سبک در نگارش اظهار نظر نمایند.

 املا و نگارش

۱. متنی را که توسط معلم گرامی خوانده میشود در کتابچه های تان املا بنویسید.

۲. در مورد تصویر پایین متنی بنویسید که از هشت سطر کم نباشد.





خود آزمایی

۱. در صورتیکه با ماین مواجه شوید چه خواهید کرد؟
۲. مهمات منفجر ناشده در کجا میتواند وجود داشته باشد؟
۳. جا هایی را که ممکن است ماین در آن وجود داشته باشد نام بگیرید.
۴. در صورتیکه با قربانی ماین مواجه شوید از کی ها کمک میخواهید؟
۵. آیا قربانی ماین یا مهمات منفجرناشده را در ساحه رها کرده و خودتان فرارمیکنید؟
۶. آیا شما به خاطر کمک به ساحۀ ماین داخل خواهید شد؟
۷. آیا در نگارش تقلید مفید است؟
۸. سبک در نگارش چه اهمیت دارد؟
۹. در نظر گرفتن کدام نکات مهم ما را کمک میکند، که در نگارش دارای سبک شویم؟



کارخانه گی

۱. در مورد کمک های مسلکی به زخمی معلومات خود را بنگارید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:

چنین است کیهان نـــا پـــایـــدار
تو در وی به جز تخم نیکی مکار
فردوسی

واژه نامه

آ

آشفته	پریشان
آشوب	بی نظمی، اغتشاش

الف

اختلال	خلل پذیرفتن، آشفته گی، نا به سامانی
اختناق	خفه شدن، گلو گرفته شدن
ادوار	جمع دور، زمانها
ادیم	چرم
اراده	میل، به خودی خود، خواست، قصد، آهنگ، تصمیم
ارکان	جمع رکن، مبنا، پایه، ستون
استحکام	محکم شدن، قوی شدن
استمداد	مدد خواستن
استناد	سند قرار دادن
اسراف	افراط و زیاده روی در خرج کردن، بی اندازه و بی جا خرج کردن.
اسلاف	جمع سلف به معنای گذشته گان و پیشینیان
اطلس زرکش	پارچه ابریشمی که تار های زر در آن کشیده شده باشد.
اعجاب	به شگفتی آوردن کسی را، عجیب دانستن، خود پسندی
اغتشاش	بی نظمی ، آشوب
افتقار	تهیدستی، درویشی
افراط	زیاده روی کردن در هر کاری
افکندن	انداختن، گستردن و هموار کردن فرش
اقتدا	پیروی کردن، متابعت
اقتدار	قدرت یافتن، توانا شدن
اکتساب	کسب کردن، حاصل کردن، فراهم آوردن
التیام	به هم پیوند دادن، بهبود یافتن زخم

الحان	جمع لحن، آهنگ و آواز
الم	درد و رنج
الوان	جمع لون به معنای رنگها
امتیاز	مزیت و برتری ، حقوقی که برای افراد اجتماع داده شده است.
امرا	جمع امیر، سرداران، فرماندهان
امیال	جمع میل، آرزو ها، خواهش ها
انتزاع	برکندن، از جای بیرون کشیدن
اندوده	ماده یی که به چیزی بمالند مثل کاهگل، قیر
انس	همد می، خرمی
انقراض	نابود شدن
اهانت	تحقیر کردن، خوار شمردن، پست شمردن
اهتزاز	جنبیدن، جنبش
ایوان	قصر، کاخ

ب

برنز	ماده یی است از آمیزش مس و قلعی بوجود میاید.
بسط	گستردن ، فراخی، وسعت
بلاطائل	بی فایده
بلیغ	سخن رسا و شیوا

پ

پاداش	عوض، مزدی که در برابر کاری پرداخته میشود.
پرتو	روشنی
پرچم	بیرق، درفش، علم

ت

تاس	بیقراری، بی طاقتی، اندوه، ملالت
تبعیض	بین دو کس دارای حقوق مساوی، یکی را امتیاز دادن
تبه	مخفف تباه

تتبع — جستجو کردن
تحقیر — خوار کردن، خوار شمردن،کوچک شمردن، توهین، اهانت
تحلیل — حل کردن، گشودن
تحمل — قبول رنج و سختی، با صبر بودن، طاقت داشتن، بردباری
تداعی معانی — از یک معنی به معنای دیگر پی بردن، به یاد آوردن
تراکم — انباشته شدن
تساند — یاری دادن، کمک کردن، تعاون
تسلسل — پی در پی بودن
تسلط — مسلط شدن، چیره شدن، دست یافتن برکسی یا چیزی
تشنج — در هم کشیده شده
تطبیق — باهم مطابق کردن، برابر کردن، عمل کردن
تعاون — یکدیگر را کمک کردن، مدد کاری
تعبیر — مطلبی را بیان کردن
تعصب — سخت گرفتن در چیزی
تعقل — اندیشیدن
تعلقات — جمع تعلق، وابسته گی ها
التفات — توجه کردن
تفریط — از حد گذشتن در جهت نقصان و کمی، بر عکس افراط
تفنن — سرگرمی
تکنالوژی — علم تخنیک
تلطف — نرمی، اظهار لطف و مهربانی
تلفیق — ترتیب دادن، مرتب کردن
تنفیذ — نفوذ کردن، تأیید کردن
توش — تاب، طاقت، توانایی و نیرو

ث

ثروت — دارایی ، نعمت
ثقافت — تمدن و فرهنگ

ج

جزالت — فصاحت و روانی سخن، محکم بودن الفاظ
جغد — بوم
جو — فضا، مابین زمین و آسمان، هوایی که گرداگرد زمین را فرا گرفته باشد.

ح

حاوی — دربر دارنده
حجاب — پرده، روپوش
حراست — نگهبانی
حسب — شمردن، شمار، کفایت، قدر، اندازه، شرف، بزرگی، گوهر
حشمت — شرم ،حیا، غضب، بزرگی
حصول — حاصل کردن
حضور — نزد، روبروی، حاضر شدن، نزد کسی بودن
حطام — ریزهٔ و شکستهٔ چیزی وبه معنای مال دنیا
حقارت — خواری، پستی، زبونی
حقه — به ضم (ح) به معنای صندوقچه و قطی کوچک
حُلل — جمع حُله به معنای پارچه ابریشمی
حلم — بردباری، شکیبایی
حمال — جوالی، حمل کنندهٔ بار
حوادث — پیشامد ها
حواله — آنچه به کسی واگذار شود.

خ

خاطره — یاد، واقعه یی که بر کسی گذشته باشد، یادبود، یادگار
خجل — شرمگین، شرمنده گی
خطاب — سخنی که رویاروی گفته شود، سخنی به کس گویند و جواب بشنوند.
خطیر — بزرگ، مهم، عظیم، مشکل
خلاقیت — خلق کردن، آفریدن، خلعت، جامه دوخته که از طرف شخص بزرگ به عنوان تحفه داده شود.

د

دادگستر — عادل
داور — قاضی
دیبا — پارچهٔ ابریشمی

ذ

ذروه — قلهٔ کوه
ذلیلان — جمع ذلیل، خوار، پست، زبون

ر

رجوع — برگشتن، باز آمدن
رحلت — کوچیدن، وفات
رفاه — آسایش
رفو — دوختن پاره گی و سوراخ جامه
روزن — سوراخ، منفذ
رونق — پیشرفت، تابش، درخشش

ز

زدودن — پاک کردن، پاکیزه ساختن
زاهد — پارسا، پرهیزکار
زاید — افزون، اضافه
زایل — برطرف شونده، نا پدید
زربفت — پارچه یی که از تار های زر بافته شده باشد
زعارت — بدرویی و شرارت
زمره — گروه، جماعت، دسته

ژ

ژرف — عمیق

س

سالک — پیرو، پارسا، زاهد، عارف
سانحه — حادثه، واقعه، پیش آمد

سجیه — خلق، خوی، عادت
سرهنگ — سردار، فرمانده قشون
سطوت — حمله کردن، قهر، غلبه
سقوط — افتادن
سماوی — منسوب به سماء، آسمانی
سهم — بهره، نصیب
سیمگون — نقره مانند

ش

شحنه — پاسبان، نگهبان
شقاوت — بدبخت شدن
شمسه — آفتاب
شواهد — جمع شاهد به معنای گواهی دهنده
شیفته — عاشق، دلباخته، حیران گشته

ص

صانع — آفریننده
صحن — عرصه، فضا
صدر — مقدم، پیشوا
صنم — بت، دلبر، معشوق زیبا
صید — شکار

ض

ضمیر — باطن انسان،آنچه در خاطر بگذرد، اندیشه، وجدان

ط

طارم — خانه یی را گویندکه از چوب سازند مانند خیمه
طامع — طمع کننده، طمع دارنده
طبل — دهل
طرب — نشاط و شادمانی
طریقت — روش، مسلک، مذهب
طوق — گردنبند

ظ

ظل — سایه

ع

عاری — فاقد، مبرا
عجز — ناتوانی، سستی، درمانده گی
عداوت — دشمنی
عدم — نیستی، نبود، ضد وجود
عدن — اقامت در جایی، بهشت عدن به خاطری گویند که مؤمنان همیشه درآن خواهند بود.
عریان — برهنه
عشرت — عیش، خوشگذرانی، کامرانی
علایم — جمع علامت، نشانه ها
عیب — نقصان، نقیصه، بدی

غ

غالیه — مادهٔ خوشبو
غایت — نهایت، انتها، انجام
غنا — توانگری، بی نیازی، دولتمندی

ف

فاقه — فقر
الفت — خو گرفتن، انس گرفتن، دوستی، همدمی
فتی — سخی، کریم
فصیح — خوش سخن، تیز زبان
فضول — آنکه کار بی جا و بی فایده کند.
فقر — تهیدستی، نیازمندی، فاقه
فقیه — دانا، عالم به احکام شرع جمع آن فقها

ق

قاموس — کتاب لغت
قانع — قناعت کننده ،آنچه قسمت و بهره اش شده به آن خشنود باشد.
قبض — گرفته گی، تنگ کردن، مخالف بسط

قربت نزدیکی
قضا و قدر حکم کردن، تقدیر الهی و حکم الهی که در حق مخلوق واقع شود.
قطاع الطریق راهزن
قهقرا به عقب برگشتن

ک

کافی بس کننده، بی نیاز کننده، کفایت کردن
کاهلی تنبلی
کتیبه نوشته یی که بالای در و دیوار عمارت روی سنگ یا کاشی نقش شده باشد.
کرامت بزرگی، بزرگواری، بخشنده گی
کرسی سریر، تخت
کشف سنگ پشت
کوس طبل
کیش دین و مذهب
کیمخت دباغی شده

گ

گردون آسمان
گسترش وسیع شدن، باز شدن
لاجرم ناچار، ناگزیر

ل

لبیک اجابت، قبول کردن امری
لهو کار های بیهوده یی که انسان را مشغول بسازد.
لیل شب

م

مؤرخان جمع مؤرخ، تاریخ نگاران
مؤسس تأسیس کننده، بنیان گذار
مادام تا وقتی، تازمانی
مبتنی پایه یافته، بنا یافته
متاعب جمع متعب، آنچه انسان را به رنج بیندازد.
متحرک حرکت کننده، جنبنده

متحول	دگرگون شونده
متصوف	صوفی
متغیر	دگرگون، غمگین، آشفته
متفق	باهم یکی شده، همراه، متحد، همعهد
متمسک	نگهدارنده، کسی که به چیزی چنگ بزند
متنوع	گوناگون
مثال	مانند، شبیه
محاسن	جمع حسن به معنای خوبی و نیکویی
محدث	عالم به علم حدیث
محض	خالص
مخاطره	در خطر انداختن، خطر
مخروبه	جای تخریب شده، ویران
مخیله	قوه یی که موجب تخیل شود.
مدور	چیزی گِرد، دایره مانند
مرادف	ردیف شده، کلمه یی که در معنی شبیه کلمهٔ دیگر باشد.
مراقبت	نگهبانی و حراست
مسجل	تثبیت شده، قانونی شده
مسکوکات	جمع مسکوک به معنای سکه زده شده، پول فلزی
مسند	تکیه گاه، مقام و مرتبه
مشروعیت	شرعی شده ، قانونی شده، مورد قبول اکثریت قرار گرفته
مصون	حفظ شده
مظالم	جمع مظلمه، ظلم و ستمی که بر کس شده باشد.
معابر	جمع معبر، راه ها، گذر گاه ها
معلول	بیمار، علیل، معیوب
معمور	آباد شده، آبادان
معیوب	دارای عیب، دارای عیب جسمی و یا روحی
مفاسد	جمع مفسده به معنای بدی، تباهی، فساد
مفتاحی	کلیدی
مقارن	نزدیک، همراه، همدم، باهم پیوسته
مقاوله	گفت و شنید

مقتضا: تقاضا کرده شده، خواست شده
مقدر: آنچه تقدیر شده، نصیب و قسمت
مقصر: کوتاهی کرده، نا تمام، سستی کرده در کار
ملوث: آلوده، نا پاک
ملوک: جمع ملک، پادشاهان
منابع: جمع منبع، چشمه، اصل و منشا
منتج: پایان کار ، نتیجه
منحرف: کج شده، کج رونده
منسوخ: از بین برده شده، ردکرده شده
منصه: کرسی که عروس را برآن بنشانند، جای ظاهر شدن چیزی.
منقرض: نابود شده، از بین رفته
منقش: دارای نقش
منور: نورانی، درخشان
منوط: مربوط، وابسته
مواهب: جمع موهبت، بخششهای غیر نقدی مانند: زمین، ملک...
موجز: مختصر، کوتاه
مورد: رابطه، جای ورود
موهوم: وهم وخیال
مهد: گهواره
مهر: خورشید

ن

نادره گویی: سخن بی همتا و شیرین
نافذ: نفوذ کننده، درگذرنده، رسا و روان
نال: نی میان تهی و باریک
نامانوس: نا آشنا، نا شناخته
نایب الحکومه: والی
نحو: راه، طرز، شیوه، اسلوب، مثل، مانند، جهت
نسخت: نسخه یعنی از روی نوشتهٔ کسی که نوشته شود.
نصایح: جمع نصیحت، پند، اندرز
نصیب: سهم، قسمت، طالع، حصه، بخت و طالع

نعمت — ثروت و دارایی
نغز — خوب و نیکو
نقاد — نقد کننده، سره کنندهٔ خوب از بد
نقد — سره کردن، ظاهر کردن عیوب و محاسن سخن
نگرش — نگریستن، دیدن
نهار — روز
نیایش — دعا، آفرین، ستایش، پرستش

و

ورطه — گرداب، منجلاب، جای خطرناک
وسایط — جمع واسطه
وصله — پیوند، دوخت ودوز، ترمیم لباس

هـ

هزینه — خرج
هویدا — آشکار، واضح، روشن

فهرست منابع و ماخذ

۱. اخگر، مطهرشاه، آگاهی از خطرات ماین ها، مهمات منفجر ناشده و معلولیت، کابل، افغانستان،۱۳۸۷
۲. اعتصامی، پروین، دیوان اشعار، بهمن خلیفه،(به اهتمام) تهران، طلایه،۱۳۸۷.
۳. انتونی ارلاتو، دیباچه یی بر زبانشناسی تاریخی، گذارنده: عین الدین نصر، نشرات: بهیر، کابل ۱۳۸۲.
۴. انوشه، حسن(به سرپرستی) دانشنامه ادب فارسی، جلد۳، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، تهران، ایران،۱۳۸۷
۵. بابر، ظهیر الدین محمد، بابر نامه، کابل، انتشارات: اکادمی علوم افغانستان،۱۳۸۶.
۶. بلخی، محمد حنیف، پر طاووس، تهران،۱۳۸۱.
۷. تنویر ، محمد حلیم، تاریخ و روزنامه نگاری.
۸. حاکمی، اسماعیل (به کوشش) منتخب بهارستان جامی، چاپ پنجم، انتشارات سپهر: تهران ۱۳۶۴.
۹. خانلری ، زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی دری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، ۱۳۴۶.
۱۱. رحیمی نیا، مصطفی، زنده گینامه یکصدو ده تن از شاعران، نویسنده گان و دانشمنان انتشارات، جهان آرا،تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. روهینا ، محمد کریم، غلام محیی الدین انیس، کابل: اتحادیهٔ ژور نالیستان افغانستان، ۱۳۶۷.
۱۳. رهین، عبدالرسول، تاریخ مطبوعات افغانستان، کابل: انتشارات میوند،۱۳۸۷.
۱۴. ژوبل، محمد حیدر، زبان فارسی و روش تدریس نوین و موثر آن، کابل، انتشارات میوند، ۱۳۸۳.
۱۵. ژوبل، محمد حیدر، تاریخ ادبیات افغانستان، کابل، انتشارات میوند ۱۳۸۷
۱۶. سحاب، حشمت الله، آیین نگارش،۱۳۸۴
۱۷. سعید یان، عبدالحسین، دایرهٔ المعارف، جلد ۹، ص۸۳۲۸
۱۸. سلیمی، محمدتمیم، پیام حق، وزارت ارشاد حج و اوقاف، شماره۴ (سرطان)، کابل افغانستان، ۱۳۸۸.
۱۹. شریعت ، محمد جواد، آیین نگارش، چاپ چهارم ، تهران : انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸ .
۲۰. صفا، ذبیح الله، گنج و گنجینه سخن،تهران،۱۳۶۳.
۲۱. ظهوری، ظهورالله، یادی از شاه عبدالله یمگی بدخشی، کانون چاپ هالند، شماره ۳-۴،

لارن، هالند ۱۳۷۶.
۲۲. عمید مهر پور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی، تهران: انتشارات اطلاعات،۱۳۸۶ ص۲۱۳-۲۱۵
۲۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سوم، تهران، چاپ خانه سپهر، ۱۳۶۹.
۲۴. فرخاری، احمد یاسین، زبان و ادبیات دری در درازنای زمانه ها ، جلد اول، (کتاب چاپ ناشده)، مربوط کتابخانۀ شخصی فرخاری.
۲۵. کتاب دری صنف دوازدهم ۱۳۸۶
۲۶. گنجوی، نظامی، کلیات خمسه، تهران: ۱۳۸۴
۲۷. گیلانی، احمد سمیعی، نگارش و ویرایش، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتاب،۱۳۸۶
۲۸. ملکیار، غلام محمد، محیط زیست افغانستان، ناشر: اداره تحفظ محیط زیست افغانستان، ۱۳۸۳.
۲۹. منصوری کوهستانی، بدیع و بیان.
۳۰. مهدوی، رضا، موسیقی، تهران ۱۳۸۶.
۳۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۵.
۳۲. مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶ .
۳۳. نشریه سه ماهه اداره ملی حفاظت محیط زیست، میزان ۱۳۸۶.
۳۴. نعمانی، شبلی، شعرالعجم، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳
۳۵. نمایش(آشنایی با هنر های نمایشی)، سید جواد سلیمی، احمد ضابطی جهرمی، مهدی رحیمیان، ۱۳۸۶.
۳۶. نوشتن رویش اندیشه، به کوشش(سید حسین حسینی نژاد)، تهران ۱۳۸۶.
۳۷. نیشاپوری، فریدالدین عطار، منطق الطیر، به تصحیح (محمد جواد مشکور) تهران انتشارات: الهام، ۱۳۸۴ .
۳۸. واحد دوست، مهوش، شیوه های نگارش فارسی، ارومیه، ۱۳۶۸
۳۹. همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، انتشارات، قم ۱۳۷۶.
۴۰. http://www.fa.wikipedia.org
۴۱. http://www.dezeen.com